

۱۱
الف - ۱۹



کتابخانه مجلس سنا

..... اسم کتاب

..... اسم مؤلف

خطی

چاپی

..... موضوع

..... شماره دفتر ثبت

..... شماره ترتیب در قفسه

..... ملاحظات

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰

۱۸
الف - ۱۹



کتابخانه مجلس سنا

..... اسم کتاب

..... اسم مؤلف

خطی

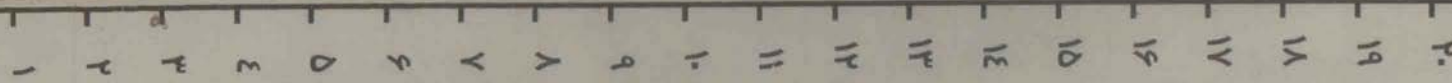
چاپی

..... موضوع

..... شماره دفتر ثبت

..... شماره ترتیب در قفسه

..... ملاحظات



تقاضا میشود که قبل از هر جمع اغلاط ۱۷۹۸
ذیل را در کتاب خود تصحیح فرمائید



| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|--------------|--------------|
| ۱ | ۱ | اداره | اداره |
| ۷ | ۷ | الغاء | الغاء |
| ۷ | ۷ | ۱۲۱۸ | ۱۲۹۸ |
| ۱۹ | ۱۹ | ووصل | ووصل |
| ۶ | ۶ | بمقریط | بمقریط |
| ۷ | ۷ | رئیس الوزرای | رئیس الوزراء |
| ۵ | ۵ | مطبوع | مطبوع |
| ۱۶ | ۱۶ | وسائلی | وسائل |
| ۱۲ | ۱۲ | بالاخره | بالاخره |
| ۲۳ | ۲۳ | اقتدار | اقتدار |
| ۶ | ۶ | احساسی | احساس |
| ۲۳ | ۲۳ | شکی | شکنی |
| ۱۱ | ۱۱ | الامنی | نا امنی |
| ۱۸ | ۱۸ | برقی | برقی |
| ۱۳ | ۱۳ | ز | از |
| ۱۷ | ۱۷ | ار | بر |
| ۱۱ | ۱۱ | غمدخارا | دء |
| ۱۱ | ۱۱ | غمدخارا | غمدخواران |
| ۲۳ | ۲۳ | وزند گانی | وزند گانی |
| ۱۹ | ۱۹ | شفا | و نه شفا |
| ۷۶ | ۷۶ | شم | ها شم |
| ۸ | ۸ | جذک | وجنک |
| ۱۳ | ۱۳ | بیا تخت | بیبای تخت |



دسته

(ب)

| صفتحه سر | غلط | صحیح |
|----------|------|--------------|
| ۸۶ | جرات | جرات |
| ۸۷ | ۱۹ | مهمانی |
| ۹۳ | ۹ | صندوق |
| ۹۵ | ۱۹ | کردن |
| ۹۶ | ۲۰ | اخذ |
| ۹۷ | ۲۳ | بین |
| ۹۹ | ۲۰ | و در |
| ۱۰۰ | ۲۴ | میباشند |
| ۱۰۳ | ۳ | افراط |
| « | ۲۲ | ۱۲۹۸ |
| ۱۰۶ | ۱۶ | یا آقایان |
| ۱۰۹ | ۲۱ | توانسته اند |
| ۱۱۱ | ۸ | توانند |
| ۱۱۴ | ۷ | بخورد |
| ۱۱۶ | ۱ | واقعی آنرا |
| ۱۱۶ | ۱ | دریافت |
| « | ۷ | داده و از صد |
| « | ۱۲ | جواب |
| ۱۱۷ | ۱۴ | ساکتین |
| ۱۲۰ | ۸ | از مودم |
| ۱۳۰ | ۱۰ | مورا نوری |
| ۱۳۱ | ۷ | تمیجه |
| « | ۲۰ | ز قلاب |
| ۱۳۳ | ۲۱ | آیا |
| ۱۳۹ | ۱۷ | نابذیر |

(ب)

| صفتحه سر | غلط | صحیح |
|----------|-----|----------------------|
| ۱۴۰ | ۸ | بر حساب |
| « | ۱۰ | حلالی |
| ۱۴۳ | ۲۳ | استقلال |
| ۱۴۵ | ۱۲ | استقلال |
| ۱۴۶ | ۲۲ | او حمل |
| « | ۲۳ | و تد |
| « | « | و ملقید |
| ۱۴۷ | ۲۱ | بمیدار |
| ۱۷۱ | ۴ | هر یک و |
| « | ۱۰ | بود و |
| ۱۷۲ | ۱۸ | آن دل سرد و نهر رفته |
| ۱۷۳ | ۸ | مالکیت |
| ۱۷۶ | ۲ | افراد ملت |
| « | ۱۳ | به بتند |
| « | ۲۰ | ول خرجی |
| ۱۷۷ | ۵ | د هد |
| « | ۱۳ | یشونی |
| « | ۱۴ | نمیخواهند |
| ۱۸۰ | ۷ | اضافه آرهم |
| ۱۸۱ | ۲۳ | مرا و ده با |
| ۱۸۵ | ۳ | نما قید |
| « | ۱۹ | سوقی |
| ۱۸۶ | ۱۷ | که با |
| ۱۷۸ | ۱۳ | نمیکنند |

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|--------------|---------------|
| ۱۸۹ | ۲۰ | نمی‌توانند | نمی‌توانند |
| ۱۹۰ | ۷ | با و | با او |
| ۱۹۱ | ۱۱ | کاپیت لاسیون | کاپیتو لاسیون |
| ۱۹۲ | ۲۰ | مستقل | مستقل |
| ۱۹۲ | ۱۲ | فند | قیمت |
| ۱۹۵ | ۱۲ | نسمی انخی | پشمی ونخی |
| ۱۹۶ | ۱ | زدست | از دست |
| ۱۹۹ | ۵ | شوند | شود |
| ۱۹۹ | ۹ | خواهند داد | خواهد داد |
| ۲۰۳ | ۱۶ | نداند | ندارند |
| ۲۰۳ | ۱۸ | کنند | کنند |
| ۲۰۸ | ۱ | موقیت | موافقت با |
| ۲۱۳ | ۱۶ | با فنا | یا فنا |
| « | ۲۲ | آنی | آنی |
| ۲۱۴ | ۶ | وقتی هم که | وقتی که هم |
| ۲۱۷ | ۱۷ | و آبن | و آن |
| ۲۲۲ | ۲۳ | ساید | سایر |
| ۲۲۳ | ۴ | مچاسی | مابی |
| ۳۲۹ | ۱۱ | قطه | قطعا |
| ۲۳۰ | ۲۲ | در آمده | در آمد |
| ۲۳۲ | ۱ | از اثر | در اثر |
| ۲۳۲ | ۴ | دارا | ها |
| ۲۳۶ | ۲۲ | مضر | از مضر |
| ۲۳۸ | ۸ | متخصصین | متخصصین فنی |
| ۲۴۰ | ۱۳ | اتحاد و | اتحاد و |

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|------|-----|-------------|---------------|
| ۲۴۱ | ۲۳ | رفرانسه | و فرانس و روس |
| ۲۴۳ | ۷ | نبرده | نبوده |
| ۲۴۸ | ۳ | پایتخت | پای تخته‌بای |
| ۲۶۱ | ۲۳ | دیوان | دیون |
| ۲۷۲ | ۶ | نگنند | بکنند |
| « | ۱۳ | هونه | مونه |
| « | ۱۵ | از خوراك | از حیث خوراك |
| ۲۸۱ | ۶ | نشینان | نشینان |
| ۲۸۷ | ۱۳ | افکار عالیه | افکار عاوه |
| ۲۹۳ | ۱۸ | هستند | هستند که |
| ۲۹۴ | ۵ | او تو | او تو آ |
| « | ۹ | گرداند | گردانند |
| ۲۹۵ | ۳ | آمنو | آمنوا |
| « | ۴ | جبالا | خبابالا |
| « | ۵ | یدب | یدت |
| « | ۱۶ | آمنو | آمنوا |
| ۲۹۶ | ۲ | اتخذ و | اتخذوا |
| « | ۳ | اتو | اتوا |

ابطال الباطل

یا

رد قرار داد رئیس الوزراء ایران با دولت
انگلیس و بیانیه ایشان

که

در تاریخ سیزدهم ذیقعده الحرام ۱۳۲۷
منتشر گردید

(پنجمین نشریه روز نامه یومیه اخگر)

﴿ اصفهان ﴾

دی ماه ۱۳۱۱



مطبعه اخگر

موضوع شماره کتاب صفحه

۱۹۶ ۶۶ مسائل ۱۹۶

۶۶۶ ۷ مباحث ۶۶۶

۸۶۶ ۲ تحقیق ۸۶۶

۱۳۶ ۶۶ تاریخ ۱۳۶

۶۶۶ ۳ مباحث ۶۶۶

به بسیاری از جهات

تالیفات و نشریات

۱۸۶

مخصوص تناسب اسمی

این کتاب بیادگار بطلان

۶۶۶

امتیاز فقط دارسی هدیه

»

و تقدیم میشود

»

۳۶۶ ۶ مباحث ۳۶۶

» ۶ مباحث ۶۶۶

رساله ای که امروزه نامه اخگر با انتشار آن
 و مطالب بسیار دارد. بودن جنبه های واقعی
 و فنی، فنی و ادبی و مخصوصا تاریخی در موقع
 خود یکی از آثار مهمه سیاسی بشمار میآید
 و چنانکه ناهش «ابطال الباطل» آنرا معرفی
 میکند یکی از عوامل مؤثر «ابطال» و
 نناء تر آرداد سال ۱۲۱۸ بین ایران و انگلیس
 بوده که بموقع خود در یکی از جراید طهران
 بطور پاورقی منتشر شده است

جنبه سیاسی این رساله بعد از حصول مقصود
 یعنی لغو شدن قرار داد مزبور از بین رفته
 و ای جنبه های دیگر آن بندری مهم است که
 آنرا در عداد یکی از شاهکارهای مهم
 زبان فارسی امروزه قرار داده است.

تجدید انتشار این رساله مخصوصا برای ما
 مردم فراموش کار که هیچ بخاطر نمی آوریم
 از چه جهتم پاتیمی و اقتصادی و اداری
 خلاص شده و در سایه دولت اعلیحضرت شاهنشاه
 پهلوی یکدم بهشت استلال و ایزتی و حل
 و از چه ورطه هولناکی نجات یافته و در
 مدت یازده ساله زمانداری این روز تدرشید
 ایران - که روزگارش پاینده باد - بچه پایه

و مایه ای رسیده ایم بی اندازنه مفید
 و برای ادای شکر منعم بسیار لازم و واجب
 واجب است.

حسن قلم، قوت منطق، زیبایی انشاء و علم
 و اطلاع و احاطه نویسنده این رساله حاجتی
 بتقریط ندارد و اگر اجازه داشتیم نام ایشان
 را ذکر کنیم خوانندگان محترم میدانستند
 که از ایشان جز این قبیل آثار انتظار
 نمیتوان داشت.

باز هم بامر و اشاره خود نویسنده محترم
 مرار دیکه اسم اشخاص در این رساله ذکر
 شده و علی الرسم فن نقادی عبارت منطوقا یا
 مفهوما زننده بوده است اسامی بنقاط تبدیل
 یافته تا هم جنبه ادبی کتاب محفوظ و هم
 حفظ الغیب اشخاص بعمل آمده و از هر گونه
 شائبه ای مبرا و مصون باشد.

ضمنا بعضی حواشی هم که برای روشن
 کردن قضایای گذشته ناگزیر بوده بر آن
 افزوده شده و خلاصه هدیه گرانبهائی تقدیم
 زبان فارسی و تاریخ مملکت نموده و انتظار
 داریم که در پیشگاه هموطنان گرامی انتشار
 این اثر نفیس مقبول و پسندیده افتد.

۱۲۵۹
 ۱۲۵۹
 ۱۲۵۹

۱۱/۳۵

در تاریخ سیزدهم ذی‌عده ۱۳۳۷ که
مسلمانا منحوس ترین ایام تاریخ ایرانست در
جر ایدپای تخت بیانیه که تاریخ آن ۱۷ اسد
و در ذیل آن قرار داد انگلیس و ایران مندرج
بود از طرف رئیس الوزرای مملکت انتشار یافت
مقالات سفارشی که « در اطراف بیانیه
رئیس الوزرای » در روزنامه جات نوشته شده
چون دستور آنرا خود و هوا خواها نشان
داده اند چیزی نیست که برهان و منطق در
آنها راهی داشته باشد

گذشته از این نظامی بودن شهر طهران
و تمسك جستن رئیس الوزراء برای بر هم
زدن اجتماعات ضد خود باین قانون و بیانیه
تهدیدیه ای که در تاریخ ۱۶ سنبله (۱۲ ذیحجه)
از طرف ایشان منتشر شد و حبس و تبعیدی
که متعاقب صدور این بیانیه در جماعتی از
اضداد این قرار داد باجرااء رسید و بالاخره
تفرقه اجتماعات ملین که در منزل عامای
اعلام جمع شده بودند اقتدار هر نوع مخالفت
یا نقادیرا از مردم سلب کرد مطبوعات که
عموما طرفدار او بودند سایر مردم هم اگر
گاهی بوسیله اوراق معروف به شب نامه می
خواستند افاده مرامی در اطراف این قرارداد

نموده مضار و منافع آنرا تحت مباحثه و مذاکره
بیاورند با کمال دقت تعقیب شده گرفتار حبس
و توقیف می گشتند

الان ماه دلو است و دوش ماه از تاریخ
امضاء و انتشار این قرار داد می گذرد و این
بعد از شش ماه است که قلم برداشته میخوایم
بیانیه و قرار داد ایشان را تحت دقت بیاوریم

بعد از دوش ماه مدت و باجرااء رسیدن
قسمت عمده قرار داد و ظاهر شدن نتایج آن
و اخذنق هر نوع فکر و حس دیگر بر روز
احساسات و نقادی از روی تعصب خلاف رویه آنرا
است ما هم سعی میکنیم که از عصبیت و بروز
احساسات احترام از جسته این راه را جز با قدم
های برهان و منطق و تجربه و تاریخ نه پیمائیم
و نیز برای اینکه شاید مضامین بیانیه و

نکات قرار داد از اذهان فراموش شده باشد
بدوا بیانیه رئیس الوزراء و قرار داد ضمیمه
آنرا می نگاریم و بعد بیانیه ایشان را جمله بجمله
تجدید ذکر نموده و در ذیل هر یک نظرات
خود را مینویسیم و سپس قرارداد و ضمیمه آنرا
و صل بفضل تحت مذاکره در می آوریم و ما
توایقی الا بالله

بیا نیه رئیس الوزراء آخرین تصمیم هیئت دولت

در اینموقع که ذات اقدس شهریاری اروا- فدا
مدام مصمم مسافرت با اروپا میباشند ومدت يك
سال از تاریخ زمامداری اینجانب میگذرد
البته هموطنان من متصد هستند از اقداماتی
که در حل مشکلات داخلی و تسویه مناسبات
خارجی مملکت در مدت این یکسال نموده ام
بیشتر اطلاع حاصل نمایند بنا بر این لازم
میدانم حقایقی را که تاثير آنها در گذشته و
آئینه متضمن مصالح حیاتی مملکت میباشد
با اطلاع عامه برسانم

برای مقایسه وضعیت قبل از زمامداری خود
با امروز و بیان کلی حقایق فرصت و مجالی
وسیع نر و تسوید اوراقی بیشتر لازم است
و علاوه مایل نیستم خاطر ه وطنان عزیزم
را از شرکت در تمام تاسفات و معاینات
تاثر انگیز خود ملول سازم پس قسمتی از
حقایق ناگفتنی را پیشریخ تاریخ و تقریر
افکار دقیق هموطنان حواله نمودم فقط رئیس
مسائل را یاد آور میشوم

سال گذشته در همین ایام اعلمحضرت
شهریاری ارواحنا فدا وظیفه تشکیل هیئت
دولت و سرپرستی مملکترا بعهده بنده مقرر
فرمودند من نیز با اینکه روزنه امید و شعاع

بهبودی را با آن همه کسب نمودم و شهرآزده ها
از هیچ طرف مشاهده نکردم نقطه بنیت
فداکاری و اینکه شاید مدامله من لا اقل
بتواند از توسعه دائره مصائب جلوگیری کند
امر پادشاه بطریوع معظم خود را اطاعت کردم
از نخستین نقطه شروع در حرکت با اسل
طاقت فرسای مشکلات و موانع مصارف گشته
برای حل کوی- تیر بین تضایب بزرگترین
محدورات را مشاهده می کردم

در آنموقع جنگ بین الممالی با تشنجات
شدیده خود زلزله کبیتی را همچنان مداومت
می داد و بر اثر آن ممالمت ما نیز بنوبه
خود بیشتر از توانائی بنیت و طاقت خویش
مترزل میگشت .

ادبیت در تمام نقاط داخله ممالمت سازب
دولت مرکزی فقط کلی وسائل و اختیارات
همچنانکه افراد و تشکیلات ترور در پایتخت
آسایش شاه را دچار اختلال نموده بودند
دستجات باغی و قطاع الطریق در اقطار
ایران باغراض و نوایس عامه حکم فردائی
داخته اغاب ولایات و نقاط مهم ممالمت بی
حکومت و سرپرست و دستخوش غارتگران
بجای باقی مانده قوای متلاشی شده تا اینیه با
رقت نا کمتر بن احوالی در مقدرات خود
نالان و افراد آن از گرسنگی در حالت

احتضار خزانه تنبی عایدات مالیاتی لا وصول
 اقساط مخارج مهم و ضروری دولت در عهده
 تعویق و تعطیل ابواب تجارت بکلی مسدود
 و همه کس برای ضروریات زندگانی نگران
 و سرگردان سختی ارزاق عمومی در مرکز
 و ولایات با قیافه فجیع خرد حیثیت هیئت
 اجتماعیه را تهدید قحطی و استیلاي امراض
 چرخ نظام اجتماعی و زندگانی افراد را
 متوقف مناسبات خارجی ما تعطیل و روابط با
 دولت انگلستان (دولتی که در آن موقع بیش
 از همه مساعدت و مخالفتش مؤثر در وضعیت
 داخلی بود) تیره و مبهم و بالاخر تمام
 موجبات بد بختی و انقراض مهیا و با ندادن
 اشتباه و خود پرستی و یا تعلل و لاقیدی و
 یا جبن و بد دلی ممکن بود آخرین ضربه
 مخاطرات مترجمه حیات سیاسی و استقلال
 ملی ما گردد.

در يك چنین موقع خطیر و ایام سیاهی بزد
 که مترکلا علی الله با اعتماد بنفس و اتکاء
 بر جلدان و حقیقت خود خراهی و خود پسندی
 را از نظر دور کرده منافع ملت را بمصالح
 شخصی ترجیح دادم و از هیچ مخاطره جانی
 و شرافتی زهرای سینه بار سنگین مسئولیت
 خدمتگذاری مملکت را بردوش خود گذاردم

بدبختی است در اول محض تغییر و بهبودیت
 موقتی اوضاع مجبور بودم با هر نوع سعی و
 تلاش وسائل آبی و نووری تهیه و تدارک نمایم
 تا با وضعیاتی که مستلزم مخاطرات و ممالک
 آبی بود مقاومت و فرصت کافی برای امعان
 نظر و مطالعه دقیق حقایق در هنگامه تنظیم دنیا
 و تجسس طرق ممکنه برای اصلاحات اساسی
 و تأمین حقیقی آتیه مملکت تحصیل نمایم

حالت من در آن ایام مانند غریبی بود
 که اول بحکم اضطرار بر تخته پاره متوسل
 گرد تا خود را بوسه آه آن بگشایی و ساحل
 نجات برساند بهمین دلیل در تصمیمات و عملیات
 خود اکثر معارضی می یافتم و منتقد بیخبر از
 اوضاع میدیدم طرف توجه قرار نداده و برای
 رسیدن بمقصد یعنی نجات مملکت احکام عقل
 و دانش را بر احساسات خود و دیگران ترجیح
 میداد.

بسی شعوف و خورسند هستم که بیماری خدای
 تعالی نخستین تکالیف مولتی خود را با هدایت
 نقل و وجدان و به نیروی آن درجه تو انانی
 که باری تعالی جل اسمه باین نموده ضعیف عطا
 فرموده در تهیه وسایل پیشرفت مولتی و در
 عین حال خاتمه دادن بمخاطرات و منفع عواقب
 داخلی و خارجی با حسن فداکاری تا حدی که

مقدور شد انجام دادم

در ادای این وظیفه صعب پس از تأییدات
غیبیه و توجهات اولیای اسلام و اتکای بتقویت
های شاهانه که البته علل اصلی موفقیت این
جانب بودند مساعدت و حسن موافقت اولیای
دولت انگلستان نیز عامل مؤثر و قوی گردید
و البته نباید از امتنان مساعدت های آن دولت
خاموش نشست

دولت معظم انگلستان در عقیده جلو گیری از
هرج و مرج و ایجاد امنیت و نظم در ایران
با اولیای دولت شاهنشاهی ابراز موافقت نموده
و حصول این مقصود را موافق با مصالح خویشترن
یافته در حدودی که وضعیت عمومی اجازه
میداد از کمک با کابینه این جانب مضایقت
نمود

اگر چه این مساعدت از بعضی حیثیات
و مخصوصا از حیث اسلحه و مهمات نظامی
رضایت بخش و تا آن درجه کافی نبود که
موفقیت اولیای دولت را در حفظ انتظامات
زود تر و بیشتر محسوس نماید لیکن همان
مقدار کمکی که با دولت ایران بعمل آمد
قابل تقدیر و در موفقیت دولت تاثیر کامل
داشت مخصوصا مساعدت مالی در تأمین ارزاق
و التماس دولت بر تأدیه منظم مصارف جاریه

مملکت برای استقرار و بقای نظم به موقع و
نافع ~~گردید~~

بدیهی است در این مدت معاندین من و
جاهلین و ارباب اغراض از آنچه توانستند
برای اینکه این جانب را خسته و مایوس و به
کناره جوئی مجبور نمایند خود داری نکرده
علاوه بر انواع تشبثات جاهلانه مکرر سعی
کردند خاطر من مظاهر ملوکانه را از این
بنده مکدر نمایند ولی هیچوقت ذات مقدس
شاهانه از القات آنان متأثر نگردیده و همواره
علاقه خاطر همایونی بحفظ مصالح مملکت
پشتیمان قوی و نگاهبان مؤثر این جانب بود
در طی این عقبات و در عین اینکه
برای نگهداری و بهبودی اوضاع موقتی صرف
مساعی می نمود البته ازین نکته غفلت نداشتم
که این بهبودی موقتی دارای جنبه دوام و
ثبات نیست و اتخاذ تدابیر اساسی برای تاهین
زندگانی دائمی و ترقی و تکمیل مملکت از
نقطه نظر اقتصادی و اجتماعی مرحله ثانوی و
مهمتر وظیفه این جانب است و مادام که در
این طریق فکر و تدبیری نشده است زحمات
و مشقات بی نتیجه و مخاطرات حتمی الوقوع
است زیرا همه روزه تجربه جدیدی عقیده

راسخه مرا تأیید میکرد که نجات مملکت
بدون انتظام و اصلاح ادارات میسر نیست و
انتظام ادارات بدون توسل بمعلومات فنی
مستشارها و معلمین خارجی صورت نمیندیرد
وبالآخره تاسیس و اصلاح ادارات ایران که
علی الظاهر مدعی مشابهت با ادارات اروپائی
هستند ولی از حقایق تنظیمات اروپائی بکلی
بی بهره میباشد بدون توسل بمعلومات متخصصین
و از باب فن خارجی غیر ممکن است

سعی و تلاش اداره کنندگان ایرانی
که بواسطه نقص تجربه و تعلیمات نبودن
و وضعیت ثابت تا کنون در اجرای اصلاحات
عقیم مانده و در مقابل برچیدن اوضاع قدیم به
ایجاد هیچ وضع جدیدی که قابل دوام و بقا
باشد موفق نشده علم کفایت خود را ثابت و
این حقیقت را روشن تر نموده است که مادام
که معلمین کار آزموده نمانده محکمی برای
اصلاحات طرح نکرده اساس متینی ایجاد
نموده اند که عناصر مستعد ایران اثر در مکتب
عمل و اداره با تمرین متینی که لابد منه
آموختن فنون و تجارب اداری است برای
خدمات مملکت حاضر نمایند تشکیل ادارات
و دوائر و شعب و هیئت ها و کمیسیون ها و
غیره جز افزودن خرج و تشویق هرج و مرج

حاصل و نتیجه نخواهد داشت

ثانیا بالبداهه معلوم و مسلم بود که
مساعدت مالی که بادولت ایران میشد و اثرات
آنی و موقتی خود را می بخشید بسا مضر تی
که داشت صرف نظر از آن ممکن نبود مازند
مخدری که در تسکین فوری درد مؤثر ولی
در رفع مرض بی اثر بود نمیتوانست دوائی
دائمی مملکت و موجب شفای قطعی باشد و
تغییر زندگانی اساسی و دائمی مملکت و ترک
زندگانی روز مره و بی اساس هر روز بصورتی
و در تحت تاثیر حادثه چند بدی نر و م غیر قابل
انکار خود را ثابت مینمود

اوضاع مالیه مملکت بیش از آن
چه بشرح در آید اسف انگیز بوده لیاتهای
دولت بواسطه کشمکش ها و بی نظمی های
داخلی و تقایح جنک بین المللی و قحطی و
امراض و عوامل مهلکه دیگر بد رجه صفر
رسیده بود عایدات کمر کی بواسطه عدم
امکان مدالات تجارتی از میان رفته تهیه اسلحه
و مهمات برای تنظیمات و تجدید قوای تا مدینه
غیر مقدور بود برای شروع بهر اصلاح و
استفاده از هر وضع و علاج هر خطری مراجعه
به سرمایه خارجی وسیله و شرط منحصر بنظر
می آید

تبدیل سیاست دنیا در نتیجه جنک

بین المللی و طرح خطوط و نقوش اصلیه در نقشه جغرافیای عالم « مخصوصا پس از انقلاب و تشنج عظیم روسیه » سعی و تلاش هر يك از قطعات مجاور مملکت برای تقویت و نیرومندی خویش اتصال آنها بدول قوی تر و نیرومندتر در هر لحظه درس جدید و تنبیه تازه بود که باید در تقویت مملکت کوشید و مزاج مملکت را برای مقابله با وضعیت و مشکلات محتمل الوقوع آئینه حاضر و مهیا کرد

بالجمله بطوریکه در فوق ذکر شد احتیاج مملکت از حیث توسل به کمک های فنی و مالی خارج محل شبهه و تردید نبود سخن در این جا بود که این کمک های فنی و مالی ضروری از کدام منبع خارجی تحصیل شود که شرایط اصلی ممکن بودن و عملی بودن را دارا بوده موفقیت آن با استقلال مملکت نیز مشکوک نباشد

درین باب عقاید مخصوصا از نقطه نظر احساسات متفاوت بود و طرق مختلفی برای مشی سیاسی دولت ترسیم میشد ولی بوا سطره دور بودن از محیط حقیقی سیاست و بیخیز از تمیز وضعیت یا ملاحظه در اظهار عقیده جنبه امکان اجراء و قابلیت عمل در آنها کمتر رعایت میکردید

هیئت دولت که مسئول مقدرات مملکت بود مجبور بود نظر خود را بحقایق و واقعیات محدود کرده از احساسات و اوهام تحقیق نا پذیر دوری جستہ متعاقب تجربیات ده ساله و تشبث بتمام وسائل مقصوده بالاخره عظیم ماندن نقشه های احساسی و نتایج وخیمی که از آن حاصل گردید غیر از خرد و دانش هادی دیگری برای خود نپذیرد

در نتیجه این افکار هیئت دولت مطالعات زیادی در اطراف قضیه نمود و تمام طرق را در تحت نظر و تفکر در آورد در نتیجه معتقد به این عقیده شده که مراجعه و توسل به متخصصین از مال مختلفه برای مصالح دولت و مملکت عملی نبود

زیرا علاوه بر احتمال وقوع رقابت های ملی و نژادی مابین آنان که برای پیش رفت اصلاحات مضر و نتایج سوء آن متوجه ما میکردید هیچیک از ملل را در تمهید و سایل سعادت مملکت طوری ذی علاقه و ذینفع نمیگرد که مساعدتهای مهمی برای ترقیات فوری و سریع نموده مملکت را از حالت بد بختی و فلاکت امروز بطور مؤثر رهایی بخشند و

علاوه بر اینکه همان رقابت های اول امر
 امکان وقوع آنها مشکل مینمود و بر فرض وقوع
 پس از مدتی تجربه و عمل با تحمل مضار و
 آفات مسلمه تاخیر مسئله توحید سبک و اسلوب
 اصلاحات مراجعه بمبدء و احد فنی را مخصوصا
 در باره ادارات مهمه الزام دیکر کرد با توجه
 بنکات فوق و تحت نظر آوردن حقایق و وضعیات
 داخلی و خارجی مراجعه بدولت دیکر غیر
 از انکاستان علاوه بر آنکه با سوابق مساعدت
 و اطمینان قطعی که در ضمن مذاکرات از
 نظر مساعدت آن دولت بحسن استقبال و آتیه
 ایران حاصل گردید اقتضا نداشت شرط امکان
 و عمای بودن را نیز فاقد بود

بنا بر ملاحظات فوق هیئت دولت در ضمن
 ایفای وظایف روزانه و استقرار نظم و آتیه
 موجبات آسایش حال اهالی از نقطه نظر تعیین
 خط مشی سیاسی دولت و روشن کردن این
 تکالیف از مذاکره با دولت انکاستان در تامین
 آتیه مملکت خود داری ننمود چندی از
 متار که جنگ نگذشته بود که در این مسائل
 بطور کلی با اولیای دولت معظم لیا مذاکرات
 بمیان آمد و در این مذاکرات تمام شرایط

اصلاح مملکت رعایت و در نتیجه تبادل
 نظریات و اقدامات که چندین ماه طول کشید
 قرارداد هائی با موافقت طرفین مقرر گردید
 البته برای تصمیم در عقد قرار داد و خاتمه
 دوره بی تکلیفی علل و موجبات دیکری
 نیز موجود بود که اظهار و اعلام آنها فعلا
 نیز خالی از اقتضا است و از باب فراست با
 مختصر تا مل و توجهی بوضعیات بین المللی
 میتوانند آن حقایق را دریافته و تصمیمات
 دولت را نمایند

قسمتی از این حقایق مربوط بسیاست
 گذشته ایران در مدت امتداد جنگ بود که
 سعی و کوشش نمایندگان دولت را در کنفرانس
 صالح دچار موانع و اشکالات کرد و با لآخره
 با تمام مشکلات و ملاحظات فوق موافقت
 بانجام این قرار دادها حاصل گردید

بطوریکه ملاحظه میشود در آزاد دولت
 تا مینات کافیه برای حفظ حیثیات و استقلال
 و تمامیت ایران تحصیل نموده و استفادہ از
 مملومات فی تخصصین انکیسی را با کمک
 های مادی و مالی دیکر از قبیل اسلحه
 و مهمات بدون اینکه تکالیف دیکری قبول
 نمایند بدست آورده

تغییر عهد نامه و تجدید نظر در

تصرفه کمتر کسی برای اینکه عایدات در آتیه کفایت مصارف اصلاحات را نیز بنماید مسلم کردید

علاوه بر اینها بموجب مراسله و تعهدات رسمی جداگانه بتحصیل مساعدت دولت انگلستان برای موافقت با تقاضاهای مشروع مملکت در کفرانس صلح موفق گردیده است

موفقیت دولت را جمع بعضویت ایران در مجمع انفاق ملل که علیحدّه محرز و مسلم است نیز يك وثیقه بین المللی مهمی برای استقلال و تمامیت ایران و از نطفه نظر سیاست خارجی موجب اطمینان تمام می باشد

در ضمن از ذکر این نکته هم نباید خود داری نمایم که این قراردادها با لذات هر شرط و تعهد مضری را فاقد اصول و موجبات مسلمه سعادت و استقلال مملکت را دارا است لیکن بدیهی است شرط استفاده مملکت از آن بوسیله حسن استعمال و اجرای آن بدست اشخاص بصیر بوضعیات و مصالح مملکت است

زیرا بهترین قراردادها و عهد نامه ها اگر مورد سوء استعمال شود و دست های آلوده نا نالایقه ما موراحیان آن

گردند مضار برادر بر داشته و فاقد منافع خواهد گردید و در چنین صورتی نقص و کمال قرار داد و یا ضرر و نفع آن بالسویه خواهد بود و مملکتی که اشخاص و اقب بمصالح وقت و قادر بر اجرای وظایف را فاقد باشد و یا نخوهد بشناسد از هیچ قرار دادی استفاده نخواهد کرد و بطریق اولی فندان قرار داد و دوام بی تکلیفی و در ماندگنی هیچوقت از زوال و فناى آن جلو گیری نخواهد نمود

اینجانب همان طور که تطبیق و وضعیت حالیه را با سال گذشته و مقایسه عملیات دوازده ماهه موقتی خود را به محاکمه و انصاف افکار عامه و اسکندار نمودم در موضوع این موفقیت اساسی نیز وجدان پاک اشخاصی را که به سعادت حقیقی مملکت علاقه مند هستند و از اغراض جاهلانه و حیثیات عوام فریبانه دورند و مبنای حکم و تصدیق آن ها عقل سلیم و منظور داشتن حقایق است حاکم قدر شناس و حقگذار قضیه قرار داده امیدوارم نتایج حسنه این موفقیت منظور نظر حق شناس عموم اهالی مملکت بوده بهترین مزد خدمات و فداکاریهای این جانب

که ظهور سعادت و آبادی حقیقی این مملکت است هر چه زودتر مشهود گردد

اینک ترجمه قرار دادها

(قرار داد بین دولت انگلستان و دولت ایران)
نظر بروابط محکمه دوستی و موادت که از سابق بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر با اعتقاد کامل یاینکه مسلما منافع مشترکه و اساسی هر دو دولت در آئینه تحکیم و تثبیت این روابط را برای طرفین الزام مینماید و نظر بلزوم تهیه و سایل ترقی و سعادت ایران بحد اعالی بین دولت ایران از یکطرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان بنمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر میشود

۱ - دولت انگلستان با قطعیت هر چه تمامتر تعهداتی را که در سابق برای احترام استقلال مطلق و تمامیت ایران نموده است تکرار مینماید

۲ - دولت انگلستان خدمات هر عده مستشار متخصص را که برای لزوم استخدام آنها در ادارات مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد بخرج دولت ایران تهیه

خواهد کرد این مستشارها با کنسرات اجیر و بانها اختیارات داده خواهد شد کیفیت این اختیارات بسته به توافق بین دولت ایران و مستشارها خواهد بود

۳ - دولت انگلیس بخرج دولت ایران صاحبمنصبان و ذخایر و مهمات سیستم جدید را برای تشکیل قوه متحدالشکل که دولت ایران ایجاد آنرا برای حفظ نظم در داخله و سرحدات در نظر دارد تهیه خواهد کرد عده و مقدار ضرورت صاحبمنصبان و ذخایر و مهمات مزبور بتوسط کمیسیونی که از متخصصین انگلیسی و ایرانی تشکیل خواهد کرد ید و احتیاجات دولت را برای تشکیل قوه مزبور تشخیص خواهد داد تعیین خواهد شد

۴ برای تهیه وسائل نقدی لازمه بجهت اصلاحات مذکور در ماده ۲ و ۳ این قرار داد دولت انگلستان حاضر است که بیک قرض کافی برای دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آنرا بدهد تضمینات این قرض باتفاق نظر دولتین از عایدات گمرکات یا عایدات دیگری که در اختیار دولت ایران باشد تعیین میشود تا مدتی که مذاکرات استقرض

مجلس کور خاتمه نیافته دولت انگلستان بطور
مساعد و جوهات لازمه که برای اصلاحات
مملکت کوره لازم است خواهد رسانید
و دولت انگلستان با تصدیق کامل احتیاجات
فوری دولت ایران به ترقی و سائل حمل و
نقل که موجب تأمین و توسعه تجارت و
جلوگیری از قحطی در مملکت میباشد حاضر
است که با دولت ایران موافقت نموده
اقدامات مشترک که ایران و انگلیس را راجع
بنا سیس خطوط آهن و یا اقسام دیگر وسایل
تقلیه تشویق نماید در این باب با بد قبالا
مراجعه به متخصصین شده و توافق بین دو لئین
در طرحها نیکه محترم و سهلتر و مفیدتر
باشد حاصل شود

۶ - دو لئین توافق مینمایند در باب
تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل کمیته
که تعرفه کمرکنی را مراجعه و تجدید نظر
نموده و با منافع مملکتین و تمهید و توسعه
وسائل ترقی آن تطبیق نمایند

سواد مر اسله ضمیمه فرار داد
جناب مستطاب اجل اشرف افخم

امید وارم که حضرت اشرف در دوره
زمانه مداری با موافقت خودتان در امور

مملکت ایران یقین کرده اید که دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان همیشه سعی
نموده است که آنچه در قوه دارد کابینه
حضرت اشرف را برای اینکه از یکطرف
اعاده نظم و امنیت در داخله مملکت تکمیل
و از طرف دیگر روابط صمیمانه بین دو لئین
ایران و انگلیس محفوظ باشد تقویت نماید
برای ابراز جدید این احساسات که همواره
مستنون خاطر کابینه لندن بوده است من
حالا ما ذون هستم که بحضرت اشرف اطلاع
بدهم که در موقع امضای قرار داد بکه
مربوط برقرار است که کابینه حضرت اشرف
اجرای آنرا در نظر گرفته اند دولت
اعلیحضرت پادشاه انگلستان حاضر خواهند
بود با دولت علیه ایران برای اجرای
تقاضاهای ذیل موافقت نمایند

۱ - تجدید نظر در معاهدات حاضره
بین دو لئین

۲ - جبران خسارات مادی وارده به
مملکت ایران بواسطه دول متخاصمه دیگر

۳ - اصلاحات خطوط سرحدی ایران در
تقاطعیکه طرفین عادلانه تصور نمایند

انتخاب ترتیب قطعی و زمان و وسائل

مقتضیه تعقیب مناصد فوق در اولین موقع امکان موضوع مذاکره بین دولتین خواهد کردید این موقع را برای اینکه احترامات فائده خود را بحضور اشرف تقدیم نمایم معتمد میشمارم ، (ب. ز. کاکس)

آقای رئیس الوزراء بعد از مقدمه میفرمایند :
 « برای مقایسه وضعیات قبل از زمامداری »
 « خود با امروز و بیان کل حقایق فرصت »
 « ومجالی وسعتر و تسوید اورا قی بیشتر »
 « لازم است و بعلاوه مایل نیستم خاطر »
 « هموطنان عزیزم را از شرکت در تمام »
 « تا سفات و معاینات تا سب انگیز خود »
 « ملول سازم پس قسمتی از حقایق ناگفتنی »
 « را بتشریح تاریخ و قفس افکار »
 « دقیق هموطنان حوالت نمود فقط »
 رؤس مسائل را یاد آور می شود »

شک نیست که اگر میخواستید تمام جزئیات دوره زمامداری خود را بشکارید بیش از این ها کاغذ مصرف میگردید و خاطر مردم این مملکت را پیش از این رنجه میساختید زیرا امروز عموم مردم بتمام پیش آمده های خوش که روز کار برای

این مملکت تدارک دیده بود و بسعی شما از دست رفت و اوقف نیستند چه بسیار حقایق و وقایع هست که مسلما اگر ناگفته بماند صرفه آن برای شما زیاد است از آنجمله یکی شرح دوسیه مذاکره نمایندگان ایران در کنفرانس صلح و دیگری مذاکرات سریه شما با سفارت انگلیس و تضمینات شخصیه ایست که برای خود تحصیل کرده اید

ولی هما نظور که خودتان نوشته اید هم حالا افکار عمومی آن حقایق ناگفتنی را تفرس میکنند و هم در آتیه تاریخ جزئیات آن را ثبت خواهد کرد و آتروز است که شما مقامی را که باید و شاید نه تنها در نزد مردم ایران بلکه در نزد تمام ملل عالم احراز خواهید کرد شاید تصور کرده اید که ایران چیز دیگری هم داشته است که شما ببا انگلیس ها نبخشید و با شید و از این راه متأثر هستید ولی ما محض بیرون آوردن شما از این تصور و تاثر و ادخال سرور در قلب مؤمن میگوئیم بیست تشریح نکنید همین انداز خدمتی که با نکلیسها

کرده آید آنرا را مالک همه چیز ایرانینا
نموده و میتوانید مطمئن باشید که بقول
روزنامه مضحکه منطبقه پاریس مملکت
ایران را به پنجاه ساتیم (یک عباسی) (۱)
با نکامینا فروخته آید

مینویسید «سال گذشته همین ایام»
«اعلیحضرت اقدس شهرباری ارواحنا»
«فدا و وظیفه تشکیل هیئت دولت و سر»
«پرستی مملکت را بعهد بنده مقرر»
«فرمودند من نیز با اینکه روزنه امید»
«و شعاع بهبودی را آنهمه کسبختگی»
«شیرازه ها از هیچ طرف مشاهده نمیکردم»
«فقط بنیت فداکاری و اینکه شاید»
«مداخله من لا اقل بتواند از تو سعه»
«دایره مصائب جاوگیری کند امر»
«پادشاه متبوع معظم خود را اطاعت»
«کردم»

بیچاره طفل معصوم را بزور از دستش
چسبیده و اردیهر که اش کردند و او
هم با کمال سادگی و فقط به نیت فداکاری و خدمت
گذاری بوطن خود را باین آتش انداخت
از شوخی قلمی گذشته البته خود شما هم

(۱) فرانک در آنوقت پول ایران دو عباسی قیمت داشته

تصدیق دارن ید که این چند سطر را
فقط برای رعایت ضایع بدیعیه نگاشته و
در حقیقت صنعت حسن مطلع یا تجاهل العارف
است که بکار برده آید آن هم نه برای
مردم پایتخت بلکه برای اهالی پشت کوه
نوشته آید و گرنه در این شهر کیست که
محرك گربه رقصانی های :::: الملك در کابینه
صمصام السلطنه و اجتماع مسجد شاه و
هرزگی های بازاریها و سنگسار بندپی
کله بسته و پام مسجد و بالاخره مهاجرت
بحضرت عبدالعظیم را نشانند یا نداند که
قشون شما در آن زاویه مقدسه با کدام
پول نگاهداری میشد؟

ما خیلی مایل و شایقیم که نه فقط ورود
ایند فعه شما را در کار بلکه تمام خدمات
دولتی که در این سیزده سال انقلاب
متکفل شد، آید همه را فقط بنیت فداکاری
و جلو گیری از توسعه دایره مصائب بدائیم
ولی بادم خرو سهائی که از جیب شما
بمیرون است چکنیم

دارائی شما در بدو انقلاب که از
استیفای آذر با بجان استعفا گردید منحصر
بمین باغ فعلی و عمارت مختصر آن بود

که در مقابل آن هشت هزار تومان
مقروض بودید

در این سیزده سال حقوقی که از بابت
خدمات دولتی گرفته اید معین است

۱ - حقوق دوره وکالت در مشروطه
صغیر در مدت بیست ماه به همه جهت
سیصد تومان

۲ - حقوق وزارت بی در مشروطه که
دو ماه وزارت مدلیه ۰ دو نوبت چهارده
ماه وزارت مالیه دو نوبت بیست و هفتماه
وزارت خارجه یکماه وزارت داخله
بیستروز وزارت معارف جمع کل مدت ۴۴ ماه
و ۲۰ روز ۴ ماه آن از قرار ماهی ۵۰۰
تومان و بیست روز وزارت معارف از قرار
ماهی هزار تومان جمعاً بیست و دو هزار
و شصت و شصت و شش تومان

۳ - حقوق ریاست و زراعت در دو نوبت
از قرار ماهی دو هزار تومان در مدت
بیست و شش ماه پنجاه و دو هزار تومان

۴ - حقوق ایام خانه نشینی و وکالت
که از تمام وظیفه دیوانی خود استفاده میکردید
تقریباً هفت سال و هر سالی ۱۸۰۰ تومان

دوازده هزار و شصت تومان
بنا بر حساب فوق کل وجوه مشروعی که
در این ۱۳ ساله بشمار رسیده است ۸۷۵۶۶
تومان است .

مخارج زندگی شما در سه سال اول
سال شش هزار تومان ، هجده هزار تومان
و در ده سال آخر بروی هم سالی دوازده
هزار تومان یکصد و بیست هزار تومان
قرض خانه هشت هزار تومان جمع ۳ فقره
یکصد و چهل و شش هزار تومان است از
تقریبی مخارج از عایدات ۵۸۴۳۴ تومان باقی
میاورید که این مبلغ را هم میتوان از بابت
عایدات املاکی که در این سه چهارساله
اخیر از راه های غیر مشروع دست و پا
کرده اید بمقاد « انزرع للزراع ولو کان
غاصبا » محسوب داشت

از اموال مرحوم . . . السلطنه هم جز یک
قرآن خطی که سهم خود را از آن قرآن
به آقای . . . السلطنه بذل فرمودید چیزی
تصرف نکردید

پس بنا بر این خانه این بده قالی و قالیچه و
مبل و اثاث البیت ذلالت و فقره آلات و لوازم
اسب و کالسکه و اتومبیل اولاد گیلار و

همدان و مازندران و ملک . . . تبه و چهل هزار تومان بنائی آن و نقد بینه موجوده پولای بانک و براتهای لیره که در دوره ریاست وزراء سابق خود بخیال صرفه در ۲۶ قران خریده و متاسفانه امروز ۱۹ قران شده و خسارت بار آورده اید از کجا آمده است ؟

مینو بسید « از فحشترین نقطه شروع در هر قدم بدسلاسل طاقت فرسای مشکلات و موانع مصادف گشته برای حل کوچکترین قضایا بزرگترین مجذوراترا مشاهده میکنم » بلی دولتی که بخواد مملکت را با قانون اداره کند و روزنامهجات و مجامع را آزاد بگذارد و حبس و طرد و تبعید اشخاص را جز از راه قانون اجازت ندهد و بطور خلاصه نقض قانون اساسی و قوانین موضوعه را روا ندارد و بالاخص در مملکتی مثل ایران در مقابل فشار دولتین و پولتیک تقسیم ایران مقاومت نماید و وجود انترنات های منتظرین ریاست وزراء و همدستان آنها که هر روز بطریق مخصوص از او کار شکی میکنند البته حق دارد از موانع و مشکلات طاقت فرسا بشکوه کند زیرا واقعا

باید برای حل کوچکترین قضایا بزرگترین مجذورات را مشاهده کند

ولی نمیتوانید منکر شوید که در دوره شما هیچیک از این اشکالات وجود نداشته است زیرا نه بندی بقانون می بستید و نه سنگی در ترازوی آزادی شخصی می گذاشتید مانع و مشکل اگر از مجامع و روزنامهجات ظهور میکرد می بستید و اگر از اشخاص بود بطرد و تبعید و حبس مبتلا می ساختید از طرف انکایشها هم نظر بزم پیمانی گشته برای تسلیم ایران با آنها داشتید اشکالی فراهم نبود مینو بسید « در آئین واقع جنگهای بین المللی با تشجعات خود زلزله گیتی را همچنان مداومت میداد و بر اثر آن مملکت ما نیز بنوبه خود بیشتر از توانائی بنیت و طاقت خویش متزلزل میگشت »

همه کس میدانند که بعد از بلشویزم روسیه و متلاشی شدن قوای آن دولت که در ایران بود دیگر از جنگ بین المللی مزاحمت فعلی برای ایران در کار نبود تاریخ تخایمه ایران از قشون روسیه زهستان تیلان تیل یعنی ۹ ماه قبل از تاریخ ریاست وزراء شما میباید زحمت ایران از جنگهای بین -

المللی در کار بیته های سابق بود که تقریباً تمام خاک ایران پایمال قشون سه دولت روس عثمانی، انگلیس میگشت
 در تاریخچه که شما بمنند ریاست وزراء جلوس کردید فقط در خط راه کرمانشاهان و همدان و قزوین و گیلان قشون انگلیس رفت و آمدی داشتند آنهم با وجود پلیتیک نرم و نظام مرتب انگلیس زیان فعلی برای مملکت ما بوجود نمی آورد و این همان وضعی است که امروز هم با وجود صلح بین المللی که گمان دوام دارد
 اگر کار بیته های سابق در مرقع جنگ به حکم زور و نداشتن قوه دائمه و بهانه جوئی های همسایه نمیتوانستند قشون دول متخاصمه را از خاک ایران بیرون کنند شما در مرقع صالح با وجود هم پیمانی هم نتوانستید آنها را از مملکت خارج کنید انگلیسها هر جا بخواهند میروند و در هر محل مناسب دادند سر باز خانه بلکه شهر میسازند سهل است در این یک سال اخیر (زمان ریاست وزراء شما) عده خود را در خراسان بچهار هزار نفر بالغ کرده اند

مینویسیمید «امنیت در تمام نقاط داخله»
 «مملکت مسلوب»

ما هر چه فکر میکنیم در نظر نمی آوریم که در آنروزها نا امنی فوق العاده در هیچ نقطه از نقاط مملکت وجود داشته است بر فرض اینکه در بعضی نقاط نا امنی هم موجود بوده نتیجه همان اغتشاشات جزئی به شمار میاید که هیچوقت دولت ایران از آن خالی نبوده و نیست امروز ۶ ماه است تمام خاک آذربایجان به بدترین روزهای نا امنی و اغتشاش گرفتار است و در مقابل این قتل و غارت باهنه میل و اراده که دولت هم پیمان شما در جلوگیری آن بخرج می دهد هیچ کاری نتوانسته اید بکنید (۱)
 مینویسیمید «که دولت مرکزی فاقد کل

وسایل و اختیارات»

در محل خود ثابت کردیم که پای بندی بتأتون البته از اختیارات میکاهد و وسایل مشروع طبعاً کمتر از وسایل نامشروع است گذشته از اینها اسلاف شما با شخص دتهو ربی باکی مثل شما که برای

(۱) این همان اغتشاش بود که بالاخره بدستوی استقلال و قضایایم برخیا با نرسید

پیشرفت مقصود از هیچکس نبره یزد و در راه
تحصیل جاه و مال همه چیز را فدا کنند
سر و کار داشتند و بهر کار و بجهت اقدام
میکردند دستهای شما مانع پیشرفت آنها بود
ولی طرفداری شما بر عکس مردمان با شرف
و وطن دوستی بودند که عده از آنها برای
نیل بمقام ریاست استعمال التریک و دسیسه
و جمعیت و اجتماع و پشت هم اندازی را
مخالفد شرافت ذاتی خویش دانسته سهل
است هیچوقت خود را داوطلب ریاست وزراء
هم نمیکردند و حتی همواره بواسطه حب
وطن و صحت عمل و وجدان عامه با ضرار
مقادات عالیله بر سر کار نمی آمدند و بعضی
از آنها اگر اقدامی هم بر ضد شما میکردند
اندهمیشه برای جلوگیری از فاسد اعمال شما
بوده است اگر میخواهستیم داخل شخصیات
بشویم میتوانستیم تمام اقدامات شما را در
هر دوره بنکاریم و ثابت کنیم که علت العمل
این بی اختیارها و بی وسیلهها شخص شما
بوده است .

ما خوب در نظر داریم که در کابینه
مستوفی الممالک مولانا رعدالدین یعنی همین
کار چاق کن شما یعنی همین مزدور علنی

عموم نبوده بلکه فقط و فقط اعوان و انصار
شما را طرف حمله قرار داده بود
آقا میرزا محسن بینوا در حقیقت شهید
تظہیر شما کردید سید بیچاره را وارد
اعمال سیاسی نموده بدو ننگی وا داشتند
و آنقدر ترغیب و تحریضش کردند که
جان خود را فدای شما کرد
ولی اگر فراموش نکرده باشید نمایشزای
های این کمیته که از قتل میرزا اسما عیل
خان رئیس انبار شروع و بقتل منتخب الدوله
ختم شد از روز آخر دلو سال لوی ثیل ۱۲۹۵
تا اوائل اسد سال ۱۲۹۶ یعنی تقریباً پنجماه
بود استعفای شما از ریاست وزراء سابقان
که بر اثر قتل متین السلطنه و یاس شما از
پیدا کردن اعضاء کمیته مزبور اتفاق افتاده
در اواسط جوزای سال ثیلان ۱۲۹۶
یعنی سه ماه و نیم بعد از تاسیس آن واقع شد
تاریخ گرفتاری اعضاء این کمیته هم در
اوائل سنبله یا بعبارت اخری دو ماه و چند
روز بعد از تشکیل کابینه مرحوم علاء السلطنه
و درست ۱۱ ماه و نیم قبل از تاریخ تشکیل
کابینه فعلی شما است پس در زمان تاسیس
کابینه فعلی شما (نیمه اسد یونث ثیل ۱۲۹۷)

کمیته مجازات وجود نداشته است .
 شك نیست که اعضاء این کمیته تا موقع
 ریاست وزراء فعلی شما بسیا ست نرسیده و
 در محسبهای نظمیه محبوس بودند و شما
 آنها را سیاست کردید ولی افتخار کشف
 و دستگیری و استنطاق و محاکمه آنها راجع
 بکا بینه های مرحوم علاء السلطنه و آقای
 مستوفی المعالک میباشد فضل و افتخار اسلاف
 شما بر شما همان فضل و افتخار است که
 کاشف و مستنطق و قاضی بر جلال دارد و
 شما سه خوانی ضمنی شما هم در این مورد
 نظیر « بگیر و ببند و بده بدست من پهلوان »
 است .

یك مؤسسه ترور دیگر هم بود که اول
 نمایش آن در کا بینه عین الدوله بطور
 رسید و در این اواخر در استنطاقات
 داماد (۱) شما کشف و دو نفر از اعضاء آن
 بکرب و زبری اعدام شدند

ولی اهل اطلاع میگویند مؤسس این دسته
 خود شما بوده اید و بیچاره احمدین استرار
 و صفا برای اعضاء و مسامحه تصویری شما

(۱) مفصود پسر سیاه لار خلعت بری است ولی
 این مصافحت سرنگرفت

و بین انکیسبا در بحبوحه فحطی و شدت
 سختی با شماره شما در روزنامه خود از هبنت
 دولت راه آهن و قشون منظم و اتومبیل
 زره پوش و آبروپلان و کشتیها و تحت البحری
 های جنگی و بالاخره تشکیلات دولتی
 و لوازم عمومی مملکت آلما را تقاضا میکرد
 و دولت را در فراهم نکردن آن ملامت
 کرده انواع هتاکمی و هرزگی را به کا بینه
 معمول میداشت . ولی امروز همان روزنامه
 تقاضاهای آن دوره خود را کنار گذاشته
 سهل است تمام خرابکارها تمام مقاسد
 اعمال شما را ستایش و حتی برای کار چاقی
 شما مطالبه اجرای قرار داد را هم از قول
 ملت مینمایند .

بنی آقای . . . الدوله سایرین چون رشوه
 نمیگرفتند چیزی نداشتند که بمقت خورها
 داده دور خود پارتنی جعلی جمع کنند
 و وسایل پیشرفت خود را زیاد نمایند دیگران
 چون خیال مملکت فروشی نداشتند با دولت
 هسایه هم عهد نمیشدند که با پول آنها برای
 نبل مقام ریاست کاندسته و بام مسجد را سنگر
 کنند و برای نکا هداری مقام خود اختیارات
 بدست بیاورند اسلاف شما با پول انکیس سر

مردم را بر وضه خوانی و دسته گردانی
مشغول نمیکردند و اینهمه پول بروز نامه
نکاران نمیدادند که بهمدستی خود افکار
یک ملت را مسموم نمایند و خلاصه اینکه
کامیته های سابق از بانک انگلیس محل مخارج
محرمانه نداشتند که هر قدر میخواهند خرج
کرده وسائل پیشرفت و اختیارات برای
خود قرا هم نمایند .

مینویسید « همچنانکه افراد و تشکیلات
« ترور در پایتخت آسایش عامه را دچار
« اختلال نموده بودند دستجات یا غی و
« قطاع الطریق در اقطار ایران باعراض
« و نوا میس حکمفرمانی داشته »

ما نمیخواهیم از ترور که در نزد عقل و
شرع و وجدان مذموم و مطرود است هوا
خواهی یا دفاع نمائیم ولی یک حقیقت غیر
قابل انکار را هم نمیتوانیم ندیده انکاریم
هؤسوس واقعی کمیته مجازات که شما در
بیا نیمه های خود همدستی بعضی از اعضای
کامیته علاء السلطنه را مانند یکی از مسائل
مسلمه دانسته و بانها تعمیر میکنید همان
سیئات اعمال خود شما در دوره ریاست وزراء
سابقان است و عملیات آن کمیته هم متوجه

که در استتاقات اعضای کمیته مجازات
کردند و بتطبیع شما فریفته نشده بودند
و بالاخص استوار برای جدیتی که در
برهم زدن اجتماع مسجد شاه کرده بود
گرفتار تبر غیب گردیدند

همراهیهای سابق شما از . . . فشنگچی
یکی از اعضای این مؤسسه ترور و هوا
خواهی ای او و رفقای از شما و سنگر بندی
کلاس ستم و بام مسجد شاه آشکار و کاندیدا
کردن شما همین قاجاق اسکناس دزد را
برای وکالت شهر تبریز (داستانی است
که در هر سر بازاری هست)

هرگاه پذیرفته شدن یکی از اعضای این
مؤسسه بمصاهرت (۱) شما یعنی همان موضوعی
که وسیله تطبیع میرزا احمد خان استوار
نموده و او نیز برقت و بیانات محمد سرابی
در شگه چی داماد شما و ابو القاسم خان
آسپیران در استتاقات خود که اظهار داشته
بودند که شما بانها پول داده و آنها را
بقتل احمد بن ما مور کرده اید و سوزاندن
دوسیه اعضای این مؤسسه در نظمی و
آخر الامر اقدام این دو نفر در روز برفی

(۱) چنانکه پیش گفتیم این مصاهرت سرنگرفت

آنها نزد يك صبح بر این جمله افزوده شود
نبوت این شایعه خالی از قوت نخواهد بود
راجع بقطاع الطریق ها منکر نمیتوان شد
که ما شاء الله خان پسر نایب حسین کاشی
بعنوان ریاست قرا سورا نی راه کاشان و
یزد ماهی چند هزار تومان از دولت باج
میگرفت و از چپاول و یغما و ثقت و لیس
هم بدش نمی آمد ولی مطیع و نوکر دولت
بود و هیچوقت اوامر دولت را ظاهرا و
علنا تمرد نمی کرد

ما هیچ نمیخواهیم تحمل ۱۳ ساله دولت
را نسبت بنا یب حسین و اشرار کاشان که
منشاء فتنه بوده و مکتب قطاع الطریق در
مملکت تشکیل داده بودند تصدیق کنیم
و اقدام شما را در کندن ریشه فساد واقعا
در خور تمجید میدانیم ولی میخواهیم بگوئیم
اسلاف شما با نداشتن وسایل و ضد پتھای
داخلی و خارجی یگانه را غی را نیمه مطیع
کردند و شما آن نیمه مطیع را تحت فشار
کند کرده چون راضی با طاعت تام و تمام
نشد قلع و قمع گردید و خوب کردید
باقی قطاع الطریقها از قبیل رضای جوزدانی
و رجبعلی و جعفر قلی که بعضی از آنها در

لادری خود غما شلوغ کرده بودند خود تانی
بدینا نسبت این داستانها شد که آنها ریشه و
ماهیت آنهاست همیشه روز هر گاه بینه از این قبیل
را که در این مملکت یافت شده و از خودی
هم دفع میشوند نه وجود آنها مانع و اشکالی
برای پیشرفت کار است و نه دفع آنها مانع
دیگر و حماسه داشته باشد

میگوئید « اغلب و لایات بی حکومت او
« سرپرست و دستخوش غار تکران محل
اغلب نه - بعضی از ولایات که عده آنها از
شش تجاوز نمیکنند بی حکومت بود اما
هیچیک بی سرپرست نبوده لامحاله کفیلی
داشته اند و فقط دو تای آنها (کردستان
و گیلان) اهمیت داشت که ما عمل بی حاکم
ماندن آنها را ذیلا میگذاریم

کردستان را شما بهتر از همه کس میدانید
چرا بی حاکم مانده بود عثما نیا و روسها
این ولایت را میدان نبرد خود قرار داده
بودند این رفت و آمد قشون اجنبی بخصوص
قوای چریک عثما نیا و چپاول و یغما بی
که از آن حاصل شد حکومت را بی نمود و
رفته رفته اقامت حاکمرا در آنجا بيمصرف و
بالاخره غیر ممکن نمود دولت هم قشونی

که باعانت آن بتوانند جلو قشون خارجی را گرفته حاکم خود را مستقر نماید نداشت اشرا را کلبا غی و مند می و شیخ اسماعیلی هم نظر بهمراهی هائیکه با قشون ترک کرده بودند هر یک در ناحیه خود فعال ما یشاء گشته بودند شما هم تا صلح بین المللی اعلام و خاک کردستان از قشون ترک ها تخلیه نشد نتوانستید حاکم با نجا بفرستید گذشته از این عزیمت حاکم کردستان در ماه حوت و ششماه و نیم بعد از تشکیل کا بینه شما بود و اگر کا بینه شما هم مثل کا بینه های اسلاف شما کمتر از ششماه دوام میکرد شما هم موفق بفرستادن حاکم با بین ولایت نمیشدید .

اما گیلان بواسطه استیلای جنگلیها بر آن ولایت بی حاکم مانده بود و کا بینه های قبل از شما از فرستادن حاکم بی قوه و قوه بی اثر باین ولایت احتراز میکردند یا مسالمت را با اشخاصیکه چارپنج سال در مقابل قوای وحشی روس مقاومت و از یغما گری آنها در ولایت ممانعت کرده بودند برسر کو بی آنها ترجیح میدادند و تصور میکردند که بعد از ختم جنگ خود آنها اسلحه را کنار میگذازند و بر فرض اینکه باز هم تسلیم

نشوند همینکه علت ایجاد و بقای آنها یعنی وجود قشون اجنبی از میان رفت مردم هم از دور آنها خواهند پاشید و این قوه که ضرورت آنها را ایجاد کرده بود بواسطه زائل شدن علت با عثه با لطبع منحل خواهد شد این بود علت بی حاکم ماندن گیلان حالا به بینیم شما چه کرده اید .

شک نیست که شما حاکم سهل است قشون و حتی آذربایجان انگلیسی هم بگیلان فرستاده اید این قشون کشتی برای چه مقصود بود خارج از موضوع است ولی قشون شما بجای اینکه جنگلیها را تحت فشار و محاصره بگذارد دها ترا چپو کرده هستی ما لك و رعیت را بیاد یغما داد با اینجا هم اکتفا نکرده باعراض و نوامیس آن فلک زده ها هم دست اندازی نمود مردم این ولایت که قبل از قشون کشتی شما خودشان از جنگلیها تنگ آمده و داشتند از دور آنها متفرق میشدند حرکات بی رویه و مظالم قشون شما را سنگین تر از اقدامات جنگلیها دیده با ناگرویدند و کاری که خود بخود ختم میشد ریشه پیدا کرد حاکم را نمیدانیم برای چه احضار کردید و رئیس مالیه را بعنوان کفالت سر پرست اهل لی قرار دادید او هم سر شما و مرد مرا با بلاغیه

های بی اساس گرم و در آخر کار يك
تلگراف تسلیم هم از قول میرزا کوچک خان
جعل کرد و شما بقدری از این پیش آمد
دروغی حوشوقت شدید که از هول حلیم
توی دیک افتاده تلگرافات شرم آور بکفیل
حکومت و میرزا کوچک خان مخا براه کردید
و جراید پایتخت هم موقع را مناسب دیده
بدستور خود شما بطور عادی و فوق العاده
بقدری باوه سرائی و تملق از شما کردند
که شاید بعد از شکست آلمان و ختم جنگ
بین المللی جراید لندن و پاریس آتذر داد
و فریاد نکرده اند بعد از دوسه روز معلوم
شد که کفیل حکومت سر شما را شیره
مالیده و تمام این هیاهوی موضوع بوده
است عجب اینجا است که بعد از مسلم شدن
دطالب که کفیل حکومت را احضار و مورد
عتابش قرار داد بد نمیدانم چه دعوی بگوش
... الملك خوانند که مجدد بجهت صدور
همان ابلاغیه های بی اساس و مخا براه همان
تلگرافات مجهول بر سر کار خود رفت و
معلوم نیست بعد از این حسن استقبال شما و
مناعت و استعنای میرزا کوچک خان بر
فرض اینکه جنگیها برای تسلیم ظاهری هم

حاضر بشوند چه شرايط شرم آوری باشما
بکنند که شما هم برای حفظ ظاهر مجبور
باطاعت شوید و از افشای آن هم جلو گیری نمائید و
یگمرتبه دیگر دولت و مردم را برای رفع
اختلاف کلامه که از حسن کفایت و کاردانی
شما بزرگ شده است دچار خسارت و زحمت کنید
شعر تا گفتن به از شهری که باشد نادرست

بیچه ناوردن به از شما ماهه افکندن چنین
مینویسیم « باقی مانده قوای منلاشی شده »
« تا مینیه بارتق نا کمترین احوالی بر مقدرات »
« خود نالان و افراد آن از گرسنگی در »
« حالت احتضار »

قوای تا مینیه یعنی ژاندار مری ایران بعد
از وقعه مهاجرت خیلی کم شده و عده آن
از هیجده هزار نفر بسه هزار نفر تنزل کرده
طرز قرسورانی بجای ژاندار مری سابق در
کلیه ولا یات معمول شده بود و کابینه شما
باز عده را زیاد کرده و تا حال بهشت
هزار نفر بالغ شده است ولی باید تملت آن
تنزل و سبب این ترقی را بدست آورد

تنزل ژاندار مری و تغییر اسم آن بعد از
وقعه مهاجرت بعلت فشار های سفارتین
انگلیس و روس بود که ترمرد بعضی از سر کرده
های سوئدی را که بی اجازه دولت بکحمک

متحدین در جنگ عمومی مداخله کرده بودند
 بها نه کرده برای اینکه دولت ایران قوه
 نداشته باشد که با آلمان و عثمانی کمک
 نماید هیچوقت اجازه نمیدادند که عده آن
 از سه هزار نفر تجاوز کند و هر وقت
 دولت ایران میخواست در تکثیر عده آن
 اقدامی نماید از راه دیگر گرفتار تضییق
 و فشار میشد و قطعاً اگر سفارت انگلیس به
 هم پیمانی شما مطمئن نبود و بصداقت شما
 در ایران فروشی کاملاً یقین حاصل نکرده
 بود بشما هم اجازه ازدیاد قوای تا مینیه
 را نمیداد :

اما اینکه مینو بسید افراد قوای تا مینیه از
 گرسنگی در حالت احتضار بودند مسلماً
 اغراق شاعرانه است زیرا آفریزی که شما
 کا مینه جدید خود را تاسیس کردید از
 قحطی دیگر اثری باقی نبود مگر اینکه
 بقول اصولیین با مستحجاب قائل شده خواسته
 باشید قحطی و گرسنگی دوره های قبل از
 خودتان را بدوره خود نسبت بدهید
 میگوئید « خزانة تهی »
 بلای در سایه اقدامات شما که در وزارت
 های مالیه خورد معمول و بکار انداخته اید

در گذشته و حالیه و آتیه همیشه تهی
 خواهد بود ،
 در اول کا مینه که بعد از خلع محمد علی
 میرزا بمجلس شورای ملی معرفی شد شما
 وزیر مالیه بودید انتخاب شما برای وزارت
 مالیه باین نظر بود که اشتباهادر شما هم اطلاع
 و بصیرت و هم آزادی خواهی هر دو را
 سراغ کرده بودند

ولی شما بجای اینکه در انتخابات خود
 همان نظریه را که سایرین در انتخاب شما
 معمول داشته بودند بکار برید و مانند یک
 وزیر دلسوز اشخاص بصیر امین را وارد
 کار کنید چرخهای بزرگ مالیه را بدست
 مردمان بی سابقه غیر بصیر امتحان نداد
 سپردید و سر آنها را که همگی بر او ردگان
 شما بودند بمواجب های اداری گرم و از
 جهل یا اطاعت یا همدستی آنها با خودتان
 استفاده کرده تا توانستید کیسه خودو کلاه
 دولت را پر نمودید و بعد از کناره جوئی
 شما هم هر کس وزیر مالیه شد همان شالوده
 و همان منتخب های شما در کار بودند و
 بطور غیر مستقیم با شما همراهی میکردند
 شوستر امریکائی با عانت قانون ۲۳ جوزا

خواست سرانجامی به این دولت و ولایت بدید
شما وزیر امور خارجه بودید در مجلس
سری مجلس شورای ملی با این عهدیت کرده
سر مشق اقدام به اعلام بدو له (دولت) بدید
و سفارت روس را در این عهدیت بدید او چیزی
کرده و با لاخره بعد از قبول این عهدیت
روسی با ناصر الملک عهدیت و پیمانیکه
را از کار خارج و بلژیکها را پس کانی
آوردید

این عهدیت را در سال ۱۳۰۳ خورشیدی
سوء استفاده کرده و اعتماد را بر این عهدیت گرفته
و تا توانستند در دخل و خرج عامه حرف
و میل نمودند
دولت ما را در این عهدیت
و مشغله دولتین روس و انگلیس را که از
فانون سهم بخورند را القاء فرمودند
و از ما لایحه ای که در دست دیگری ها
با کمال تقاضی در مجلس نوشته و از مجلس

لا اله الا الله و محمد رسوله
و تمام علماء الدوله بود که تحصیل اوان مالیه را که
بظایر تقایم به استوانی مالیات از طرف دولت کرد
انچه در این عهدیت متبل خود را در

گذرانند ندولی کا بینه آقای مشیر الدوله
که تقریبا این قانون را پیش نهاد کرده
بود پیش از چهل روز دوام نیارود و
کا بینه عین الدوله هم که در تخت نظر او
این قانون از مجلس میگذشت بر اثر استیضاح
مشهوره مکرراتها (۱) رفت و در کا بینه
مستوفی الممالک که وزارت مالیه آن
بعهد شما مفوض بود مع الاسف باز قرعه
اجرای این قانون و شالوده ریزی مالیه
این مملکت باسم شما بیرون آمد
این دفعه هم مثل دفعه سابق باز پارتی ای
بی سواد خود را سر کار آورده چرخها را
طوری تند و کند ساختید که بجای اینکه
عایدات بخزانه دولت وارد شود راه را
نزدیک کرده بتوسط بعضی از چرخها
بجیب های شخصی بریزد

وزرای مالیه که بعد از شمار سر
کار آمدند نیز اگر مثل شما منفعت پرست
بودند که هرگز بقطع نانی که شما

(۱) دیگرانها بعین الدوله ایراد میکردند که چرا
قانون دولت متخاصم در خالك ایران اقدام بر رویه
میکند! و بر اثر همین استیضاح کا بینه افتاده
و بحکامه مملکت بی زمامدار ماند



بعضی آموخته بودید را ضی نمیشدند
 اگر حقیقت و صالح بودند از عهد
 گرک ها ئی که شما تربیت کرده و
 مزه دخل را با آنها چشاندند بودید بر نمی
 آمدند در اینجا نمیخواهیم وارد جزئیات
 فن مائیه شده معایب کار را ذکر کنیم
 و الامد الی میگردیم که تمام حیف و
 میل های دخل و خرج این مملکت ارشادوده
 ایست که شما در دو نوبت وزارت مالیه
 خود ریخته اید و تمام بی نظمی های
 مالیه بتوسط پار تی های شما و با جازه
 خود شما بعمل آمده است بر فرض اینکه
 بعضی از کار گزان مالیه هم در دوره
 گناره جوئی شما میخواستند بعضی از
 خطاهای شما را اصلاح کنند و با جنک
 های زیادی که با پار تی های شما می
 کردند با این اصلاح موفق هم می شدند
 مجددی که شما بر سر کار می آمدید
 کرده های آنها را خراب و آبرو
 بمجرای سابق خود بر میگردداند و
 ما بتوان مثل اجاره تجدید تر یا ک را
 نشاهد قرار میدهم
 همه کس این حساب را کرده است که



اگر مصرف تر یا ک را در این مملکت
 روزی صد هزار مثقال یعنی اقل یا بیکون
 فرض کنیم باز تقریباً سالی چهار ملیون
 باید فایده مادی قانون تجدید باشد شما
 بجای اینکه راه های حیف و میل
 کار گزان این ممر عایدی را سد کنند
 و دولت را بمنافع واقعی خود برسانید
 در دوره ریاست وزراء سابقان عایدات
 آنرا بهشت صد هزار تومان یعنی خمس
 حداقل اجاره دادید و شرابطی از
 مستاجر پندیرفتید که همین خمس را هم
 در مقام عمل بعشر مبدل میکرد
 بعد از شما کابینه مستوفی الممالک
 بضرر این معامله که معنا و ماده اطر
 من الشمس است بر خورده اجاره را
 الغاء و بعد از کشمکش های زیاد و محاکمه
 های اداری ضرر مستاجر را پرداخت و
 عمل را مجددی اما نمی کرد و لی شما
 در نوبت ثانوی ریاست وزراء خود
 مجددی بهمان مستاجر سابق که بعضی از
 اعضای کابینه شما هم با او شرکت دارند
 با همان شرایط که هشتصد هزار تومان
 اسمی را عملاً نصف میکنند اجاره دادید

«میگویند عایدات ما لیاتی لا وصول»
 مسامحا عایدات ما لیاتی لا وصول بوده
 و تا آخرین اثر انگشت‌های شما در ادارات
 ما لیه وجود داشته باشد باز هم لا وصول
 خواهد بود با این تعجزیه که در اداره
 تشخیص عایدات بعمل آورده و این
 اشخاص بی اطلاع کم سابقه که در آن
 اداره ریخته‌اید توقع دارید عایدی
 مملکت بهتر از این تعیین شود؟ آیا
 منتظرید خزانه داری کلی که جز صدور
 احکام پیشکاری و مفتشی برای کاندیداهای
 شما شغلی نداشته و هیچگونه اختیاری برای
 آن باقی نگذاشته‌اید بیشتر از این مالیات
 وصول کند؟ یا اداره محاسباتی که جز
 یک ماشین لغو حواله سازی چیز دیگری
 نداشته‌اید بهتر از این بتواند از صاحب
 جمعان دولتی حساب بخواهد؟ یا کمیسیون
 تطبیق که از قسمت اعظم حوالجات روحش
 هم خبر ندارد بیش از این خود را در جمع
 و خرج دولت ذی دخل دانسته منافع دولت
 را حفظ کند؟ یا محاکماتی که اعضای
 رئیس آن بی اطلاع و یا از تهمت قوم و خویش

های شما (۱) این نباشند در محاکمه
 خود میخواهید زیادتر از این بی طرفی
 اختیار کنند؟ یا اعضای مشاوره عالی که
 دست نشاندگان شما هستند و دستور رای
 را از شما میگیرند میخواهید اعضای وزارت
 خانه را بهتر از این محاکمه کرده و برای
 آنها مجازات تعیین نمایند. (۲)

پیشکار ما لیه یا مفتشی که برای ولایت یا
 ایالتی کاندید میشود وقتی می بینند که از
 شما گرفته تا ادنی ثبات ادارات مربوطه باید
 همه را راضی کنند و راضی نگاه دارند و
 از طرف دیگر میداند که در مراجعت
 هم حساسی در کار نیست و کسی از مؤاخذ
 و باز پرسسی نخواهد کرد میخواهید چه
 اندازه بفکر وصول مالیات دولت باشد؟
 و تهیای صحت عمل او اینست که بمزد و ماه

۱ ﴿ یکی از آنها رئیس معاکمات را بد روغ
 مضموم کرده بود که بر اثر معاکمه اذاری در مجلس
 مشاوره عالی محکوم به توبیخ شد !!!
 صورت مجلس این معاکمه واقعا خوانندنی است
 حکم و نتیجه آن خوانندنی تر است .
 ۲ ﴿ نویسنده در اینجا بوسیله تعیین بنده
 اصول قانون تشکیلات مایه و طرز جریان آنرا تشریح کرد است

عمر خود را بگذرانند که مردم از او رنجور نشوند رئیس ادارتی که از علم و اطلاع سابقه خود مستحضر است و میدانند هیچکس از جهات مرجعه در او نیست و به پشت هم اندازی و تملق خود را بمقام مدیری رسانده است برای حفظ مقام خود هم که باشد همیشه از خود بی سواد تر و بی سائقه تر را پیش میکشند و چون رشوه گیر را از رؤسای خود سرمشق دارد و خودش هم رشوه میگیرد ناچار است رشوه گیری زیر دستان خود را هم تحمل کند پس چون نیک بنگریم خواهیم دید تمام این رژیمان ها نیکه با سم ما مورین ادارات ما نیه در مرکز و ولایات مشغول تاخت و تاز رعیت و پیر کردن جیب خود هستند هیچ اصل و ریشه جز شخص شاخص شما نداشته امروز هم پستی بانی غیر از حضرت اشرف عالی ندارند

مملکتی عایدات مالیاتش وصول میشود که ما مور و مستخدمش گذشته از ترس محاسبه و مجازات و مواخذه بحقوق و مواجب و آتیه خود نیز مطمئن باشد مستخدم و ما موری که تا رشوه ندهد و عشوہ نخرد و پشت هم اندازی نکند بکار نرسد و بعد از وصول بخدمت هم هیچگونه دوام و بقائی برای

خود نبیند حقوق و حدود اداریش محفوظ نباشد و از همه بدتر همقطار بد هم اسم و حیثیت او را لکه دار کنند چگونه می توان از او انتظار دلسوزی و صحت عمل داشت؟ زیرا میداند دو ماه نگذشته يك شخص مجول الحال بی سابقه جای او را اشغال خواهد کرد و هر قدر هم در مدت کارش صحت عمل و دلسوزی بخرج داده باشد با يك شارلاتان متقلب تازه وارد برابر بلکه بواسطه نفست از عقب خواهد ماند در يك دکان بقالی هم استاد بشاگرد دو ساله خود بیش از یگساله اهمیت میدهد و بین تا کرد تازه وارد و شاگرد ۴ ماهه خود فرقی نمیگذارد ولی از التفات شما در تمام ادارات دولتی بخصوص ما نیه که از همه بیشتر در تحت امر مستقیم و غیر مستقیم شما بوده است ابدایت سابقه نمیشود و حال قسمت عمده اعضای آنها همان مثل « اعسیت کرد با و اصبحت عربیا » میباشد دیروز طبیب و کاسب و یا تاجر و شاعر و آخوند بوده اند امروز مدیر و رئیس و معاون هستند میگویند « اقساط مهم و ضروری دولت در « عیده تعویق و تعطیل »

در این موضوع ما هم با شما همراهیم زیرا
 میداند نیم که کابینه های قبل از شما فقط
 با در آمد مملکتی میخواستند مملکت را
 اداره کنند و حتی از گرفتن قسط موراتوری هم
 هم امتناع میکردند در اینصورت با وجود
 قحطی و تنگی و ناخوشی یعنی تمام آنچه ها می
 که شما میخواهید با تجشم بدوره کابینه
 خودتان نسبت بد دهید و با اداره ما لیه که
 برای آنها گذاشته بودید باید متشکر بود
 که تا این اندازه هم توافسته اند کارمخارج
 را مهم سازی نمایند گذشته از این دو سه
 ماه عقب افتادگی که قبلا در آخر هر بار
 بواسطه تمام شدن منابع سال قبل و نرسیدن
 موقع وصول مالیات های سال و اتفاق می افتد
 دلیل منقصت کار آنها نبوده و تدارک بینی
 شما هم در سرخرمن و بحبوحه وصول مالیات
 چندان کار مهمی نیست معذرا لك اگر شما
 هم رویه آنها را اتخاذ کرده و با عایدات
 مملکتی اقساط عقب مانده را پرداخته بودید
 باز هم حسن درایت و کفایت و کاردانی
 شما را تصدیق داشتیم بلکه تحسین هم
 میکردیم ولی فراموش نفرمائید که با ما هی
 سیصد و پنجاه هزار تومان پیش قسط فروش

ایران که از انگلیس ها گرفته اید این
 حسن کفایت از شما بروز کرده است
 مینویسیم « ابواب تجارت بکلی مسدود و »
 « همه کس برای ضروریات زندگانی نگران »
 « و سرگردان »
 مثل اینکه در دوره های ما قبل آخر
 ابواب تجارت باز و هر قسم متاع خارجی
 در این مملکت فراوان بوده است یسا
 امروز هم با وجود اینکه یگسال از تاریخ
 ختم جنگ گذشته است تفاوتی در اوضاع
 تجارتی این مملکت حاصل شده و همه
 کس برای ضروریات زندگانی نگران و
 سرگردان نیست
 نوشتن این جمله در بیانیه رئیس الوزرائی
 شایسته و در خور است که در این زمینه
 اقدامی هم کرده و عامه هم از اقدامات
 او نتیجه برده باشند اقدامات شما در این
 موضوع منحصر باین بوده است که مقاصد
 انگلیسها را بعنوان منافع مملکتی اجرا
 کرده جلومال التجاره داخلی یا خارجی
 را که تجار از این مملکت بخاک عثمانی و
 روسیه و قفقاز و ترکستان می فرستادند
 برای اینکه دشمنان انگلیس در مصیقه
 بمانند بگیرند و بعد از چند روز بطور

استثنا جوازهای خصوصی صادر نموده
کسیسه خود و پارتیهایی طماع خود را که
بهمه چیز بندند بر ضرر سایر مردم بخصوص
تجار برکنند

میگوئید « سختی ارزاق عمومی در »
« مرکز و ولایات باقیافه فجمیع خود حیات »
« هیئت اجتماعی را تهدید و قحطی و »
« استیلاي امراض چرخ نظام اجتماعی »
« و زندگانی افراد را متوقف »

نظر باینکه موضوع قحط و غلای سال
تیلان تیل ۱۲۹۶ خیالی موضوع تنقید شما
شده و روزنامه های مزدور شما بطرق مختلفه
و خود شما در بیانیه های خویش خواسته
اید عوام فریبی نموده این بلای آسمانی
را بعدم کفایت او لیاي اموری که در
فاصله دو کابینه شما زمامدار کارهای
مملکت بودند حمل نمائید و گرسنگی
خوردن مردم را پیراهن عثمان کرده
تقصیر آنها وانمود کنید لازم میدانیم در
این موضوع قدری بسط مقال دهیم

قحط و غلای سال تیلان تیل ۱۲۹۶ و دو
ماهه بهار سال یونت تیل ۱۲۹۷ نتیجه بنجسال
خشگسالی و تاخت و تاز قشون اجنبی در
سرتاسر خاک ایران بود که مایه زراعتی

را در کایه این مملکت بمرور تحلیل
برده و ته انبارها و ذخیره های شخصی و
عمومی را با لمره بالا آورده و در طهران
مسئله سن خوارگی و راهین که در این سه
ساله اخیر مالک و رعیت را از هستی
انداخته مزید بر علت گشته بود سال قبل
از مجاعه (لوی تیل ۱۲۹۵) هم بقدری
خشگی و کم بارانی در این مملکت وجود
داشت که غالباً زارعین باندازه بدرهم
برداشت نکردند اختلال روسیه و گرسنگی
خود اهالی آن مملکت و جنگ های بین المللی
که در تمام حدود ایران بمنتها درجه شدت
در کار بود توسل بهر همسایه را غیر ممکن
میکرد حبوبات ما کوله هم چیزی نیست
که بجدیت و اقدام و فعالیت بایجاد آنها بتوان
مبادرت نمود

تنها چاره که برای هیئت دولت وقت باقی
مانده همان گران خریدن و از زمان فروختن
بود که باین وسیله کمکی بمردمان فزاید
نموده و از ترقی قیمت تا اندازه جلو گیری
نمائید و از کندم وجو گذشته برنج را بجای
نان قوت عمومی قرار دهد

در تمام مدت کابینه علاء السلطنه و یک
قسمت از زمامداران عین الدوله نانی که

يك من چهار پنج قران برای دولت تمام
 میشد از قرار يك من دو هزار و دو عباسی
 بفروش رفت بعد هم که گندم تمام شده
 و یقین ~~کرد~~ دند که دیگر نمیتوان با نان
 مردم را سیر کرد قیمت آنرا بچهار قران
 و سه عباسی ترقی داده دم پخت را بجای نان
 از قرار يكمن سی و دو شاهی یعنی نصف
 قیمت واقعی آن برای مردم تدارك کردند
 فراوانی دم پخت را هم در کابینه مستوفی -
 الممالک همه کس در نظر دار د فقط
 يك ماهه شور یعنی اواسط دوره زما مداری
 صمصام السلطنه این غذای برنجی هم نسبتا
 کم یاب بود که آنرا هم بخرا بکاربای
 . . . الملك وزیر مالیه آن کابینه نسبت داده
 میگویند برای کار چاقی شما عمدا دم
 پخت پزیه را بست و برنجهای دولتی را بخانه
 دارها فروخت که مردم زودتر بجان
 آمده بلوا کنند صمصام السلطنه برود
 و شما بیایید از اول جوزا هم که فراوانی
 شروع و در اوائل سرطان قیمت نان سه
 قران و قحطی باخر رسید تلفات مردم اگر
 درست بنگریم نه از کرسنگی بلکه غالبا از
 حصبه بود که مردم بواسطه عدم اعتیاد به برنج
 و خوردن چیزهای ~~سه~~ دو اد تغذیه آن کم

بود ضعیف شده و برای قبول امراض مهیا
 و قوه مقاوت با مرض از آن مساعد شده
 بود اگر سرایت مرض حصبه را هم که
 بعقل سابق اندک کردار القحطش مینامند
 بر این جمله بنظر آید می بینیم ~~سه~~ سه
 کثیری از تلفات از جمله اشخاصی بوده
 اند که با غلا و تنگی سروکاری نداشته و
 مردمان مرفعی بوده اند و مع ذلک با بن
 مرض مبتلا شده و بدرود زندگانی گشته اند
 شما و طرفداران و روزنامهجات اجیر
 شما خیلی سعی کرده اید که فراوانی
 ارزاق را در دوره ریاست وزیراء
 خودتان بحسن تدبیر و سیاست عالیه خود
 نسبت بدید و لی همه کس میدانند ~~سه~~ سه
 قحطی و تنگی و گرانی در سر خرمن
 سال بونت ثیل دو ماه قبل از جاوس شما بر
 مسند ریاست تمام شد و از آن روز بیه
 نوبت فراوانی و ارزانی رسید و مخصوصا
 ابقدای زما مداری شما در بحبوحه خرمن
 پر حاصلی اتفاق افتاد که تقریبا از تمام
 بلوکات گندم و جو بطور وفور وارد
 پایتخت میشد و اگر گرفت و گیرها و
 شدت عملهای بیمصرف کار کنند شما

از قبیل تحدید دروازه برای ورود غله و گرفتن
آرد و گند می که مالکین برای نان
خانه خود میاورند در کار نمیامد امرنان
این شهر خود بخود بدون احتیاج به هیچ اداره
و مدیر و بدون یگدنار خرج صورت میگرفت
منتها شما مثل اینکه بخوا هید عمدا کار
را خراب کنید آنگه در این رویه بی
اساس را تعقیب کردید و بقدری برکنندم دار
و چار و اداره نافرمان خور تنگ گرفتید
و کار را از جریان طبیعی خود خارج کردید
که واقعا اگر کسی میخواست عمدا
قحطی در مملکت ایجاد کند تا کار را
بدست بلژیکی بسپرد با این خوبی از عهد
بر نیامد

شما در بیانیه ای که برای خوا با فسن
چا در روضه خوانی مسجد شیخ عبدالاحسین
دادید تمجید زیادی از موسیو مولیتر
نموده اظهار کرده اید که «بمن ایراد
نمیکنند که چرا امرنان شهر را بیک نفر
«خدمتگذار جدی دولت رجوع کرده ام»
درینجا لازم است اولاً اندازه خدمتگذاری
این موسیو و ثانیاً سبب اعتراض مردم را در
این انتخاب شما تشریح کنیم

موسیو مولیتر در اواخر سنبله سال قبل
(ایت نبل ۱۳۹۷) سعی و مجاهدت شما و
بموجب رای کمیسیونیه که برای تصویب این
کار تعیین فرموده بودید با اختیارات تامه
وارد امر ارزاق شد خریدهای او بموجب
اعلان تیکه خود او منتشر کرده است در
ماه سنبله از قرار خریداری چهل و در ماه
میزان سی و پنج و در تقرب سی و در قوس
و جدی و دلو تا سر خرمن بیست و پنج تومان بوده
است بر فرض اینکه مقدار خرید چندروز
ماه سنبله و یک ماهه تقرب را نظر بجموع
مردم در فروش جنسهای خود معادل
خریدهای از قوس تا سر خرمن هم تصور
کنیم گندمهایی که از بلوکات طهر آن
خریده است روی هم خرواری سی تومان
برای او تمام شده است عین این گندم سی
تومان را در تمام مدت به سی و نه تومان
بنا نوا فروخته است که نوا هم نان را
از قرار سه قران بفروش برساند پس در
هر خروار گندمی نه تومان تفاوت عاید
اداره ارزاق شده و مردم قحط زده این
شهر هر یک من نان را سه تپاسی گرانتر
از قیمتی که برای دولت تمام داده است

خوردند

و این تفاوت که اقلا در جنس های خریداری طهران به سیصد هزار تومان بالغ خواهد شد باید نفع دولت و در آخر سال یعنی سر خر من هذاه اسنه قوی ٹیل ۱۲۹۸ در صندوق اداره ارزاق موجود باشد .

ولی این سیصد هزار تومان موجود نیست سهل است همینکه بحساب خزانه و بانک و خالصه و اربابی طهران رجوع میکنیم می بینیم این مسیو از نقد و جنس هفت کرور هم دستی گرفته و میگوید تمام این مبلغ هنگفت یعنی هفت کرور و سیصد هزار تومان را بمصارف اداری هفت هشت ماهه اداره ارزاق رسانده است از او حساب خواستید تمام جدیدت ها ^{تیمه} درین زمینه از طرف ادارات مربوطه و روزنامهجات و - تی خود شما بعمل آمد عقیم ما ندا این « ما مور جدی » این « خدمتگذار دولت » به « فرس - ما ژر » متمسک شده حساب نداد و رفت و از همین جا معلوم شد که حساب این مسیو واقعا با کرام الکاتبین و در عالم این اول دفعه است که یگنفر صاحب جمع

درمقابل مطالبه حساب « بفرس ما ژر » متمسک میجوید و از اراغه حساب خود ولو بی سر و ته و گزاف هم باشد استنکاف مینماید لیکن ما میتوانیم مدلل کنیم که با این هفت کرور و سیصد هزار تومان که این « خدمتگذار جدی دولت » در عرض ششماه خرج اداره ارزاق کرده است ممکن بود یکسال مردم این شهر را بنان مهمان کرده بتوسط فراش اداری نان دو رویه تخمه زده برای اهالی فرستاد و حساب آنهم اشکالی ندارد زیرا روزی دو بیست و پنجاه خروار گندم برای نان مردم این شهر کاملا کافی است در ماه هفت هزار و پانصد خروار و در سال نود هزار خروار میشود این نود هزار خروار را از قرار سی تومان هم که حساب کنیم پنج کرور و دو بیست هزار تومان خرا هذ شد و دو کرور و صد هزار تومان باقی مانده هم برای مصارف دکانهای نانوائی و مواجب فراش مامور توزیع نان و اعضاء و هیئت مدیره این کار و تفاوت کرایه ده دوازده هزار خروار جنسهای محمولی از ساوه و عراق و قزوین و دامغان و حتی برای قیمت خشخاش و سیاهانه هر قدر هم زیاد باشد کاملا

کفایت میکرد و برای کنترالت چي وسایل
متصدیان هم بی نان و پیازی نبود
اگر شما با خود مسیو یا آقای ... که در
کمیسون مقدماتی امر نان از مسیو خیلی
حمایت میکرد در قسمت اخیر این حساب ما
تردیدي داشته باشید ممکن است بتوسط يك
اعلان در روزنامه از ما توضیح بخواید
ما هم بشما قول میدهم در سر هفته بودجه
کامل مسیو پسند این مصارف را در همان
جریده با اطلاع شما برسانیم حتی همانطوریکه
از پول فروش ایران بدولت انگلیس نان
یکسال مردم پایتخت را يك لقمه کرده
بکافی ملتتر چپا ندید اگر اراده مبارک تعلق
گرفته باشد که از بقایای آن وجه یکسال
هم مردم این شهر را مهمان کرده برای خود
دعا گو و برای قرارداد هوا زیاد نمایند
شاید نه بلکه یقین بدو طلب کنترات این
کار نظر بصره که در آنست زیاد بر بخورید
و حتی خرج قهوه خانه حضرت اشرف را هم
تقدیم بکنند ضمناً حاجی ... و حاجی ...
و آقای ... چي هم بیکار نمانده از سروا
میشوند باور ندا رید اعلان فرموده ملا حظه
قر ما نید .

سبحان الله هیچ حقه بازي با این شیادی
نیست که بینه های سابق در سال فحطی برای
توفیه حال فقراء با عایدی خود این مملکت
نان و دم پخت را به ثلث و نصف قیمت واقعی
آن بمردم میخوردند آنها را مقصر و بی
کفایت قلمداد میکنید و خودتان در سال
فراوانی يك ربع بر قیمت واقعی نان افزوده
و مبلغ حاصله از آنرا با هفت کرور پولی
که در حقیقت قیمت عرض و ناموس افراد
ادل این مملکت است بحاق بلژیکیها کرده
حماسه خوانی هم میکنید و خود را غمخوار
هموطنان عزیز هم میخوانید !!!
اما سبب اینکه در سال گذشته بشما ایراد
میکردند که چرا امر ارزاق این شهر را
بيک نفر بلژیکی سپرده آید .
اولاً سال گذشته درهوقعی که شما این اقدام
را فرمودید جنگ بین المملی تمام نشده و
مردم تصور نمیکردند که چهار پنج ماه
بعد از خرمین این جنگ عالمسوز خاتمه بیابد
و تصور میکردند که انگلیس ها قشون پر
عده خود را تا سر خرمین دیگر در قزوین
و همدان و گیلان و قفقاز تکا هداشته و آنرا
را از غله ایران خواهند چرا نید و گذشته

از این برای قشون بین النهرین خود هم محتاج بغله خواهند بود و با برهان و منطق میگردند که یگانه اروپائی آن هم بلژیک است که در امر ازاق و حمل و نقل گندم و جو صاحب اختیار تام باشد بخوبی میتواند حاجت جنگی دولت معاهد دولت خود را بر آورده و مردم این مملکت را مثل سینه گذشته دچار غلا و تنگی نماید

شما خدمت خودتان را کردید و اگر جنگ خاتمه نیافته بود مسلمانان این کار واقع میشد اتومبیل های انگلیس هر چه سر باز بققاقاز و گیلان میبرد در عوض از قزوین و همدان گندم برای بین النهرین حمل میکردند از این هم که بگذریم سال قبل هنوز مردم ایران را مال خودشان دانسته و مداخله خارجه را در امور این مملکت ولو از راه استخدام هم که بود راضی نبوده و با برهان و منطق و تجربه اظهار میکردند یگانه اروپائی هر قدر امین و صدیق و جدی باشد سزاوار نیست امری از امور این مملکت خاصه از ازا ق مسلمانان را عهده دار شود زیرا از علم

و درایت و جدیت و امانت گذشته قومیت و ملیت هم شرط استخدام دولتی هست و اگر این نکته طرف توجه و رعایت نبود البته لوید جرج و اسکویت برای مقامی که شما حاضر هستید مناسب تر بودند و اینکه با همه خیانت و ناشیگری هایی که از شما ناشی میشود باز هم شما را بر آنها ترجیح میدهند فقط بجهت کلاه ایرا نیست که سر شما است و الا آن هادر صحت و امانت و علم و درایت بر شما ترجیح داشته و در پیشرفت دادن مناصب انگلیس ها هم شما از آنها وانمی مانید اما را جمع با امراض عمومی همه کس در نظر دارد که مرض حصه با قحطی یکدفعه از این مملکت زایل گشت و در هنگام جاوس شما بر مسند ریاست و زراع هما نظور که غلا و تنگی از این مملکت بار سفر بسته و جای خود را با رزانی و فراوانی داده بود امراض عمومی هم تمام شده صحت و سلامت بجای آن استقرار یافته بود

امراضی که واقعا چرخ نظام اجتماعی زندگانی افرا دی را متوقف می ساخت

در اواخر کا بینه مستوفی الممالک و اوایل
 کا بینه صمصام السلطنه در این مملکت
 استیلا داشت نه در زمان تاسیس کا بینه شما
 برای چشیدن تلخی و تحمل مصائب آن
 روزهای سخت دست طبیعت کسان دیگر را
 بر سر کار گذاشته بود نه شما را - بلی دو
 ماه بعد از تاسیس کا بینه شما بر اثر وزش
 بادهای سخت زکام عمومی در عرض ده
 روز (۲۰ ذی حجه تا سلخ) در این شهر
 شایع شد و سایر شهرها و دهات این
 مملکت هم بنوبه خود مبتلا با این مرض
 گشتند و حتی در این شهر یکی دو روزی
 کارها را هم تعطیل کرد و لی نظر بحسن
 عاقبت و کمی و گوناگونی مدت آن که بیش
 از دو سه روز مبتلا را زحمت نمیداد مردم
 شهر طهران با این مرض مسری میخندیدند
 در هر حال نه کا بینه های سابق در زمان
 حکومت خود میکروب خصیه باب داده
 بودند شما در نوبت خویش سولفات دوسود
 و آب هندوانه و آسپرین و آلو زرد و قیحه
 شوربا و نخود آب به باد زده های دوره خود
 خوراکی بود
 میگویند «مسائبات خارجی ما تعطیل و روابط»

«ما با دولت انگلستان دوامتی که در آن موقع
 بیش از همه مسا عدت و مخالفتش مؤثر در
 موضوعات داخلی بود تیره و مبهم»
 روابط خارجی ایران در کا بینه های قبل
 از شما تیرگی نداشت و روابط معمولی و متناسب
 با اوضاع در بین بود شاید نگرانی اقساط
 مورا تو ری یوم را میخواهید دلیل تیرگی و
 ابهام روابط ایران و انگلیس محسوب کنید
 در صورتیکه این از عساکت ادخالی است
 که شما کارهای آنها را در این بینه و
 بیابانه تعبید به خود بیدی تعبیر میکنید زیرا
 آنها نمیخواستند لیره را از قرار دو تومان
 گرفته و از قرار شش تومان پس بدهند و
 مملکت را با عایدی خود اداره میکردند
 يك موضوع دیگری هم هست که دولت
 ایران در فاصله دو کا بینه شما امتیاز تازه
 با نگامینا نداده کلاه خود را در این ۱۳
 ماه حفظ کرده بود
 خوب در نظر داریم و تیکه در دوره دوم
 تقنینیه در وزارت امور خارجه خودتان
 میخواهید امتیاز لوله نفت از انزلی بردت
 را بکامپانی نوبل تابع روس بدهید و پیشنهاد
 این مسئله را تابع رماناز در جاسلوری ای

طرح کرده بودید بعضی از وکلاء که آنچه فکر میکردند در این امتیاز نفعی برای ایران نمیدیدند از شما میبر سیدند برای چه ما بدان این امتیاز رای بدهیم؟ در جواب میفرمودید « برای ایجاد حسن روابط و بقدری این چند کلمه را بمورد و بمورد استعمال نمودید که مجلس از مزه افتاد و تکرار یک جمله در موارد متعدده موجب ملال مجلسیان و آماشا چیهما شد

پس ازین دو مقدمه میتوانیم نتیجه بگیریم که شما روابط کا بینہ را که امتیاز بخارجہ ندهد و حقوق دولت را ولو به پروتست و اعلان هم باشد حفظ کنند تیره میدانید و از این رو معلوم میشود قبول اولتیماتوم روس و تحمل سلطنت مستعقله صمدخان شجاع الدوله در آذربایجان و عضو فاسد خواندن آن مملکت برای تسلیم بدولت روس و پذیرفتن قروض اشخاص متفرقه بخصوص ارباب جمشید بحساب دولت و تصدیق پلیس جنوب و عقد قرارداد بکه سر تا سر شمال این مملکت را ملک طلق خوشناریای روسی میکرد و عملی کردن کمیسیون مختلط که روسها بزور اجازه آنرا تحصیل کرده و هیچیک از اسلاف

شما جرات عملی کردن آنرا نداشتند همه را برای ایجاد حسن روابط کرده اید و رسیدگی نکردن بدعاوی تجار ایرانی بر بانک های خارجی و همراهی با اتباع دول در ضبط املاک مردم و دادن وجه الخساره های بی اساس با اتباع دول خارجی و تحمل تاخت و تازهای قشون روس و انگلیس در سر تا سر این مملکت و آخر الامر افزایش قبیله بلیط تراموای و راه آهن حضرت عبدالعظیم که کا بینہ صمصام السلطنه با همه گریه رقصا نیهای که پانانی رد کرده و جواب قانونی بنمایند آن اداره داده بود همه بجهت ترس از تیرگی و ابهام روابط بوده است

ای وای فراموش کردیم شاید شما تیرگی و ابهام روابط ایران و انگلیس را از این راه تصور کرده اید که دولت افکایس بیچیک از رئیس الوزراهای دوره تجدید ایران نشان نداده و برای شما نشان درجه دوم حمام فرستاده است بلی شک نیست که بعد از مرحوم میرزا علی احمد خان اتا بک اعظم این نشان بر رئیس الوزراهای ایران داده نشده بود و البته این ارسال نشان نشانه کمال مودت و علامت بزرگ حسن روابط

نین دولتین است ولی اگر در سابق برای
 رئیس الوزرا ها و حتی نایب السلطنه های
 ما هم نشان حمام نمی فرستادند برای وزراء
 مختار خود هم که در این پایتخت مقیم بودند
 نشانی اهدا نمیکردند آیا دلیل اینکه کابینه
 سن رام در آن واحد هم برای شما نشان
 حمام فرستاده و هم جناب سر پرسی کاکس
 وزیر مختار خود را به نشان سن زرنسن میشل
 (که معمولاً بسفرای کبار داده میشود
 نه وزرائی مختار) ممتاز نموده چیست ؟
 سختی و شق کمائی دولت انگلیس در
 محترم داشتن نشان های خود چیز است که
 همه کس شنیده و همه میدانند که آن دولت
 در این موضوع چه اندازه دقیق است تا
 کسی کار بزرگی برای آن دولت نکرده
 و خدمت شایانی تقدیم ننموده باشد با و
 نشان آنهم بالاتر از مقام او نمیدهند معلوم
 میشود خیانت شما با یران و خدمت جناب
 سر پرسی کاکس بمملکت خود در عقد این
 قرار داد خیلی در نزد اولیای کابینه لندن
 اهمیت و قدر داشته است که در آن واحد
 برای شما نشان درجه دوم حمام و برای
 ایشان نشان سن زرنسن میشل فرستاده اند

مینویسید « بالاخره تمام موجبات بدبختی
 » و انقراض مایا و بانك اشتباه و خود
 « پرستی و با تعلل و لاقیدی و یا جبن و
 » بد دلی ممکن بود آخرین ضربه مخاطرات
 « متوجه حیات سیاسی و استقلال ملی ما
 » گردید

بعد از تشریحاتی که از اوضاع زمان
 قبل از ریاست وزراء شما کرده و توضیحاتی
 که از بیانات سابقه شما داده ایم دیگر اینجا
 محتاج به هیچگونه اطالیه و تطویلی نخواهیم
 بود و میدانیم که اوضاع داخلی و خارجی
 مملکت ما در آن روزها نه فقط اوضاعی
 با امره عادی و معمولی بلکه از خیالی جهات
 از اوقاتی که شما از ریاست وزراء سابقان
 کتاره جوئی کردید بهتر و برای اجرای
 اصلاحات مناسب تر بوده است

مینویسید « در چنین موقع خطیر و ایام
 » سیاهی بود که متوکلا علی الله با اعتماد
 » بنفس و اتکاء بوجدان و حقیقت خود خواهی
 » و خود پسنندی را از نظر دور کرده
 » و منافع ملت را بمصالح شخصی ترجیح
 » داده و از هیچ مخاطره جانبی و شرافتی
 » نهراسیده بار سنگین مسئولیت خدمت
 » گذاری مملکت را بردوش گذارم

گمان اگر چه ما تمام جهاتی که شما بر ای
تیر گئی ایام و خطیری موقع ریاست وزراء
خود فکری کرده بودید یکی یکی تحت
دقت آورده و بیرهان و منطق همه را
جواب گفته و معمولی بودن آن روزها
را کاملا ثابت کرده ایم ولی چون میبینیم
شما خیلی اصرار دارید که آن ایام را
فوق العاده خطرناک و سیاه و انموده
و پهلوانی خود را در قبول مستند ریاست
وزراء در این موقع باثبات برسانید
ناگزیریم روزهای تیره و سیاه و مواقع
خطرناکی که ایران در این چهارده
ساله دوره انقلاب داشته است بطور
فهرست بخاطر شما بیاوریم تا خودتان هم
معمولی بودن ایام ریاست خود را متذکر
شوید.

کشمکش های انجمن های طهران و
ولایات با شاه مخلوع و نزاعهای موضوعی
استبداد و مشروطه قتل میرزا علی اصغر
خان اتابک اعظم اعلان معاهده ۱۹۰۷ بین
روس و انگلیس و قضیه میدان توپخانه
سوء قصد نسبت بشاه مخلوع و انداختن

بیب با آویدیل پادشاهی از ایران در
تبریز قتل و زب رحیم خان جبار از درناط
آذربایجان ، تصمیم انجمن های پایتخت
در خلع پادشاه و تزیینت پادشاه از تبر
بیاع شاه و قشون کشی بر ضد مشروطه
طلبان و قتل احرار و بمباردمان مجلس
شورای ملی جنگ های داخلی در آذربایجان
و اکثر نقاط ایران و قتل تبریز جنگ
ده ماهه ستارخان با قشون دولتی و اقامت
فارس و شیخ ذکریا و سید عبدالحمید
لاری . طلوع مجاهدین از رشت و آمدن
آنها بسخت تبر آن آمدن قشون روس به
تبریز و قزوین و رود مجاهدین بپایتخت
و جنگ سه روز مابین با قشون دولتی
و خلع شاه ماضی و جاوس اعلی حضرت
سلطان احمد شاه کمرتاری های انزلی
شاه مخلوع بسخت روسیه و سختی های
سفارت روس فتنه دلاقر با نعلی در خنده
کشمکش دائمی قزاق با قوچه تا مینیه
و ضدیت های سفارت روس با احرار . ماور
کما شتن سفارتین بر وزیر خارجه بر ای

مطالبه قسط مقرری شاه مخلوع (۱) قشون کاشی
های دولت برضد نایب حسین کاشی و اشرار
کاشان ضدیت بین احزاب وقتل مرحوم آقا
سید عبدالله مجتهد و میرزا علی محمد خان
و میرزا عبدالرزاق خان و غیره نزع
اسلحه مجاهدین و وقعه پاریس . بی رقیس
مدن مملکت در مدت شش ماه قتل مرحوم
صمیم الدوله بتوسط اتباع روس و بسی
مجازات مانندن آنها کشمکش بین اعتدال
و دمکرات . آمدن شاه مخلوع بگمش
تپه و محصور شدن پایتخت از سه طرف و

(۱) دو نفر غلام سفارین دوسه شبانه روز در
خانه آقایی حسینقلی خان نواب که در آنوقت
وزیر امور خارجه بود نشسته و هر جا رفت و
آمد میگرد و مواظب ایشان بودند و مخصوصا
برای اهانت بدوات و قانون و مشروطیت
این رفتار خارج از هر قاعده را بخود اجازه
داد بودند و هرج و مرج سیاسی این قبیل
و رفتارها را بی مواخذه و باز پرس گسرد
بود و بدتر از همه اینکه در خزانه دولت
۲۵ هزار تومان باقی نمیشد که قسط را بپردازد
و این بازاری ناپایسته را که در تاریخ سابقه ندارد
خاتمه دهند .

مقابله دولت با سه هزار قشون چربک
مازندران و دوهزار تراکمه و سی
هزار نفر کرد و لر ضدیت دولت روس
و انگلیس با شوستر و اولتیماتوم آن دولت
در این موضوع با ایران و ضدیت احزاب
در همه جا بخصوص طهران و تبریز جنگ
احزاب با قشون روس در تبریز و بالایی
دار رفتن ثمة الاسلام در روز عاشورا بدست
روس ها انحلال مجلس دارالشورای مایه
دنیا له اقدامات سالار الدوله در بروجرد
و کرمان شاء و همدان و قتل یقین فتنه
موفق الملک در خمسه فتنه طالب الحق در
مشهد و بمباردمان کنبند و حرم حضرت رضا
علیه السلام از طرف قشون روس آمدن
سالار الدوله بر ای دفعه دوم بخاک ایران
و عبور او از نزدیکی پایتخت و رفتن او
بخاک خراسان و استراحت باد . مهاجرت
نایب السلطنه مملکت با اروپا خلافت
آذوقه و ارزاق و اقمه ناصر دیوان در
فارس نزع اسلحه از بختیاری ها بتوسط ژنرال
مری و جنگ یک شبانه روز آنها در طهران
طلوع جنگ های بین المللی اقدامات مامورین
آلمان برضد نفوذ دولتین روس و انگلیس
کشمکش دائمی قشون ترک و روس در

خاك اير ان استيضاح مشهور دیگر آنها از
 کابینه عین الدوله آمدن قشون روس تاد و
 فرسخی شهر طهران و عزم دولت در تغییر
 پایتخت و حرکت قوای ملی بسعت قم و
 متلاشی شدن مجلس شورای ملی و مقابله
 قشون روس با احرار و ژاندارمری در قسم
 ساوه و عراق و بروجرد و همدان و کاپایگان
 و ملایر و کرمانشاه و اصفهان و قایع
 فارس و کرمان و ضدیت احرار و ژاندار
 مری و ایلات آن مملکت با قشون انگلیس
 و غیره و قهقهه باط کریمشش فرسخی طهران
 و کشته شدن عده کثیری ژاندارم بدست
 روسها. انضلال ژاندارمری کمیسیون مختلط
 نهب و غارت روسها در تمام شمال و مرکز
 مملکت قحطی سال ثبلان نایل و ناخوشی
 خود شما گاهی از نزدیک و زمانی دور
 با وقایع سیزده ساله دوره انقلاب ایران
 که ما بر جستگی های آنرا بطور دنیاه از
 نظر شما گذرانیدیم سروکار داشته و جزئیات
 و مقدمات و مقارنات آن را بهتر از همه
 کس در نظر دارید آیا زمان ریاست وزراء
 شما هیچ شباهتی با ادوار گذشته داشته است؟
 می گوئید « بدیهی است در اول امر محضی »
 « تغییر و تبدیلات موقتی اوضاع مجبور بودم »

« با هر نوع سعی و تلاش و سائل آنی و »
 « فوری تهیه و تدارک نمایم تا با وضعیاتی که »
 « مستلزم مخاطرات و مهالک آنی بود »
 « مقاومت و فرصت کافی برای امان نظر »
 « و مطالعه دقیق در هنگامه تنظیم دنیا و »
 « تجسس طرق ممکنه برای اصلاحات و »
 « تأمین حقیقی آتیه مملکت تحصیل نمایم »
 بعد از تحقیقات و تشریحات سابقه فقط
 چیزیکه در جواب این جمله از بیانیته شما
 بر ای ما میماند همین است که بپرسیم کدام
 سعی ؟ کدام تلاش ؟ برای مقاومت با چه
 مخاطره ؟ و چه مهالکه ؟ مع هذا از اعتراض
 بر کلمه « بهبودیت » آنهم از طرف شما
 که در نوشتهجات و اشعار خود هیچ از
 رویه ترکستانها قدم پائین تر نمیکند آرید
 نمیتوانیم خود داری کنیم
 مینویسید « حالت من در آن ایام مانند »
 « غریقی بود که اول بحکم اضطرار »
 « بپوشیده پاره متوسل گردید تا خود را »
 « بوسیله آن بکشتی نجات برساند بهمین »
 « دلیل در تصمیمات و عملیات خود اگر »
 « معارضی می یافتیم و منقذی خبر از اوضاع »
 « میدیدم طرف توجه قرار ندادم بر ای »

« ر سیدن بمقتصد یعنی نجات مملکت احکام »
 عقل و دانش را بر احسانات خود و دیگران
 « ترجیح میدادم »

در جای خود ثابت گردیدیم گه شما
 غریب نبودید بلکه فعال ما پشاه بودید
 دید و ما رض و منقاد هم بود اشد زیرا
 مجامع و روز نامجات که منبع تعرض
 و تنقید هستند در دوره شما گسرتان
 قانون نظمی بودند شما هم در تقسیم پول
 بین منفعت پرستان کوتاهی نمیکردید پارتی
 های شما هم که از هیچکوه دور و نزدیک
 و انتشار مضایقه نداشتند فقط از روضه
 خوانی مسجد شمیخ عبدالحسین بوی فی
 الحمله تعارض و تنقیدی می آمد که انرا
 طرف توجه قرار داده سهل است « و سسین
 آنرا بقرین تبعید حتی بر ای این کار
 بیانیه ای هم صادر نمودید نمیدانیم اگر
 می خواستید احکام احسانات خود را بر
 عقل و دانش ترجیح بدهید چه می کردید
 شاید در آن صورت ذهن مردم بد بخت این
 شهر را هم میدوختید و کوشاکر و
 چشم ها را کور می ساختید
 میگویند « بسی شعوف و خورسند »

« هشتم که بیاری خدای متعال نخستین »
 « تکالیف خود را با هدایت عقل و وجدان »
 « و نیروی اندرجه از قوه و توانائی که »
 « با رب تعالی جل اسمه باین بند ضعیف عطا »
 « فرموده در تهیه و سائل پیشرفت موقتی و »
 « در عین حال خاتمه دادن بمخاطرات و منع »
 « عواقب داخلی و خارجی با حس فداکاری »
 « تا حدیکه مقدور شد انجام دادم »

فتح نمایان شما در این دوره ریاست
 و زراء که خود در بیانیه های خودتان
 کرا را بان اشاره کرده اید گذشته از
 تلف کردن هفت و هشت کرو و پول و پر
 کردن کیسه بلژیکی بیانه اداره ارزاق
 دو موضوع بیش نیست یکی افزایش قوای
 تا مینیه که عده انرا از سه هزار اسما
 بیازده هزار نفر رسانیده اید دیگری
 گرفتاری نایب حسین کاشی و اتباعش
 البته خودتان تصدیق دارید که
 زندان مری ایران که بسعی ژنرال
 بالمارسون سوئدی تاسیس شده بود بعد از
 تیرداد کلنل ادوال و سوق عده از این
 قوه بجنک روسها فقط از حیث عده و اسلحه
 قتل کرده و اداره مرکزی و تاسیسات

پول و اسب و تفنگش و اسلحه چیز دیگر لایزم نبود و سابقا تشریح کرده ایم که پول این تکثیر عده از کجا بشمار سیده و بکدام نظر موفقی باین کار شده اید گدشته از این منکر ندیتوانید شد که در اول سال فقط بودجه قوای تأمینیه را از قرار بازده هزار نفر نوشتید که بمرور تکمیل شود و معلوم نیست که در موقع صدور این بیانیه (شش ماه قبل) پنج شش هزار نفر بیشتر بوده اند چه امروز هم که ماه یا زده ماه سال بنیمه رسیده است هنوز عده آن تکمیل نشده است

تأمین دادن و آوردن کاشی ها هم بظهور آن چیز تازه نیست که شما متکبران باشید در هفت سال قبل هم کابینه علاءالسلطنه پسر ثایب حسین را با عده سوار تأمین داده بطهران آورد مدتی هم در اینجا اقامت داشتند منتها آنها قوا ای که دادند محترم داشته و با همه گونه تسلط و قدرت او را رها کردند

در حقیقت این دفعه ماشاء الله خان گورل آن دفعه را خورد و شما از دست سقوی اسلاف خود استفاده کرده اورا تأمین داده برای یغما کردن جواهر و نقدینه و اثاثیه و املاک و اسب و تفنگش حبس و اعدام کردید بعد از این دو فقره تشریح با استحازه از شما سئوال میکنیم که برای جمع آوری چهار پنجهزار نفر عده و اعدام بیگانهان تأمین یافته خالی الذدن آن هم برای صرفه خودتان مردم چقدر باید حماسه بشنوند گاهی از راه تعبیر سابقین و زمانی از راه ابراز و اظهار قدرت خود یا لاخره در این قسمت اخیر با حفص جناح و لحن حق بجانب و اگر در اصطلاح مجاز شویم با لوس گیری و خود شیرینی بتکرار پرداخته صفحه را سیاه کرده اید !!

مینویسید « در ادای این وظیفه صعب »
 « پس از تأییدات غیبیه و توجیبات اولیای »
 « اسلام و انکای بتقویت شادانه که البته »
 « ملل اصالی موقتیت اینجناب بودند مساعدت »
 « و حسن موافقت دولت انگلستان نیز عامل »
 « مؤثر قوی گردید و البته نباید از امتنان »
 « مساعدت های آن دولت خاموش نشست »

هر قدر شما تکرار کنید ما هم ناگزیریم
تکرار کنیم که کار شما صعوبت و اشکالی
نداشت تا بیایدات غیبیه و توجهات اولیای
اسلام هم بموجب آبت و اخبار و اصول
دیانت حقه اسلامی بحال کسیکه
خیال بر باد دادن استقلال مملکت اسلامی
را داشته است مملما شامل نمیشود
میگویند « دولت معظم انگلستان در عقیده »
« جلو گیری هرج مرج و ایجاد امنیت و »
« نظم در ایران با دولت شاهنشاهی ایران »
« موافقت نموده و حصول این مقصود را »
« موافق مصالح خویشتن یافته و در حدودی »
« که وضعیات عمومی اجازه میداد از »
« کمک با کابینه اینجانب مضایقت نمودند »
در زند کافی بین المللی کمک با همسایه
و وجه نظر دول عالم و رفع هرج و مرج و
ایجاد امنیت در یک مملکت همیشه موافق با
مصالح همسایه است زیرا ضرر هرج و
مرج حتی نا امنی از راه مبادلات تجاری
متوجه همسایه هم شده و جلو گیری از آن
مسلمتا مستلزم منافع بیشمار برای آن دولت
میباشد در اینجاست موضوعی است

و چنانکه در محل های خود بشموت رساننده
ایم قبل از ریاست وزیر اعضاها نا امنی فوق
العاده در ایران نبود و بخصوص هرج و
مرج که به پیچوجه در این مملکت وجود
نداشته است

بنویسید « اگر چه این مساعدت از »
« بعضی حیثیات و مخصوصا از حیث اسلحه »
« و مهمات نظامی رضایت بخش و تا آن »
« درجه کافی نبود که موفقیت اولیای »
« دولت را در حفظ انتظامات زود تر و بیشتر »
« محسوس نماید لیکن همان مقدار کمی »
« که با دولت ایران بعمل آمد قابل تقدیر »
« و در موفقیت دولت تاثیر کامل داشت »
« مخصوصا مساعدت مالی در تامین ارزاق »
« و اقتدار دولت بر تادیه منظم مصارف »
« جاریه مملکت برای استقرار و وثائی »
« نظم بمواقع و نافع واقع گردید »

قرض دادن با فرع صدی هفت تشکر
ندارد بلکه این فرع را در اروپا ربح
گران « اوزور » میدانند و این ربحی است
که دندان گرد های قوم بنی اسرائیل هم
در معامله با اشخاص پدر مرده یا نیمه ور
شکست جرات تقاضای آن را ندارند و

حتی در بعضی از مالک تقاضای این اندازه
ریج را خلاف قانون محسوب داشته و
گیرنده آن را مقصر دانسته محاکمه و
مجازات میکنند

فروش اسلحه کهنه و مهمات بعد از ختم
جنگ و رفع حاجت آن هم از طرف دولت
تاجری مثل انگلستان که هیچ امتنان ندارد
سئل است معمولاً کمیسیون و حق الدلاله
هم باشخصیه که سر این معامله را بهم بیاورند
میدهند

اما اینکه مدعی هستید که کمکاری
مالی انگلیس بموقع و نفع واقع شد اگر
اجازه فرمائید میخواهیم سؤال کنیم برای
کمی نفع شد ولی خواهش داریم در جواب
ما نفرمائید برای مملکت « زیرا در این
صورت ما را مجبور خواهید کرد که
آنچه سابقاً در خصوص طرز رفتار اسلاف
شما نوشته و ثابت کرده ایم که آن با
عایدی مملکت مملکت را در سال قحطی
اداره میکردند تکرار کرده حساب مانی
شهر طهران را در خصوص اداره اوراق
از سر بگیریم و راجع بقلع و قمع اشرار
کاشان و اصفهان هم داخل مبحث متروکات

آنها شده و وث عملى این قطاع الطریقها
را که از تاخت رتاز رعیت و مالک و
تاجر این مملکت گذشته از املاک و اثاثیه
دارای سه چهارم کرور وجه نقد شده
بودند بشناسانیم و کفایت میکند میراث این
خرسین را بحساب خود و شما جمع آوری
میکند معرفی نمائیم پس برای صرفه خودتان
ما بشما توصیه میکنیم که شجاعانه اقرار
کرده بفرمائید « برای پیشرفت مقاصد
خودم » تا ما هم ادله ای که در اینموضوع
داریم بشما عرض کنیم

بلی آقای رئیس الوزراء اگر پول
انگلیس ها نبود البته شما از عهده سیر
کردن حورل و وحوش و پارتیه های منفعت پرست
خود بر نمی آمدید و رضایت همان منفعت
پرست ها را در اوقات بعد خود تحصیل
و برای تسلیم ایران با انگلیس ها زمینه
تدارک نمیکردید اگر پول انگلیس نبود
کلاشی و منفعت خوری را در این مملکت
ترویج و بغنا وین مختلفه حتی ادای دین
پول در میان اشخاص متفرقه تقسیم و کار
حکومت های آتیه را که از تعقیب این
رویه بخوانند خود داری نمایند مشکل

نمیفرمودید اگر پول انگلیس نبود این همه شهریه باشخاص غیر مستحق نمیرسید و میزان شهریه بکثیر در یکسال و نیم دوره ریاست شما از ماهی هجده هزار تومان بی و شش هزار تومان بالغ نشده سعی مجاس شورای ملی در تعدیل حقوق بیدر نمیرفت و مواجب دیوانی اشخاص غیر مستحق که تومانی دو ریال پرداخته میشد تومانی یکتومان کارسازی نشده مجاهدات اسلاف شما در این دوره بی نتیجه نمیانند اگر پول انگلیس نبود از راه اضافه حقوق مستخدمین دولتی مبلغ کللی بر بودجه مملکت افزوده نشده آن قدر تجمل بيمورد اداری را بخورد اجازه نمیدادید اگر پول انگلیس نبود چادر روضه خوانی خیابان لاله زار برای کار جاقی شما برپا نمیشد و چادر مسجد شیخ عبدالحسین نمیخواهید اگر پول انگلیس نبود مرد آباد خالصه افتقاری با هزار تومان و هزار خر و ار جمع خالصگی که از ادای همان جمع هم بزور بر میآمد بصد هزار تومان بر ای دولت خریداری نمیشد و پول آن بکمیسه دلال و مصوب این خریداری نمیرفت اگر پول انگلیس نبود

روز نامه های طرفدار شما که ~~سکاری~~ جز تمجید غلط کاری های شما ندانسته و افکار يك ملت را مسموم کرده اند برامه نمیانفتند اگر پول انگلیس نبود پانزده کتاهی سبك وزن سنگین قیمت بیدر خانقار و روضه خوانان ها و دوستان و حتی اصداد شما نمیرفت که با خیالات شما همراه شوند و ضمناً شما هم از تفاوت ماهی هزار تومان مخارج سری استفاده کامل بپسیدید اگر پول انگلیس نبود با پنجمه ما مور خفیه مواجب نمیدادید که در این شر زن و شوهر هم از یکدیگر ایمن نباشند اگر پول انگلیس نبود اعلیحضرت شاه با اروپا سفر نکرده صفحہ ایران برای اقدامات شما بلا معارض نمیانند اگر پول انگلیس نبود ما مورین خفیه بر ای مشوب کردن اذهان بولایات داخله و اروپا و اعتبارات نرفته مقاصد شما را در آنجاها انتشار نمیدادند اگر پول انگلیس نبود بودجه مخارج ماهیان گیلان بینجاه و هفت هزار تومان بالغ نمیشد و ماهی ۱۵ هزار تومان بجهت مخارج سری آن ولایت تصویب نمیفرمودید اگر پول انگلیس نبود بفرمان خلع سلاح

و ایجاد امنیت سیصد هزار تومان خرج
قشون کشی ولایت آرام بی آزار مازندران
نکرده و در مقابل هفتاد قبضه تفنگ و رندل
گوناگون بغنیمت نمی آوردید و اسمعیل خان
امیر مؤید برای خوش آمد انگلیس ها
بکرمان شاهان متواری نمیشد و بیچاره
کالامینسکی تبعه روس تلف نشده جواهرات
زیاد او که نرخ الماس را در این شهر
تنزل داد نصیب شما و همدستان شما نمی
گردید. اگر پول انگلیس نبود و کلای
فرما یشی که برای تصدیق و تقویت ایران
فروشی خودتد ارک دیده اید متعجب ندیشند (۱)

﴿ ۱ ﴾ اگر بخواهیم شرح انتخابات این دوره
تقنینیه را بنویسیم و جزئیات انتخاب هر يك از
اشخاصی را که در زمان ریاست وزارت شما
بنوان و کالت از طرف مات تعیین شده اند استقصا
کنیم يك کتاب باید بنویسیم زیرا که نقطه است
که و کلای آن با زادی انتخاب شده بود و
تطبیع و حتی فشار و شلاق سهل است عوض کردن
او راق آراء در آن مداخله نداشته باشند .

ما بر ای نمونه از پشت دروازه طهران
تا اقتضا بلاد مملکت و از ملیون با حرارت
تا وزیر ای با وجدان برای شما چند مثالی

میگوئید « بدی است در این ملت معاندین و جاهلین »
« و از باب اغراض از آنچه توانستید برای اینکه »
« اینجانب را خسته و مأیوس یا بکشتا رد جوئی »
« مجبور نمائید خود داری نظیر دة علاوة بر »
« انواع تشبثات جاهلانه مکرر سعی کردید خاطر »

ذکر میکنیم تا معنی و کلای فرما یشی که در
اینجا و در سایر مواقع این رساله به آن
اشاره کرده و خواهیم کرد انقلاب خود
شما پریشان شده اند و تصور فتر ما نمید مس
بی برهان و منطق میخواهیم بشما اقترا بزقیم
از انتخابات و رایین و خوار و ایوان کیف
و کشمکش های بین مدیر روزنامه
ایران با عضو عاجز کمیته جمعی دمکرات
میگنندیم زیرا خود شما مناقشات آنها را
اگر در روزنامه ها ننخوانده باشید از
شکایت های طرفین که دعا که این کار را
خدمت حضرت اشرف آورده اند مطلب را
کاملا استباط فرموده اید و فقط انتخاب
دما و ند را شاهد میاوریم که صاحب منصب
ژاندارم مامور دما و ند میکنند من خدمت
خود را بخوبی انجام داده و امر دولت را
در نهایت صحت اطاعت کرده ام و با
همین شلاق که در دست دارم بر سر مردم

« مهر مظاهر ماو کا نه را از این بند مکرر نماید »
 « ولی هیچوقت ذات مقدس شاهانه از الفاآت »
 « آنان متأثر نگرددند همواره علاقه خاطر همایونی »
 « بحفظ مصالح مملکت پشتیبان قوی و نگرا همان »
 « اینجانب بود . »

زدم تا مطابق دستور مرکز آقای . . .
 (یعنی با حرارت ترین پارتیهایی شما) در
 دماوند و کیل و منتخب شد .

از انتخابات اقصی بلاد مملکت و منتخب
 شدن وزراء هائے خب شما از فارس و . . . الدوله
 از کرمانشاهان و . . . المملکت از سیرجان
 و . . . السلطنه اخوی شما از سرخس را
 مثل می آوریم .

کلیه تعرفه ای که از مرکز برای انتخاب
 شیراز رقم ۱۵ هزار ورته است و حضرت
 اشرف به ۲۵ هزار و کسری رای از این
 دارالعلم انتخاب شده اید خودتان میدانید
 که این فرع زیاده بر اصل از چه راه حاصل
 شده برای سایر خوانندگان مینویسیم که
 با فرده هزار ورقه تعرفه در شهر منتشر شد
 با اینکه قبلا خیای اقدامات برای وکالت
 حضرت اشرف بعمل آمده بود بعد از اخذ
 رای حس کردند که اکثریت را حاضر

در یلنک اشخاص ذی نعم برای پیشرفت مقصود
 همیشه وسائلی را اتخاذ میکنند که سابقین به آن
 متمسک شده و پیشرفت آنرا تخریب کرده باشند
 شاید غرض شما از نشیبات جاهلان جمعیت مسجد
 شیخ عبدالحسین باشد . اگر خودتان برای نبل

نخواهید شد بموجب تلگراف مرکز
 استخراج آراء چند روزی توقیف و صندوق
 آراء را بدون قفل و مهر در مسجد گذاشته
 هیئت نظار بجای در صندوق در مسجد را
 قفل و مهر کردند و از طرف وایلی جا تمه
 سر باز هم در مسجد گذاشته شد و لی
 شبانه از سوراخ بام مسجد آدم پنهان رفته
 مقداری ورقه نوشته در صندوق انداخت و
 مقداری از اوراق صندوق را بیرون آورد
 منتها چون مجال شماره نبود که بفرستد که
 ورته رای به صندوق میریزند بهمان اندازه
 خارج کنند این بود که سر و کله حضرت
 اشرف بجای پانزده هزار رای با بیست و پنج
 هزار رای از صندوق بیرون آمد .
 تا بداند مؤمن و گنبر و یهود
 کاند درین صندوق جز لعنت نبود
 در انتخاب . . . الدوله از کرمانشاهان
 همین اختلاف نتیجه استخراج آراء با اوراق

بمقام ریاست و رراع با این قبیل اقاعات منوسل
تقدیر بودید ما کاملاً شما حق میدادیم که این
تشیقات را جاحلان بخوانند شما که خودتان بقوت
اجتماع در مساجد و مشاهد مشرفه کا پیونده
مستوفی الممالک و صمصام السلطنه را برهم زرقانید

منتشره موجود ولی تفاضل آن هفت هزار
رای است نه ده هزار یعنی تعرفه ای که
از مرکز برای انتخاب این ولایت ارسال
شده است مثل شیراز پانزده هزار ورقه بود
و شاهزاده و الاتبار بسعی حاکم محل یعنی
برادر خود با بیست و دو هزار کسری رای
انتخاب شده اند فقط تفاوتی که انتخاب
ایشان با انتخاب شما دارد همان تفاوت
پختگی و خامی بین پدر و پسر است چه باز
در شیراز بواسطه پختگی و کرمه کاری
شاهزاده... صورت ظاهر محفوظ و در دادن تعرفه
و اخذ رای و میرشدن درب مسجد منتهای درجه
ضحت عمل ظاهری بخرج رفته و از راه پائین
کردن آدم از سوراخ کنه مسجد و عوض
کردن اوراق کار انتخاب شما صورت
گرفته است ولی در کرمان نشاها نالیه
جوانی و خامی... حکمران تحمل
آنداز پیش بینی و فکر را نیاورد به زور
اسلحه احوی را انتخاب کرده اند چه

شما که بر اثر همین شیادی ها مسند
ریاست وزراء را اشغال کرده اید ابد
سزاوار نیست از این قبیل اقدامات

هر یک نفر لری که وارد انجمن میشده
موزر بدست با یک تعرفه یگدسته ورقه که
اقلام محتوی ده دو زده رای بوده بصندوق
می انداخته است بدون این که انجمن
نظارت جرات اعتراض داشته باشد
برای فرمایشی بودن انتخاب... الملک
از سیرجان هیچ دلیلی بهتر از تلگراف خود
اهالی نیست که ما سعی میکنیم عین مضامین
آن را بخاطر آورده در اینجا نقل نمائیم
« از کرمان بطهران »

« مقام متبع حضرت اشرف آقای رئیس
الوزراء دامت شوکتها حاکم سیرجان پس
از نشر اعلان انتخابات اعلام کرد هر کس
تعرفه نکیرده تومان جریمه میشود ماها
تعرفه گرفته از خوف جریمه نزد حاکم
زدیم و هم تعرفه ها را ما خود داشته روز
آخر آراء کلیه صاحبان تعرفه را احتضار
و ورقه های را بیکه خودش قبلاً نوشته و لوله
کرده بود با تعرفه تسلیم ماها نمود و برای
اینکه ورقه های این راه عوض نشود بانظارت
مامور و مفتش لوله های رای را بصندوق

شکایت بکنید بر فرض اینکه مسلم گرفتیم
این اقدامات از طرف معاندین سیاسی
شما هم بعمل آمده باشد تازه باید بشما بگوئیم

آراء ریختیم پس از استخراج... الملک
نامی منتخب شد خدا شاهد است تا آن روز
چنین اسمی را ننشیده بودیم و امروز هم او
را نمی شناسیم اگر خوب و بدی شد بر
عهده خود حضرت اشرف است «امضاء» جمعی از
علماء و ملاکین و تجار و سایر طبقات اهالی سیرجان
برای اینکه از انتخابات شهر کرمان
هم شاهی آورده باشیم مضمون تلگراف کوهپایه
را که جزو حوزه شهر است در اینجا ذکر میکنیم
«از کرمان بطهران»

مقام منبع ریاست وزارت
دخا - در کوهپایه انجمن نظار تشکیل
دو نفر سر باز درب انجمن ایستاد هر کس
تعرفه میکرد تعرفه را از او ما خود می
داشتند کریم خان رئیس انجمن اعتراض
کرد سر بازها گفتند ما باین کار ما مزیم
مشار الیه بشور شکایت نمود حضار و توقیفش
کردند و انجمن نظاری از نو تشکیل شد
اهالی که دیدند اینطور است تعرفه نگر فتند
حاکم اعلام کرد هر کس تعرفه نکیرد ده
تومان جریمه میشود مجبوراً تعرفه گرفتیم
و ورقه های رای که حاکم داده بود

معاندین این اقدام را از شما سر مشق داشته
اند مثلاً آنها چون پشتیبانی مانند سفارت و
صندوق مخارجی مثل بانک انگلیس نداشته

در صندوق ریختیم چون آراء در شهر استخراج
میشود نمیدانیم وکیل ما کیست هر کس
باشد بما دخلی ندارد لیکن شش نفر از مسا
ها در مزق گرفتند تعرفه حاضر نبودند ۶۰
تومان از آن جریمه گرفتند جریمه را
هم پس نمیخواهیم فقط استدعا داریم بحال
ما فقره رحمت آورده این شخصت تو مان
را جزو مالیات نفرمائید که همه ساله از مادر یاف
دارند امضاء جمعی از اهالی کوهپایه که ملای
محل نیز بر صحت عرایض آنها تصدیق نوشته است
ما برای انتخاب برادر شما از زور
آباد سرخس هیچ منافستی نمیتوان
کرد مگر اینکه بگوئیم قرب جوار این
محل با مرو و خدمات مرحوم... الدوله
جد ایشان که در آن سرزمین «افسر و
بهیم را بر باد داد» باعث معروفیت محلی
ایشان شده و اهالی که سکنه دو سه آبادی
بیش نیستند با کثرت چهار هزار و چهار
صد رای بیاس خدمات آن مرحوم ایشان
را با لطوع والرغبه بوکالت خود انتخاب
کردند وکیل زورآباد همینطور هم باید باشد



بمقتول نتیجه که مقصودشان بود موفق نشدند
 اما راجع بتکدرات ذات شاهانه همه کس
 می دانند که این تکدرات نتیجه
 یک سلسله حوادث بود که از خیال تغییر
 والی ایالت خراسان « ۱ » و هیاهوهای آنجا
 بر ضد این مقصود و مقالات روزنامه های
 طرف دارشما در این جا و دعوت نامه کنفرانس
 مد رسه تدین که موضوع آن ضدیت با مقام
 سلطنت بود و اعراض وجود شاهانه از حضور
 در جلسات هیئت وزراء شروع و بمسافرت
 ملوکانه بارو پرداختم شد عجله شما در انتشار
 همین میانیه وقر از داد تسلیم ایران بانگ ایس

﴿ ۱ ﴾ برادر رئیس الوزراء والی خراسان
 بود چون شاه بخيال تغییر او افتاد بود بمخواست
 صمصام اساطنه را برای ایران « خرجیات » او بانجا بفرستد
 چه در خراسان وجه در طهران روزنامهجات خیالی
 بر ضد آن خیال قام فرسائی کردند شاه هم همین
 واسطه دیگر در جاسات شورای وزراء که تا زکی
 قرار گذاشته بود همیشه با حضور خودش تشکیل
 شود حاضر نشد و بر وقت از این تاریخ دیگر بین
 شاه و رئیس الوزراء صفائی در کار نبود زیرا
 روزنامهجات طهران و مشهد و قم خیالی هتاکه
 و حتی نهاد بدش هم کرده بودند ۱۱

درست در شب قبل از نیت ملوکا هم در
 این موضوع بی دخالت نبوده و نکته قابل
 ملاحظه ایست

مینویسید « در طی این نقبات و در عین
 « آنکه برای نگاهداری و بهبودی اوضاع
 « موقتی صرف مساعی مینمودم البته از این
 « نکته غفلت نداشتم که این بهبودی موقتی
 « دارای جنبه دوام و ثبات نیست و اتخاذ
 « تدابیر اساسی برای تامین زندگانی
 « دائمی و ترقی و تکمیل مملکت از نقطه
 « نظر اقتصادی و اجتماعی مرحله ثانوی
 « و مهمتر وظیفه اینجانب است و مادام که
 « در این طریق فکر و تدبیری نشده است
 « در حیات و مشقات بی نتیجه و مخاطرات
 « حتمی الوقوع است زیرا اولاهمه روزه
 « تجربه جدیدی عتیده را سخه مرا تا بید
 « میکرد که نجات مملکت بدون انتظام و
 « اصلاح ادارات میسر نیست و انتظام
 « ادارات بدون توسل بمعلومات فنی مستشار
 « ها و علمین خارجی وورت نمیبندد و بالاخره
 « تأسیس و اصلاح ادارات ایران که
 « عالی الظاهر مدعی مشارت با امدارات اروپائی
 « هستند ولی از حقوق و تنظیمات اروپائی
 « بکلی بی بهره میباشد بدون توسل بمعلومات

«مختصین و ارباب فن خارجی غیر ممکن است»
 معلمین اروپائی در یکی دو ساله اول
 دوره انلاب بر آری این مملکت لازم بود
 زیرا مدیرهای ایرانی واقعا نمیدانستند
 چه باید کرد و چگونه چرخهای ادارات
 را بهم انداخت و لازم بود درس نخوانده
 های مجرب زیر دست معلمین اروپائی عدلا
 علم و حقوق اداری بیاموزند تا درس خوانده
 ها آمده جای آنها را بگیرند ولی امروز
 بعد از دو ازمده سال که ایران بقول شما
 ظاهر اداره شده و ثباتها بمقام مدیری
 رسیده اند دیگر نمیتوان گفت ایران
 مدیر قابل ندارد و واقعا کدام مدیر است
 که امروز تمام نکات و قواعد اداری
 را نداند یا طرز بکار انداختن قواعد
 مذبوره را بلد نباشد یا مناسبت مهلهستی
 را با آنها تطبیق نکرده و راه حل آن را
 بدست نیاورده باشد

دولتی که بتظلمات اداری دولت مملکت
 خود عنایتی دارند اولاً اعضای تحصیل
 نکرده قبول نمیکند و عضو تحصیل نکرده
 بیکاره را وبال اداره میدانند زیرا پس
 از آنکه شخص را با اداره پذیرفتند دیگر
 نمیتوانند او را بدون خیانت از اداره خارج

نمایند بعد از ورود هم در صورتیکه درست
 رفتار و جدی باشد هر دو سال یا سه سال بر
 حسب اختلاف قوانین دول باید یک پله ترقی
 کرده هم از حیث مقام هم از حیث حقوق
 بالاتر برود تا در ظرف دو ازمده الهی هجده
 سال بمقام مدیری برسد هر گاه بر حسب اتفاق
 از اداره با دازه دیگری برود باز هم همان
 رتبه و تقریباً همان حقوق را خواهد داشت
 و در صورت استعفای عضوی از خدمت دولت
 هر گاه مجدداً بخواهد وارد خدمت بشود باید
 دوره خدمت را از سر بگیرد و یا رتبه کمتری
 مجدداً وارد خدمت شود

قواعد و نظامات تقاعد هم زندگی ایسام
 پیری و دوره ضعف زندگی او را مطمئن کرده
 میداند که در آن روزها هم دولت متکفل
 مخارج اوست و از حقوق متناسب با ایسام
 خدمتش استفاذه خواهد کرد پس سنل هر
 وزارت خانه در اول هر سال صورتی از
 اسامی اشخاصی که میخواهند متقاعد
 شوند یا بموجب قانون و نظامات اداری باید
 ترقی نمایند با نضمام صورتی از جاها تیکه
 خالی بمانند و اشخاصیکه تازه داوطلب
 خدمت شده اند با راپرت سابقه آنها ترتیب
 داده بوزیر تقدیم میکنند وزیر هم با نظر

مدیران ادارات جای هر يك را تعیین و
بصدور احكام آنها امر مینماید

سوء رفتار از فرط در استعمال قدرت
نسبت بزیر دستان و از باب رجوع گرفته تا
رشوه گیری و حیف و میل در دخل و خرج
عمومی مجازات معین دارد که مرتکب از
تحمل آن ناگزیر است

اگر سوء رفتار بتقدیری شدید شد که
مستلزم اخراج عضوی از اداره باشد زندگانی
اداری این عضو باطل و دیگر در هیچیک
از ادارات دولتی؛ هیچ خدمتی پذیرفته نخواهد شد
بندری این نظامات محترم و تغییر نا پذیر
است که توصیه هیچ متنفذ و خاطر خواهی
هیچ وزیر نمیتواند ذره ای خلل و سوسه
در آن بیندازد یا کار را از مجرای طبیعی
خود خارج نماید هر مدیری در کارهای
اداری خود آزاد و مسئول و هر کسی را
که از احکام او متوجه دولت یا اشخاص
دیگر بشود باید از عهده برآید و برای این
دعای محاکم اداری و محاکم عمومی
موجود و مرجع نظلمات معین است (۱)

در ۱۳۹۸ هنوز قانون استخدام کشوری
وجود نداشته و نویسنده در ضمن بکصفحة اصول
و نظامات اداری این قانون را خیلی جامع نوشته اند

منکر نمیتواند شد که مملکت تا امروزه
برای مسوده کردن این چند سطر حقوق
اداری و ترتیب قوانین و نظامات آن دیگر
محتاج بمستشارهای خارجی نیست زیرا در
اوائل انقلاب شاید این قبیل اطلاعات عمومی
نپودولی امروز شاگرد مکتبیهای مملکت
هم این الفبای حقوق اداری را میداند و وزارت
خانه ای نیست که چندین مسوده و پاک نویس
و چاپی این نظامات اداری در ارشیه آن
موجود نباشد

اگر احتیاج ما را بمستشارهای خارجی
برای ترتیب لوایح قانونی و نظام نامه های
فنی ادارات مختلفه این مملکت تصور فرموده
اید که از این حیث هم ایرانیها امتحانات
خود را داده و از اصول محاکمات عدلیه و
قانون نظام و مالیاتی گرفته تا کوچکترین
نظام نامه اجرائیه مکاتب و مدارس همه را
ترتیب داده اند و اگر هم در آتیه بمناسبت
تغییر اوضاع احتیاجی باصلاح داشته باشد در
کمال خوبی از عهده بر میآیند

در اواخر سال ایت قبل یعنی یکسال
بعد از دوره تجدد این مملکت هم که وکلای
مات بلزوم مستشارهای خارجی برای مالیه

رای دادند نه بواسطه نا بادی ایرانیها بود بلکه علت عمده این رای همان زیاده روی ها و خیف و میلرانی بود که شما و امثال شما در دخل و خرج عامه روا میداشتید و این مقصود از قانون ۲۳ جوازای تنگ و زایل است که آنهمه اختیارات با دریکاینها میداد و شما را در امر مالیه مطیع شوستر میکرد بخوبی واضح و هویداست

پس عیب ادارات ایرانی نه از راه نادانی و تجربه آموز نشدن مدیرها بلکه به علت نداشتن کادر و کاری بر و نبودن بیم و امید است و سبب آنهم جز شما کسی نیست زیرا گذشته از دو نوبت ریاست وزراء خود که در کار عموم وزارت خانها مداخلات غیر غیر قانونی کرده و میکشید تقریبا تمام وزارت خانها نه هی این مملکت از یک تا چند بار در تحت اداره خصوصیه شما و اعوان و انصارتان که مسلما از روی نقشه شما رفتار مینمایند در آمده و آن قدر وقت و اختیار داشته اید که پارتهای خود را جز آنها استقرار داده ارکان ادارات مختلفه این مملکت را بدست آنها

بسیارید این هم خیالهای شما هم تا شما هستید با شما مشغول بی انتظامی اداره و چپاول و بغمای مردم میشوند همینکه شما رفتید اخلاق شما را اغوا مینمایند و بر فرض اینکه بعضی با آنها هم پیمان نشوند آنوقت مشغول دسیسه و تیر و پر بر ضد آنها و کار چاقی شما خواهند شد اگر تبعشان نبرید بسو راخ های اداره فرورفته بمواجب های اداری و امضای او راق بمصرف و وقت خود را گذراننده منتظر فرج خورد و ظهور شما میشوند در جای خود دهه کیفیتیم که تو را قانون شکنی سایرین بود از شما نیست و نمیخواهند بی سبب موجه کسی را از کار خارج به نمازند بر فرض اینکه خیالی هم نه در بخرج بدهد آنها قایمان بواسطه تجری خورد اسباب این کار را فراهم بیاورند عمر این انقضا و انزال بسیار کرده است شما مجددا بر سر کار آمده آنها را بر سر کار خواهید آورد صلاح و عقیف النفس های ادارات هم بد بختهای بی کفایت و همدست مانده با بد سنگر بسنگر عقب بنشینند و برای پارتیه های شما که روز بروز در تزیایدند

جا خالی کنند اگر در بعضی ادارات
 بعضی اشخاص یافت شوند که ریکت
 خوب اداره بوده از دم در نرفته باشند
 همان زحمت کشای بدبختی هستند که بهیچ جای
 بستگی نداشته هیچگونه ترقی هم ندارند
 و دوش آنها در بان ترقی دیگران است
 بواسطه همین پیش آمد ناگوار
 و حقیقت تلخ است که بیم و امید اداری
 از میان رفته و یک سلسله شخصیات به
 جای آن استقرار یافته است شما هم در
 این طرز مملکت داری ملوم نیستید زیرا
 بعد از آنکه نقطه اتکالی حقیقی یعنی خدمت
 گذاری بسات را از دست داده باید
 بدلی برای آن فکر کنید گذشته از
 این پارتهای شما که برای شما دوندگی
 کرده اند احر و مزد میخورند هم دستهای
 آنها هم که پارتهای درجه دوم شما
 هستند نیز بی پاداش نباید بمانند هرگاه
 در این ضمن تغییراتی که در سیستم و
 طرز اتحاد و انقطاع شما نسبت به اشخاص
 پیش میاید در نظر گرفته شود آتوارت
 است که سبب این همه تغییرات و تبدیلات
 اداری و یاس و ناهمیدیهای اعضای ادارات

و خاطر خواهی و کار شکنیهای بلاجهت
 و یکباره مختصر جامع سبب این همه هرج
 و مرج ادارات معلوم و مسلم خواهد گشت که
 « ما هی از سر کنند » کردنی زدیم
 پذیر آنچه ذکر شد اصلاحات ادارات
 ایران هیچ مانعی جز شخص شما نداشته
 و ندارد و آنر و زینکه شر شما وهم بیمان
 های شما از سر این مردم کهنه شود
 مدیران ایرانی بخوبی میتوانند این
 مملکت را بدون هیچگونه استشاره و
 تعامی از مستشارها و معاونین خارجه
 اداره کنند (۱)

میگویند « سعی و تلاش اداره کنندگان »
 « ایرانی که بواسطه نقض تجربه و »
 « تعلیمات و نبودن وضعیت ثابت تاکنون »
 « در اجرای اصلاحات عقیم مانده و »
 « در مقابل برچیدن او ضاع قدیم به »
 « ایجاد هیچ وضع جدیدی که قابل »
 « دوام و بقاء باشد موفق نشده اند »
 « کفایت خود را ثابت و این حقیقت »

« ۱ » چنانکه گردید و هی بنیم که ۹ توجهات
 اعاب حضرت شاهنشاهی بهای عنقریب در تمام
 ادارات بر منزل مقصود رسید و میرسیم

« راز و شن تر نموده است که ما دام »
 « که معلمین کار آرزو نموده شالوده محکمی »
 « برای اصلاحات طرح نموده و »
 « اساس مبنی ایجاد نموده اند که »
 « عناصر مستعد ایرانی در مکتب عمل »
 « و اداره با تمرین مبنی که لا بد است »
 « آموختن فنون و تجارب ادار است »
 « برای خدمات مملکت حاضر قنما بند »
 « تشکیل ادارات و دوا یر شعب و هیئت »
 « ها و کمیسیون ها و غیره جزا افزودن »
 « خرج و تشویق هرج و مرج حاصل و »
 « نتیجه نچو اهد داشت »
 ما شک نداریم که سعی و تلاش اداره
 کنندگان ایرانی تا کنون در اجرای
 اصلاحات عظیم مانده است ولی در جای
 خود ثابت کرده ایم که این بدبختی را
 راه نقص تجربه و تعلیمات نبوده هیچ
 تعلیمی جز شخص شما ندارد و شما هم نمی
 توانید منکر شوید که دوام و بقای هر
 وضعی تابع میل و اراده او ایمنی آن امر
 است اگر چه ایران ایرانی نتوانسته اند
 با ایجاد وضعی که قابل دوام و بقا باشد
 مبادرت ورزند بعلمت آنست که شما برای
 وزیرای آنها با اینکه آنها را همیشه از

هم خیالان خودتان انتخاب کرده اید
 نیز اختیار بی باقی نگذاشته اید و همواره
 آنرا را تابع میل و اراده
 خود خواسته اید گذاشته از این به
 قدری برای مدیران ایرانی هم
 کار بدتر اشیده اید که بیچاره ها از
 دفاع مقام و راه معاش خود بگردیگر
 نمیرسند آيا شك داريد که ورود هر
 عضوی سابقه در اداره جای یکی از
 اعضای سابقه داران اداره را تنگ و
 بکفر بر کاندیدا های مشاغل آن اداره
 می افزاید؟ آیا از این همه اشخاص
 بی سابقه که بتوصیه و امر و حکم شما در
 این ادارات ریخته و هر روزه فوج
 فوج در از دیاد است جز هرج و مرج
 اداری چیز دیگر هم میتوان انتظار داشت؟
 اگر شما با تنظیمات ادارات
 ایران عنایتی داشتید و میخواهید مدیران
 ایرانی تربیت کنید یک مدیر را اقسلا
 دو سال در یک کار باقی میگذاشتید و
 یا اینکه اشخاص بی سابقه و لیکر در با
 مقام مدیری وارد اداره نمیکردید و
 اعضای کم رتبه ادارات را برای
 اطاعت صرف و همدستی با خودتان بدون

طی در چات بمقامات عالیها ارتقاء نمی
دادند که باعث انزجار و دلزدگی
همقطاران آنها گشته مجبور شو بد برای
یک ارتقاء بيمو رد چندین ارتقاء بی
مورد دیگر را اجازه بد هید یا بافرایش
حقوق آنها بی محل سکونت سایرین را
خریداری نمایند و دسته دیگر را که
با این وسایل بتزانید ساخت کنید به
کناره جوئی مجبور و باخذ حقوق تقاعدی
و مواجب تو مانى يکتومان متقاعد و
خرج دولت را زیاده و بار ملت را
سنگین و کار مصادر امور آتیه را
مشکل کنید

مدیرانی طرز گسرداندن
کار ترتیب دفتر و آرشیه و دو سیه و
کارتن ساعات کار و نظامات کاری بر و
تنظیمات اداری را خوب میدانند و وطن
پرستی و فداکاری هم دارند چنانکه
خودتان نوشته اید صورت ظاهر را
خیلی خوب ساخته و پرداخته است مدیر
ایرانی بواسطه آشنا بودن با خلاق و
عادات و سوابق امور از هر معلم
خارجی بی نیاز بلکه از تمام آنها زبر
دست تر و معلوماش کامل تر است اما

چند روز از خراب کار یهای شما چکونه
جلو گیری نماید
مدیرانی طرز تنظیم بودجه و
موازنه جمع و خرج را آموخته و
خوب میدانند که این همه مواجب تو مانى
يکتومان این همه شریک این همه تعجلات
اداری و اعضای بی مصرف غیر لازم
از یکطرف باعث عدم توافق جمع و
خرج و ورشکستگی دولت و از طرف
دیگر موجب از دیاد مفتخور و تنبل و
هرز کرد و کلاش و از همه بد تر سبب
بی ترتیبی اداراتست ولی با تصویب نامه
های شما که مثل باران و بربك درختان از
چار سمت او را بمبارده میکند چه تدبیری
بیندیشد و با کدام قوه از احکام و
اوامر شما که هر روزه برای اشخاص
بی سابقه و ارتقای اشخاص نالایق میدهید
جلو گیری کند

مدیرانی خوب میدانند که روزنامه
با بد از عایدات خودش اداره شده و
نباید از طرف دولت بان کمکى بشود
ولی با تصویب نامه ای صادره از آن مقام
منبع که از هشتصد تومان تا دو صدت تومان

شهریه بروز نامه نگاران میبخشید تا آنها را با خود همدست کرده افکار یکمالت را مسموم نماید چکنند؟

مدیر ایرانی خوب میدانند اجاره خالصجات بجزو و دمه بدنه بهترین طرز اداره این کار است و اجاره يك بلوك بیگمفر باعث اختلال امر زراعت و موجب خرابی رعیت است ولی با سکناس های مستاجرین کل که بیگمفر تبه در سر خرمن برای اجاره بندی و بیگمفر تبه در زمستان برای گرفتن تخفیف بخرج رفته و از آن مقام مقدس احکام لازم در تقویت آنها صادر میشود چگونه مقامت نماید؟

مدیر ایرانی خوب میدانند اجاره دادن تجدید تریاک چه مضار مادی و معنوی را در بر داشته گذشته از اینکه با این طرز اجاره دولت بعشر نماید و افعی خود هم نمیرسد مقصود مقنن نیز که جلو گیری از استعمال تریاک است باطل و از میان میرود ولی با علمی که بشرکت شخص شما و ... المملک با مستاجرین این عمل دارد و یا اینکه میدانند شما در این معامله یکصد هزار تومان نقد و نسیمه از شرکاء خود یعنی از سایر

مستاجرین رشوه گرفته اید چکنند؟ و در موقع دادن سیصد هزار تومان تخفیف بنفع مستاجرین چگونه برای صرفه دولت پافشاری نماید؟

مدیر ایرانی خوب میدانند که محلی و پارانه و کمک خرج و خانواری افواج قدیم بخود و سر کرده و صاحب منصبان و رؤسای محاسبت قشونی ولایات است و سربازی که ۱۵ سال است احضار نشده دیگر تقاضای شش ماهه محلی نمیکند بلکه صاحب نتیجه هم بواسطه مرور زمان عوض شده فعلا اسم این عنوان هم در همه جا فراموش شده است ولی با تصویب نامه های بی در پی شما در پرداخت این چهار پنج کرویر پول مفت که معلوم نیست جقدر آن بطور غیر مستقیم بکیسه مقامات عالییه میریزد چکنند؟

مدیر ایرانی از طرز انتخابات بخوبی مسبوق و آنقدر قوت نفس دارد که بتهدید و تطمیع از ر و نرفته بر خلاف قانون اقدامی نکند ولی با وکلای فرمایشی که شما می خواهید برای همدستی خود در ایران فروشی تدارک کنید چکنند؟ و با وجود دستور العملهای کتبی و شفاهی و تلگرافات ر مز و

کشف شما بحکام ولایات چگونه از تپیدید
و تطمیع و فشاری که برای تعیین شدن گانندید
های شما بکار می رود جلو گیری نماید

مدیر ایرانی خوب میداند مرد آباد خالصه
که هزار تومان و هزار خروار جمع خالصگی
دارد و از عهده همین جمع هم بزور برمی آید
با این منال دیوانی قیمتی ندارد و گذشته
ازین مجلس شورای ملی هم نظر بطغیان
سالار الدوله امر بضبط آن داده است دیگر
همچو ملکی را که اولاً هیچ ارزش ندارد
ثانیاً اول و آخرش مال دولت است نباید صد
هزار تومان پول داد و برای دولت خرید اما
با طمع شما چکنند که اسلاف شما عمل قروض
ارباب جمشید را که در دوره وزارت خارجه
خودتان بپای دولت قبول کرده بودید بآنک
تسویه کرده ریش دولت را از دست بآنک
بهزار زحمت خلاص میکنند و شما از کار
تسویه شده رسوم میخواهید و چون عمل
با لمره ختم شده و هیچ راهی برای اخذ و
عمل ندارید این موضوع را اختراع کرده
مرد آباد خالصه را که ارباب جمشید خوب
میداند صد دینار ارزش ندارد برای دولت
صد هزار تومان خریداری میکنید و قیمت

واقعی آن را خودتان در وقت میفرمایید
یا بعبارة آخری صد هزار تومان صد بی
ارباب جمشید بدولت بود از مشار الیه وصول
و ضمناً قبایله مرد آباد را هم که هیچ نمی
ارزد مجازاً منتهای صد هزار تومان قیمت قبایله ای
از ارباب میگیرید

قبایله صد هزار تومان را بدولت از صد هزار
تومان را خودتان بحیب میزنید

مرحوم ملا نصر الدین گوسفند مردم
را میدزدید و کوشتش را صدقه میداد از او
پرسیدند مولانا این دیگر چه کاریست؟ گفت
چو اب صدقه با گناه دزدی مساویست در
این میان نه بیه و نه توفیر است ارباب
جمشید می دانست ابتدا صد هزار تومان
بدولت بدهد در عوض مرد آباد خالصه را
داد ولی صد هزار تومان بدهی و واقعی
ارباب بعنوان رسوم توفیر معامله شد
مدیر ایرانی فصل قانون اساسی را
خوب در نظر داشته و میداند «مرجع
عموم تظلمات محاکم عدلیه است و هیچ
حکمی باجز آن نمیرسد مگر وقتی که از
محکمه صلاحیت دال صادر شده باشد» ولی
چکنند که شما برای پوشانیدن سیئات

اعمال خودتان در تشکیل کمیته های
 ترور محاکم خصوصی اختراع کرده
 همدست های قدیمی خود را بجرم همان
 همدستی ها محکوم می کنید سزا است دوسیه
 آنها را می سوزانید و محکومین بد بخت را
 از ترس اینکه میا داد و فریاد کنند
 روز برفی پیش از صبح اعدام می کنید

مدیر ایرانی باینکه نظر بجزو جمع و رقبات وثبت
 فرامین میفرماید بخوبی فرمانهای ساخته می خالصجات
 مازندان را تشخیص بدهد و بدون اینکه مزاحم
 عموم مالاکین بشود انتقالی آن را از
 غیر انتقالی جدا نماید اما چکنند شما و
 در الملک خیال کرده اید تمام املاک
 مازندان را به ثمن بخش از دست ساکنین
 بیرون بیاورید و ارائه فرمان را مستمسک
 کرده و عیث پایی املاک متصرفی چهل
 پنجاه ساله مردم شده امر بضبط آنرا می -
 فرمائید و بد بختها را مجبور می کنید که
 از هستی خود در مقابل طمع شما دست بکشند
 مدیر ایرانی خوب میداند که یکدم
 سید عرب هر قدر دلاور (۱) باشد نظر به
 تا بیعت خارجه که دارد نمیتواند مستخدم

ایران و مخصوصا با وجود بی اطلاعی و
 ناشناختی مفتش سجل احوال باشد ولی
 چکنند که شما برای راپورت نکاری
 خود بوجود او محتاج و ماهی یکصد و
 بیست تومان از مال این مات ضعیف بعنوان
 تقیض سجل احوال باو میخورانید

مدیر ایرانی خوب میداند در سال فراوانی
 کارخان شهر محتاج بکمک مالی دولت
 نیست ولی چکنند شما بخواید خدمت
 کرور از پول فروش ایران بدهاق بلژیکی
 ها بکنید

مدیر ایرانی خوب میداند رشوه گرفتن از
 مامور و مستخدم اجازه چپاول و یقما نیست
 که از مال مات با داده بشود و او چکنند
 که شما در رتبه و برگشتن هر دو بیاید
 سبابت بتوسط ناگراف روز از فرمان
 فرمایان ایالات پول بخواید و همچنین
 جواب رده میشوید آنها را منقصل میشمائید
 مدیر ایرانی خوب میداند که

لازمه انصاف و دروت اینست که از این
 پولهای بی حسابیکه از انگلیسها گرفته
 میشود و قرض آن کردن ملت بیچاره بیمانند
 یکقدری هم صرف خود مات بشود ولی چکنند

که مخارج بیبوده مجال و فرصتی بر ای قبول پیشداد های او نمیدهد و از سایر اصلاحات گذشته مردم همین بگشهر پای تخت را اقلای بتعطیف کوچکها و تعمیر مجاری آبها و روشنائی معبر هادلخوشنمی نماید و تمام اقدامات شما در اینزمینه منحصر باین است که از بعضی خیابانها بتوسط کاری های بلدییه کوت پیچرت سلیمانیه حمل کنید

اگر میخواهیم در این زمینه استعصا کرده تمام خراب کاری های شما را بنویسیم ده یا نوزده هزار بیت میشد فقط محض نمونه با یراد این چند فتره پرداختیم « ۱ »
بیچاره مدیران ایرانی! در جریان کارهای خود در هر روزی چندین مانع در پیشرفت مقاصد مشروع اداره خود از طرف شما می بینند چاره جز سکوت ندارند و اگر دم برزند و را چشمها و ما مور پس

« ۱ » نفر بیاتما ۱۲ بن موضوعات همان مطالبی است که در این رساله بان اشاره شد است مثل این است و بسند مخصوصا خوانسته است همان موضوعات را که در این رساله مدلل داشته است ذکر نمود با شد

خفیه شما که در همه جا و در هر اداره هستند بشما میرسانند و نان آن بد بختها را اجزا میکنند و از همه بدتر شما با کمال وقاحت نتیجه سیئات اعمال خودتان را با آنها نسبت داده آنها را در بیائیه خود بی گفایت هم میخوانند!

اما راجع بتعلیم و تعلم عنا صر مستعد ایرانی در زیر دست معلمین کار آزمودم که این موضوع را با آب و تاب تمام و محسنات کلام ذکر فرموده اید مادر جانی خود گفتیم که اروپائی ها از حیث اصول و قواعد طرز اداری چیزی ندارند که بمدیران ایرانی بیاموزند بلکه مدبران امور مملکت خود دارند بر ای تطبیق اصل و قوا اند یا موارد مخصوصه از آنها بدتر و بر ای اداره این مملکت مناسبت ترند مگر اینکه بنرمانید من وجود آنرا را بر ای چلر گیری خراب کاری های شخصی خود لازم دید انم در خصوص وعده ضمنی که بکارکنان فعلی ادارات میدهید که آنها زیر دست مستشاران خارجه تربیت شده و بعد هادر کار خود مستقل خواهند گشت با ید بگوئیم دل حوشی بی اساسیت که

با آنها داده آمد و بر عکس این مدبران
ایرانی هستند که باید در تجربه اموز کردن
مستشار های خارجی و راهنمایی با آنها در
یکدیگر سابقه کرده بزودی شاگرد های
خود یعنی مستشار های خارجی را بمناسبت
مملکتی بصیر نمایند و بلا فاصله اداره
را و دایع گفته جای خود را به آنها
و اگذارند و دیگر رنگ هیچ اداره را
نبینند

در اینجا بی مناسبت نیست که يك سؤال
از شما نموده بجمله دیگر بیافیه بپردازیم
و آن اینست که خاک ایران که مدیران
و کارکنان درجه دوم و سومش آنقدر بی
کفایت و نادان هستند که بعد از دوازده
سال با زهم محتاج به معلمین خارجی میباشدند
آیا چه شده است که همان بی کفایت ها
و نادان ها با این سرعت بمقام وزارت
میرسند و آب و هوا آنیکه ایفقدن و زراعی
لابق و قابل در دو با اختصاص مثل شما
دایمه شوق و پهلو ان سیاست میور و راندند
چگونه است ار عهده پرورش مدیر و معاون
و منشی و ثبات بپرون نمایند ؟
میفویسید « بلایند اجه معلوم و مسلم »
« بود که مسالعت مالی که با دولت ایران »

« میشد و اثرات آنی و موقتی خود را »
« میبخشید و با مضر آتی که داشت صرف »
« نظر از آن ممکن نبود مانند مخدریکه »
« در تسکین فوری درد مؤثر و لئی در دفع »
« مرض بی اثر بود نمیتوانست دوی دائمی
مملکت و موجب شفای قطعی باشد و تغییر
« زندگانی اساسی و دائمی مملکت و »
تزلزل کند کانی روز مره و بی اساس هر روزه
« بصورتی و در تحت حادثه لزوم غیر قابل
« انکار خود را ثابت مینمود »
منکر نیستیم که اگر ایران میخواست
منابع ثروت خود را در خود را بکار
ببند از ناگزیر بود از سرمایه های خارجی
استمداد کند یعنی سرمایه دار های
خارجی را دعوت نماید تا مطابق اصول
استهلاک سرمایه و ربح در این مملکت
بر راه سازی و سد بندی و جریان آنها
و استخراج معادن و تاسیس کارخانهای
صنعتی قیام نمایند تا هم آنها بطور مشروع
سود سرمایه خود را ببرند و هم دستهای
بیکار مملکت بکار افتاده مردم از آن
استفاده کنند و هم بر عایدات دولت
افزوده شود و بالاخره بعد از استهلاک اصل

و فرغ سرمایه خارجی اصل موسسه هم بر ای
د و لت باقی مانده از تمام عایدی آن
فایده ببرد (۱)

ولی جلب سرمایه خارجی بعقیده ما
بر ای مصرف یومیه و بر کردن کیسه این
و آن و بقول شما بر ای ترک زندگانی روز
مرگ گذشته از اینکه متضمن فایده دولت
و ملت نیست مستلزم خسارات بی حساب
بر ای مملکت خواهد بود

اولا چون پول در دست دولت زیاد
میشود اولیای امور رسم اقتصاد و میانه
روبر از دست داده بهمخارج بیفود
قبام میکنند

ثانیا چون احتیاج ندارند بفکر ازدیاد
عایدی داخلی نبودند سزل است همان
عایدات همواره خود را در دست جمع
آوری نمیکند

ثالثا فرغ و استهلاك اصل سرمایه که

والی بحمد الله حالا با سرمایه های داخلی
و حتی سرمایه دولتی مشغول بکار شده
و روز بروز با قدمهای وسیع پیشرفت حاصل
میکنیم

با پند سال بسال پرداخته شود بهمخارج
خواهد افزوده نتیجه این میشود که اولیای
دولت و حول و حوش آنها چندان صباح
چرخری میکنند چیزی نگذشته که بی
پولی و ورشکستگی چهره عبوس خود را
با قبح مایکون نشان میدهد و احتیاج بقرضه
سنگین تری خود نمائی میکند

گویند شخص مسافری در عرض راه
بمیخانه رسید عربی در آنجا مشغول شرب
و به این شعر مقرر نم بود :

و کاسا شربت عالی لذت و اخیری تداوت منزایها
مسافر از این وضع تعجب کرده از حال

او استفسار نمود معلوم شد بدتیبست در این
محل رحل اقامت انداخته و با همین ترنم
مشغول میکسار بست قضا را پس از چند ماه
در مسافرت دیگر باز به همین میخانه رسید
و از عرب نشانی ندید از حالش پرسید
صاحب میخانه حثت (منزایها بکشتش)

شما دولت ایران را بحال همان عرب
مبتلا ساخته اید که یک دفعه بر ای مخارج
باید قرض کنند و یک دفعه بر ای خرابی که
از قرضه سابق حاصل شده است و این

دعا بهائیه که که شما مقدمات آن را تهیه
 دیده اید مسلما کار این مردم را تمام و
 هستی ایران را بر باد خواهد داد و
 برای اثبات این مدعا ما محتاج به هیچ دلیل
 و اقامه هیچ برهانی نیستیم و شاهدی به
 از گذشته همین دولت ایران نداریم
 دولت ایران در تمام مدت سلطنت
 ناصرالدین شاه با عایدات داخلی خود
 روز می گذرانید یا بقول شما بروز
 زندگانی می کرد. قرض خارجی نداشت و
 فرغ هم نمیداد اگر کم داشت کمتر هم
 خرج میکرد از اوایل سلطنت مظفرالدین
 شاه استقراض خارجی شروع و در عرض مدت
 ۲۳ سال تقریباً صد کروور سرمایه خارجی
 بدست دولت آمد از آن سرمایه بخت دینارش
 بمصرف تکثیر عایدات فرسوده سهل است از
 عایدات معمولی هم بواسطه نبودن احتیاج
 بمرم و زحمتی که بر وصول آن مترتب بود
 صرف نظر شد اینست که هر چه بر مردم این
 مملکت تحمیل و مالیاتهای جدید برقرار
 میشود ابد تفاوتی در فقر دولت حاصل
 نشده روز بروز احتیاج آن باستقراض خارجی
 در افزایش است

گیرم شما نیز صد کروور از انگلیسها گرفته
 قرض ایران را بدو بست کروور با آن نمودند
 و در مدتیکه خودتان رئیس الوزرا
 هستید خرجهای گزاف بخود اجازه دادید
 و بعد از شما هم یک رئیس الوزرا دیگر
 از آن مانده آن یک حفظ ظاهری کرده و هم
 «داوودیه» ای خرید و آباد نمود و پولی در
 بانک گذاشت اصل فرع این قروض
 و در مقابل سابق شده است از کجا باید اداء
 بشود؟ و سالی صد کروور بخرج دولتی که
 بواسطه نداشتن پول خرجی و زبانه هائیکه
 شما بجهت این مملکت چیده اید قیرا با این
 مبلغ خواهد رسید از کدام محل باید برسد؟
 مسلما باز استقراض! و این همان منهای بیانی
 است که دولت ایران از آن خلاصی نداشته
 تمام مردم این مملکت را الی الابد حامل
 انگلیسها خواهد نمود

اینهم در صورتیست که هم بیمانیای جدید
 شما بدون هیچ گریه رقصانی با دولت ایران
 صمیمانه رفتار نمایند اگر صمیمی نبوده و
 بخوانند کارهای شما و اختلاف شما را
 فلج کرده احتیاج دولت ایران را بخود
 زیاد نمایند تمام این پولها برای یک سال

مخارج شما کافی نخواهد بود و دولت ایران را در سال گذشته بترضه جدیدی محتاج خواهند نمود چنانکه در بدو ورود شوستر از یکطرف پنج میلیون با ایران قرض دادند و از طرف دیگر با وجود ضمانتی که در نیا مدن محمد علی میرزا بخاک ایران نموده بودند جلو او را رها کرده بیول و اسلحه آمدند و با ایران روانه اش نمودند و تا آخرین پول استراض تلف نشد شاه مخلوع را مجبور بپایز گشت نکردند.

میگوئید «اوضاع مالیه مملکت پیش از « آنچه بشرح در آید اسف انگیز بود » « مالیه تالی دولت بواسطه کشمکش ها » « و بی نظمی های داخلی و تنازع جنگ » « بین المللی و قحطی و امراض و عوامل » « مهال که دیگر بد رجه صفر رسیده بود » « عایدات گمرکی بواسطه عدم امکان » « مبادلات تجارتهی از میان رفته تهیه » « اسلحه و مهمات برای تنظیمات و تجدید » « قوای تأمینیه غیر مقدور و برای شروع » « بهر اصلاح و استفاده از هر وضع و » « علاج هر خطری مراجعه بسرمایه خارجی » « وسیله و شرط منحصر بنظر میامد »

سا بقا در محل های خود کاملاً ثابت کرده ایم که در ابتدا ای ریاست وزیرای شما قحطی و امراض با لمره از این مملکت زایل شده و جنگهای بین المللی هم در این وقت زیان فعلی بمملکت ما وارد نمی آورد رجب علی و جعفر قلی و رضای جوزانی و نایب حسین کاشی که شما وجود آنها را کشمکش های داخلی موسوم سا ختمه آید نیز هیچ تعرضی بمالیات نداشتند و عوامل بلکه دیگری هم وجود نداشتند موقوع ریاست شما با خرمن پر حاصل و حاصل پر قیمتی تصادف کرد و برای وصول مالیات ابتدا اشکالی در کار نبود حتی ما مورین مالیه بقایای سال گذشته را که بواسطه قحطی و ناخوشی و جنگهای بین المللی لا وصول مانده بود نیز وصول کردند پس شما گذشته از اینکه از مالیات همان سال استفاده کرده آید از مالیات سالهای قبل هم مستفید شده و نتیجه سختی ها میبکد اسلاف شما برده بودند عاید شما شد ما نمیدانیم اسم انگیزی مالیه دولت از چه حیث و برای چه مالیات ها بد رجه صفر رسیده بوده است ؟ اما راجع به ایدات گمرکی همه

گس میدهد آمد که هیچوقت این عایدات محل مصارف عمومی دولت نبوده که از کسر و نکت آن ضرری متوجه اعمال چرخهای دولتی بشود بلکه این عایدات محل قروض بوده که هرچه وصول میشده برای استهلاك اصل و فرغ دیون عمومی دولت بمانند های دولتین میرسیده است منتها بعد از شروع جنگ دولت ایران با دولتین قرار گذاشت که مرقتا یعنی تا زمان ختم جنگ و راه افتادن دادوستد بین المللی تادیه اصل و فرغ قروض خود را بقایا خیر انداخته از تمام عایدات گمرکی خود استفاده کند و دولتین هم نظر بصرفه که در گرفتن قران از گمرکات و دادن لیره چهار تومانی در بیست و دو سه قران داشتند را ضعیف با این امر شدند و باز در جای خود گفتیم که کابینه های قبل از شما برای اینکه لیره را در بیست و دو سه قران نکرده و در شش تومان پس بدهند از گرفتن این پول صرف نظر کردند

اگرچه ما شاء الله تمام آنچه در موضوع کسر و نکت مالیات نوشته اید بی اساس و غالب آنها را جمع بکا بینه های قبل از شما است که در اینجا بخود نسبت داده اید و لولی

گسر عایدات گمرکی دعوی با لمره باطل و چیزیست که کابینه های قبل از شما بلکه هیچ کابینه از آن استفاده نکرده که شما بقاعده استصحاب آن را هم داخل در سایر ادعا های خود در این موضوع بکنید

اینجاست که باز میخواهیم يك سؤال از شما بکنیم و آن اینست که اسلاف شما یادار آمد خود مملکت با وجود قحطی و تنگی و ناخوشی چهارده ماه مملکت را اداره کرده و از اقساط مور اتوریم هم بهمان نظر سابقه الذاکر محروم بوده و نان را بنصف قیمت به مردم دادند و لولی شما در سال پر حاصل و حاصل پر قیمت هم از قیمت جنس استفاد کرده کردید و هم نان را یکربع کردید و مردم فروختید و گذشته از مالیات های دوره خود مالیات عقب افتاده دوره آنها را نیز گرفتید ایندیه تفاوت برای حقوق سه چهار هزار نفر که شما بر عده ژاندارم افروده اید کافی نبود که مدت یکسال و چند ماه ریاست خود داشته کردید و بعنوان پیش قسط استقر اضار بانک انگلیس دریافت داشته با فرغ صدی هفت گردن این ملت فزیر گذاشته اید؟

میگوئید «تبدیل سیاست دنیا در نتیجه»

« جنگ بین المللی و طرح خطوط و نقوش »
 « اصلیه در نقشه جغرافیائی عالم (مخصوصاً) »
 « پس از انقلاب و تشنج عظیم روسیه (وسعی) »
 « و تلاش هر یک از قطعات مجاور مملکت »
 « ما برای تقویت و نیرومندی خویش و اتصالات »
 « آنرا بدول قوی تر و نیرومند تر در هر »
 « لحظه درس جدید و نتیجه تازه بود که باید »
 « در تقویت اساس مملکت کوشیده و مزاج »
 « مملکت را برای مقابله با وضعیت و مشکلات »
 « محتمل الوجود حاضر و مبسوط کرد »
 یکی از مزایای جغرافی سیاسی یک
 دولت این است که در اطراف آن دولت
 دول قویه نباشند که اگر بخوانند بد همسایگی
 کرده آن دولت را دچار مشکلات نماید از
 عهده بر نیاید گذشته از این همسایگی با
 دول ضعیفه مسلماً موجب تمایل آنها بسمت
 دولت بزرگتر و مستلزم دفاع این دولت است
 پس تبدیل سیاست دنیا و نتیجه جنگ بین الملل
 و طرح نقوش جدید در خریطه عالم و بخصوص
 انقلاب روسیه پیش آمد خوش و اتفاق مساعدی
 بر ای مملکت ما بوده است که ما را از هم
 جواری دولت بد همسایه قدیم روس نجات

داده و به جواری دول کوچک آذربایجان
 و ارمنستان و ترکستان که با آنها جهت
 جامعه مذهبی و زبانی داریم
 نایل ساخته است. خروج افغانستان از
 تحت انحصار یگی دولت انگلیس و استقلال
 تام و تمام آن دولت هم تقریباً تجزیه دیگری
 است که دولت ایران را در قسمت مهم
 سرحدات خود از همسایگی غیر مستقیم با
 دولت انگلستان رها نموده بخشیده و ما را بدون
 واسطه با دولت هم نزدیک مذهب
 هم زبان کم قدرت تر دیگری همجواری نموده
 است بنا بر این قبل از جنگ ایران با سه
 دولت روس و عثمانی و انگلیس که هر
 سه قوی تر از آن بودند همسایه بود و امروز
 روس و عثمانی از بی کار خود رفته بجای
 آنها دول ارمنستان و آذربایجان در قفقاز و
 ترکستان و افغانستان در شمال و مشرق استقرار
 یافته (۱) و مسلماً همسایگی با سه دولت
 قوی تر مشکل تر از همجواری با یک دولت
 قوی تر و چند دولت ضعیف تر است

﴿ ۱ ﴾ در این وقت هنوز دولت عراق وجود
 نداشت و در حقیقت جزو مملکات انگلیس
 بشمار می آمد .

دول صغار همچو از ما هم سعی و تلاشی
 بر ای اتصال بدول قوی تر و نیرومند تر
 نکرده بلکه آن روزی که شما این قرار داد
 را با دولت انگلیس می بستید هیچیک به
 رسمیت هم شناخته نشده بودند حتی یکی
 از آنها « اوفانستان » خود را از تحت
 قیمومیت صد ساله انگلیس خلاص کرده
 و تمایل آن دولت در هم پیمانی با دولت
 بشویک روس نیز موضوعی است که تازه
 پیش آمده و شاید بزودی هم از بین برود و
 در تاریخی که شما این قرار داد را می
 بستید نه شما بلکه انگلیس ها هم از این پیش
 آمد را پیش بینی نمی کردند

در این صورت تمنا میکنم مشکلات
 محتمل ا لوقوع را بر ای ما تقسیم و به ما
 بفهمانید خطر مملکت را از چه راه تصور
 میفرمودید؟

آیا قوت و قدرت دولت آذر باجان
 ارمنستان و ترکستان را که در آن وقت
 برسمیت شناخته نشده بودند زیرا در آن دولت
 روس میدانستید آیا از طرف دولت افغانستان
 که تازه از جنگ خلاص شده و شاید با مید
 هم گیشان خود با دولت انگلیس بهم زده بود
 و حتمی داشتید

تمام دلخوشی ها بی این مملکت بعد از آن
 همه خانه خرابی ها و زحمات این جنگ
 عالم سوز این بود که از شدت دولت بد مملکت
 بد همسایه خشن روسیه قدیم خلاص و با دول
 صغار کم وسعت کم جمعیت هم نژاد همکیش
 هم جو از شده اند و شما همین مزیت و همین
 اتفاق مساعد را که شاید هزار سال دیگر
 بر ای ایرانی ها رخ ندهد وسیله ای را آن
 کشتی خود قرار داده سهاست آن قدر کردن
 هستاید یا مردم را جاهل فرض میکنید که
 در بیایه خورد با آنها رات مقرر هم مرقوم
 میفرمائید!

مینویسید « با لجماله بطوری که در فوق »
 « ذکر شد احتیاج مملکت از حیث توسل »
 « بکمکهای فنی و مالی خارجی محل شنبه و »
 « تردید نبود فقط سخن در اینجا بود که »
 « این کمکهای فنی و مالی ضروری از کدام »
 « منبع خارجی تحصیل شود که شرط »
 « اصلی ممکن بودن و عملی بودن را دارا »
 « بوده و نفی آن با استزلال مملکت مشکوک »
 « نباشد »

ما عدم احتیاج دولت ایران را بکمک
 فنی و مالیین محتمل نبودن آن را بکمک

مالی بر ای مصارف عایدی دولتی در جاهای
خود با برهان ثابت کرده و برای شاهد این
مدعا کابینه های قبل از شما را نشان داده
و کرا را نوشته ایم که آنرا با وجود قحطی
و ناخوشی مملکت را با درآمد خود مملکت
اداره میکردند آنرا اگر بنگرئید قوای تأمینیه
قبل از ریاست شما پیش از سه هزار نفر
نبرده و حالیه بشش هفت هزار نفر بالغ شده
است بشما میگرئیم که دوره هم بود که قوای
ژاندارمری ایران به هجده هزار نفر
رسیده و بختیاری ها هم حقوق دوسه هزار
نفر سوار از دوات میگرفتند و با وجود این
مملکت تقریباً با عایدی خود اداره میشد و
هرگاه بفرمائید در آئینه خیال داریم سی هزار
قشون بگیریم چو ایش ایست که دولت همیشه
بقدر مخارج این سی هزار قشون به مصرف
محلای سرباز و افواج حاضر خدمت و چریک
و قرا سواران و سوار حکومتی میرسانند باور
ندارید بحساب یگساله این مصارف ملاحظه
نمائید تا مطلب بخوبی بر خود شما هم واضح
شود و مسلماً هر قدر از این قشون منظم را
که عیال آنها در عالم خیال است تحت سلاح
بیاورید بهمان اندازه باید از این مخارج

بیهوده بکاهید
با اینکه در اینموضوع دفع دخل مقدر
شما را نموده جواب از سؤال مضمیر را
قبض داده ایم مع هذا دولت اینرا همیشه
دیوانه فرض کرده و تصور مینمائیم که
با داشتن همه کوه نه ما مور و مستخدم
داخلی و نداشتن هیچگونه احتیاج برای
مصارف اداری خود با استقرار خارج
میخواهد از خارجه مستشار بیاید و رد یا
پول قرض کرده در راه مخارجی که
شما کرده و میکنید بمصرف برسانند در
این صورت جواب سؤال شما را که
« این کمک های فنی و مالی از کدام
منبع خارجی تحصیل شود » که شرایط
امکان و عمل را داده بودیم و قیمت آن
با استقلال مملکت مشکوک نباشد؟ می
گوئیم اگر پول و مستشار مالیه را از
امریکا و مستشار های امنیه و نظمی و قشون
را از سوئد و مستشار عدلیه را از فرانسه
میخواهستید و امتیاز راه آهن و معدنی
و صنعتی را بر ای رعایت سابقه و حق هم
جواری با نکلیس میدادید آیا امکان
نداشت یا عملی نبود یا با استقلال این

های شمار او واضح مینماید
 دولت ایران بعد از مشروطیت
 تقریباً بلافاصله دچار معاهده ۱۹۰۷ بین
 دو لیتین روس و انگلیس شد این معاهده
 صورتاً این مملکت را بدو منطقه نمود در
 شمال و جنوب و یک منطقه بی طرف در
 مرکز تقسیم کرده و چون معاهده ای
 بود که دو لیتین بین خود منعقد داشته بودند
 برای ایران مخصوصاً بعد از جوا بیکه
 دولت در موقع اعلان این معاهده به
 سفارتین فرستاده هیچ گونه ضمانتی و
 هیچ نوع تعهدی حاصل نمیداد از نقطه
 نظر استلال داخلی در تمام نقاط مملکت
 فرمانروایی داشت و در روابط
 خارجی خود نیز با لمره آزاد بود از
 هر کس میخواست پول قرض میکرد و از
 هر ملتی اراده اش تعلق میکرد مستشار
 و معلم استخدا می نمود فشار دو لیتین
 در قضیه شوستروالتیما توم روس و
 قبول آن از طرف شما جلب مستشار
 خارجی را با جازه دو لیتین منوط نمود
 و باز بکینا نیکه در خدمت دولت ایران
 و متصدی کمرک بودند بار ضایت ضمنی

دل گرفتند و تا موقع فراغت (سیزدهم
 ذی قعدة) احدیر از راز درونی خود
 مستحضر نساختند

مینویسید « هیئت دولت که مسئول
 « مقدرات مملکت بود مجبور بود نظر
 « خود را بحقیقت و واقعیات محدود
 « کرده از احساسات و او هام تحقیق
 « ناپدید دوری جستجو متعاقب تجاربیات
 « ده ساله و تشبیه تمام وسائل متصوره
 « و بالاخره عقیم ماندن نقشه های احساس
 « و تنایج و خیمی که از آن حاصل گردید
 « غیر از خرد و دانش ها دی دیگری
 « برای خود نپدید »

ما نمیدانیم مسئولیت شما در نزد
 کیست ؟ در نزد ملت ؟ ! یعنی همان یکمشت
 مردمیکه برای نیل شما بمقام ریاست به
 مساجد و مشاهد مشرفه رفته و بعد از
 عقد قرار داد جز هفت هشت نفر منفعت
 پرست باقی آنها هم از شما تبری میجویند
 ؟ در نزد پادشاه ؟ ! که در وقعه فرمان
 فرمائی خراسان حشمت و شریکت او را
 شکسته سهل است خیال داشتید بسویله
 کنتفرانس در مد رسه تدین کار را به

جا های نازک تر برسانید و امر و زهم
 برای پیشرفت کار خود از تاج و تختش
 دور کرده با او ضاع مشکمی که برای
 او فراهم آورده اید روی دراجت
 بمملکت خود در اندازد سهل است در
 موقعی هم که مصمم بر اجعت میشود
 توسط تلگراف فرزندش ازاده نعرت
 الدوله و اقدامات در سفارت انگلیس
 از تشریف فرمائی ذات ماو که نه مانع
 میشود ؟

شما کلمات حقایق و واقعیات را نسبت
 بمقایس خود و احساسات و اوام را نسبت
 بمقایس سایرین در این بیانیه خیلی استعمال
 فرموده اید در این باب شمارا ملوم نمیدانیم
 زیرا بکار انداختن کلمات قشنگ برای
 پیشرفت دادن اعمال سوء و ایراد ادله سوفسطائی
 و تویجت و انتراد در مقابل برهان خلی نپذیر
 منطقی مرسوم همه دسیسه کارهای عالم است
 ولی میخواهیم از شما خواهش کنیم **==**
 در حال حاضر دنیا دقت نمودن ببینید آیا
 مللی که از حیث قوای مادی و معنوی و بقول
 شما احتیاجات فنی و مالی و زندگی و

شهرت بین المللی و توانست جزایر قیاسی و
 ملاحظات حساسی و سایر حیوانات مغز
 و نافع مثل ما یا پست تر از ما باشند و خود
 د ارد یا خیر ؟ آیا زمام داران این عالم مثل
 شما نقشه های با صراحت را احساسات و
 اوام تحقق نماید پذیر قلم دادند و نظریات
 خود را در مملکت فروشی حقایق و واقعیات
 موسوم و ممالک را **==** است بسته ببنداسا به
 و ا گذاشته اند ؟؟

با وجود ولای آزادی عالم صغار که در
 کل دنیا بیچیده است و مال ضعیفه که در هر دور
 از ادوار عالم هویت و استقلال نداشته
 اند از تحت قیمومت و رقیبت بزرگتر بین دول
 عالم خلاصی نمیباید آیا حق ندارند از
 بیملوان سیاست و دادیه شرق خود برسیم که
 کدام قول و قرار و کدام سلفیه و احتیاج داریم
 و با لاخره کدام وضعیت بدتر شما را با این
 ایران کشی **==** اسم آنرا حقایق و
 واقعیات گذاشته اید و ادا نمود ؟
 از مال ضعیفه تازه آزاد اروپا که دولت
 امریک از آن طرف دنیا برای همیشه روزانه
 آنها آذوقه میفرستند میگذاییم و از آن نسبتن
 که در مدت پنجاه سال سابقه جزا رسیده

هزار تومان از انگلیس پول مجانی گرفته
و امروز استیلای صد ساله آن دولت را
ابطال و خود را از لگگی آند و لت خلاص
کرد. سخن بمیان نمی آوریم فقط دولت
آذر با بجان قفتار را شاه قرار می
دهیم که از حیث جمعیت و خاک بقدر
یکی از ایالات ایران نیست همسایگی
آن دولت با ایران مستان و کینه دیرینه
این دولت با یکدیگر و همجواری با
دولت بالشویک روسیه دو خطر مبهمی
است که استقلال و رفاه آند دولت را
همیشه تهدید می نماید فقر مالی آن بدرجه
ایست که در مدت بیست ماهه حیات سیاسی
خرد صد ملیون (بن) مصارف داشته و
عایدی آن بجهت بیست و نه ملیون
نیو ده است احتیاج ملتی هم که تاکنون
هیچ حکومت نگردیده بمستشار و معام
خارجی در جای خرد ثابت و از جمله
بدیایات است بهیچ دریای آزادی
هم راه ندارد از اضی آن نیز چند ان
حاصل خیز نبوده فقط نطقه آنگاه و آنجا
مایه توکل و یکانه راه امید آن معادن فقط
با د کوبه وسی جهل فرسخ راه آهن

بیوده بکا هید

با اینکه در اینموضوع دفع دخل مقدر
شمارا نموده جواب از سؤال مضمرا
نیز داده ایم مع هذا دولت ایران همیشه
دیوانه فرض کرده و تصور مینماید که
با داشتن همه کونه مامور و مستخدم
داخلی و ند اشتن هیچگونه احتیاج برای
مصارف اداری خود با استقرار خارج
میخواهد از خارج مستشار بیاورد یا
پول فرض کرده در راه مخارجی که
شمار کرده و میکنند بمصرف برسانند در
این صورت جواب سؤال شما را که
« این کمک های فنی و مالی از کدام
منبع خارجی تحصیل شود که شرایط
امکان و عمل را دارا بوده موافقت آن
با استقلال مملکت مشکوک نباشد؟ » می
گوئیم اگر پول و مستشار مالیه را از
امریکا و مستشار های امنیه و نظمیه و قشون
را از سوئد و مستشار عدلیه را از فرانسه
میخواهستید و امتیاز راه آهن و معدنی
و صنعتی را بر ای رعایت سابقه و حق هم
جواری با انگلیس میدادید آیا امکان
نداشت یا عملی نبود یا با استقلال این

های شمارا واضح مینماید
 دولت ایران بعد از مشروطیت
 تقریباً بلافاصله دچار معاهده ۱۹۰۷ بین
 دو لیتین روس و انگلیس شد این معاهده
 صورتاً این مملکت را بدو منطقه تفویض در
 شمال و جنوب و یک منطقه بی طرف در
 مرکز تقسیم کرده و چون معاهده ای
 بود که دو لیتین بین خود منعقد داشته بودند
 بر ای ایران مخصوصاً بعد از جوا بیگانه
 دولت در موقع اعلان این معاهده به
 سفارتین فرستاده هیچگونه ضامنیتی و
 هیچ نوع تعهدی حاصل نمی نمود از نقطه
 نظر استقلال داخلی در تمام نقاط مملکت
 فرمانروائی داشت و در روابط
 خارجی خود نیز با لمره آزاد بود از
 هر کس میخواست پول قرض بگیرد و از
 هر ملتی اراده اش تعلق میگرفت مستشار
 و معلم استخدام می نمود فشار دو لیتین
 در قضیه شوستر و التیما توم روس و
 قبول آن از طرف شما جلب مستشار
 خارجی را با جازاه دو لیتین منوط نمود
 و باژیکها نیکه در خدمت دولت ایران
 و متصدی کمراک بودند با رضایت ضمنی

دو لیتین و همراهیهای شما و ناصرالملک
 بجای امریکائیها برقرار شدند در این
 واقعه اگر چه ایران اختیار تام و تمام
 انتخاب ملیت مستشار خارجه را از
 دست داد ولی در نیاوردن مستشار
 جدید آزاد بوده سوئدیها در ژاندار
 مری و نظمی و بلژیکها در مالیه و کمراک
 باقی ماندند

جنگ های بین المللی و مشافله دو لیتین
 فرصتی بایرانیها داده در همان روز
 های اولیه مالیه مملکت را از دست
 بلژیکها که از قدیم الایام خود را بدست
 نشاندگی دو لیتین بخصوص دولت روس
 معرفی کرده بودند خارج نمودند و
 این خود قلم و سیعی بود که بسمت آزادی
 مملکت از قید مستخدمین خارجه و دست
 نشاندگی دو لیتین برداشته شد

در حین جنگ هم موضوع اتحاد
 و انقطاع ایران با طرفین مخاصمه خیلی
 خیال دولت و ملت را متوجه خود ساخت
 ولی بالاخره دولت در حال بی طرفی
 که از ابتدای جنگ خط مشی خود قرار
 داده بود باقی ماند مداخله افرادی

خود را بر اینها بنماید هم کیشان
خود در جنگ بر ضد متفقین که شما در
بیانیه های خویش کناره بزرگ زمامداران
آن دوره و انمود می کنید اقدامات
با لمره شخصی بوده و ابتدا ر بطی به
هیئت دولت نداشته است و این کار در
عالم سوابق و ششوی حسابی دارد و
هیچوقت هیچ دولتی نتوانسته است مداخلات
افراد بی دولت خود را در جنگ های بین
دولت دیگر مانع شود

اقداماتی که دولت ایران در این
ده ساله بر ای دفاع حیثیت استقلالی
خود بعمل آورده همین چند فقره بوده
است و از غالب آنها هم نتیجه مطلوبی
بدست آورده است مانع از نیم مقصود
شما از نقشه های احساسی که دولت
ایران دنبال آنها رفته و وخامت پاره
آورده چیست و تمام وسائل متصوره
که با آنها تشبث جسته و با لخره عظیم مانده
کدامست؟

شاید در د قمرار داد ۱۹۰۷ را
نقشه احساس دانسته و معتقد هستید که
خوب بود ایران آنها از همان روز اول

بنقشه تقسیم می کرد و لتین کشیدم بودند
ر شما را ضی شده بر ای شمال مستشار
های روسی بر ای جنوب مستشار های
انگلیسی مستخدم میکردند یا اینکه می
خواستید بفرمائید که دولت ایران
بر ای اصلاح مالیه و قوای قایمینه و
نظمیه خود عهت از امریکا و سوئد مستشار
و مشاق و معلم آورده یا چرا بلژیکی
ها را که دست نشانده دولتین بودند
از مداخله در مالیه مملکت منع کرد؟
و این مقامات های جزئی را هم که از
طرف کابینه ها و مقامات ملی بان اقدام
شده است خلاف مصلحت و نقشه های
احساس میبندید؟ در این صورت ما
ناچاریم بگوئیم که این سلیقه در طرز
مملکت داری منحصر بشخص شما است و
سایرین این قبیل اقدامات را نقشه احساس
ندانسته و اگر نتیجه عملی نداشته باشد برای اثبات
هویت ملی لازم میسرند

میگوئید (۱) «در نتیجه این افکار

خو افتند در امتوجه میکنیم که کلمات
او حول این قسمت از بیانیه را در دست در نظر
بگیرند و تا با نطق حیا ط دروغی تطبیق فرمائید

هیئت دوات مطامعات زیا دیر ادراطراف
 « قضیه نمود و تمام طریق را در تحت »
 « نظر و فکر در آورده در نتیجه معتقد به »
 « این عقیده شد که مر اجعه و توسل »
 « بمتخصصین از ملل مختلفه برای مصالح »
 « دولت و مملکت عملی نبود »
 « زیرا علاوه بر احتمال رقابت های »
 « ملی و نژادی ما بین آنان که برای »
 « پیشرفت اصلاحات مضر و نقابج سوء »
 « آن متوجه ما میکرد دید هیچیک از ملل »
 « را در تمهید و ساثل سعادت مملکت »
 « طوری ذی علاقه و ذی نفع نمیکرد »
 « که مساعدتهای مهمی برای ترقیات »
 « فوری و سریع نموده مملکت را از »
 « حالت بدیختی و فلاکت امروزه بطور »
 « مؤثری رها نمی بخشند و علاوه بر اینکه »
 « همان رقابت های اول امر امکان وقوع »
 « آنرا مشکل مینمود بر فرض وقوع »
 « پس از مدتی تجزیه و عمل با تحمل »
 « مضار و آفات مسلمه تاخیر مسئله توحید »
 « سبک اصلاحات مر اجعه بمبیدار و »
 « احد فنی را مخصوصا در باره ادارات »
 « مهمه انرا مینمیکرد »
 « نا توجه بنکالت فوق و تحت نظر آوردن

« حقایق ووضیات داخلی و خارجی را جمعاً »
 « بدولت دیگر غیر از انگلستان علاوه بر اینکه »
 « باسوابق مساعدتها واطمینان قطعی »
 « در ضمن مذاکرات از نظر مساعد آندوات »
 « بحسن استقبال و آتیه ایران حاصل گردید »
 « اقتضای اشت شرایط امکان و اعمالی بودن »
 « را فاقد بود »
 « بنا بر ملاحظاتی فوق هیئت دوات »
 « در ضمن ایفای وظایف روزانه و استقرار »
 « نظام و تهیه وجبات آسایش ادالی از نقطه »
 « نظر تعیین خط مشی سیاسی دولت و رونق »
 « کردن این تکلیف از مذاکره با دولت »
 « انگلستان در تائید آتیه مملکت خود داری »
 « نمود »
 « چندی ازینبار که جنگ گذشته بود »
 « که در این سال «از آبی با و آبمای »
 « دوات معظم لیا مذاکرات بدین آمد و در »
 « این مذاکرات تمام شرایط اصلاح مملکت »
 « رعایت و در نتیجه تها دل نظریات و اقدامات »
 « که هیئت چندین ماه طول کشیده قرار داد »
 « ها می با موافقت طرفین مقرر گردیده »
 « شایلاتان مسافری در شب زیستان بدی »
 « رسید به هر دری زد منزل بدست نیامورد

ناچار بامید پیش آمد؛ قری در گو شه ای
 ایستاد جوان روستائی را دید که در
 کوچه ها متفکرانه گردش میکنند پیش
 آمد و پس از مدتی سلام و علیک از
 سبب تنگنای او سؤال کرد و ستمائی گفت
 فر داد این ده عروسی است من از
 جمله مدعوینم لباس فاخری که شایسته
 مجالس باشد ندارم يك قدك در خانه
 موجود و از نم نیز دو زنده جلد کار بست
 و لئی کسیکه دست برش داشته باشد پیدا
 نمیکنم شما را تان بلا تامل گفت من خیاط
 شهرم و از عهد این خدمت بخوبی بر
 میآیم چون از این تصادف بی نهایت خوش
 وقت شده او را بخانه برده از شرایط
 پذیرائی دقیقه ای فرودگاه از تنگنای
 و بعد از صرف غدا قدك و قیچی را روی
 کرسی گذاشت

مسا فرما که پدرش هم با اهل برش
 در يك مسجد نماز نخوانده بلکه جدش
 در مر و (۱) يك دکان خیاطی ترا

﴿ ۱ ﴾ کرد به شکستی است که دولت ایران در
 دزمو خور در مجلس اوزار از این جنک
 رئیس قتلین بود و سوء تدبیر او مورت بن شکست

آنش زده بود چند دقیقه قدك را از سر
 تا ته لا بلا باز کرده دو باره پیچید
 و در هر تکرار عملی لاجول گفت و بر شیطان
 لعنت فرستاد آخر الامر قدك را بساز
 کردم از عرض میان طاقه قیچی گذاشت
 و سپس با دو دست از دو طرف آن چسبیده
 با عجله تمام قدك را سر اسر بدو نیم کرد
 و فر دمیز باناندا ختمه گفت: « در نتیجه »
 « افکار را جمع بیهش این قدك مطالعات »
 « زیاده را در اطراف قضیه نموده »
 « و تمام دایره برش را در تحت نظر و »
 « فکر در آورده در نتیجه معتقد باین »
 « عقیده شدم که بریدن این قدك بشکل »
 « قبا برای مصالح شما عملی نبود »

« زیر اعلا و بر ساه و ور و شن »
 « هائی که بواسطه اختلاف سر و ته »
 « توپ قدك در بعضی از قطعات برش »
 « حاصل شده و برای پیشرفت دوخت »

شده است و شدت هزار نفر فشان ایران را در مقال
 يك هشت ترکمن های آخال تکه تلف نمود در یکی
 از حواشی که بقلم خود نوشته و جزء رساله است
 در ضمن شرح طرز انتخاب برادر رئیس الوزراء
 نیز باین موضوع اشاره شده است

« قبا و حاضر شدن آن بر ای مجلس »
 « عروسی فردا مضر و نتایج سوء آن »
 « متوجه شما میگردید خیاطر اهرم در »
 « توبه و مسائل بهم انداختن قطعات »
 « برش طور ری ذی علاقه و ذی نفع نمی »
 « کرد که مساعده تری مهمی برای درز »
 « بندی سر برع آنها بعمل آورد، **سکار** »
 « دوخت قبا را بطرز مؤثری پیش ببرد »
 « و علاوه بر اینکه همان حصول سایه »
 « و روشن در اول امر چشمهای خیاط »
 « را خیره کرده امکان دوخت را مشکل »
 « مینمود بر فرض اتمام هم پس از مدتی »
 « دوختن و شکافتن با تحمل مضار و آفات »
 « مسلمه تا خیر مسئله و وقوع مهر قدک در »
 « پشت سر و مخصوصاً قدری پائین تر »
 « از شال بند شما که مسلماً مایه سخریه »
 « و استهزاء در مجالس فردا بود صرف »
 « نظر کردن از برش قبا و مراجعه به »
 « لباس دیگر را الزام میگرد »
 « با توجه بنکات فوق و تحت نظر آوردن »
 « حقایق تار و پود و رنگ قدک مراجعه »
 « بلباس دیگر غیر از شال علاوه بر اینکه »
 « با سوابق اطلاعات من در خیاطی »

« و اطمانیکه در ضمن ملا حظات سر و »
 « ته توپ از مناسبت این قدک برای »
 « شال حاصل گردید اقتضای انداخت »
 « شرط امکان و عملی بودن را نیز فاقد »
 « بود بنا بر ملا حظات فوق من در ضمن »
 « ایفای وظایف برش خود و پهن »
 « کردن قدک بر روی کرسی و تهیه »
 « موجبات بیچیدن و باز کردن از نقطه نظر »
 « تعیین عاقبت کار این قدک و روشن »
 « کردن خیال شما برای لباس مجلس فردا »
 « از پارچه **سکار** قدک بند و قسمت »
 « برای تدارک شال خود داری نمودم (۱) »
 « با امید اده معلوم است پس از انجام »
 « این مهم خدمت مرا تقدیر **سکرده** »
 « بدو نداشتیم و خود پرستی و یا تعلل »
 « و لافیدی و یا چین و بددلی در تدارک »
 « و تهیه لوازم دوخت بطریق **سکه** »

﴿ ۱ ﴾ تا اینجا بیانات خیاط جعلی با آنچه
 سابقاً از بیابیه در این مورد نوشته شده مطابقت میکند
 و از آنجا بحد اشاره بیابیه قی بیابیه است که آنچه
 مناسب با مقام بود است از قول خیاط مزبور
 بطور اقتباس و اقتضای ابراز شده و منتهای صنعت را
 نویسنده او در مطابقت بکار برد است .

« حقایق فن خیاطی ایجاب مینماید از
 « منزل گرم و چراغ و سوزن و خیاطه
 « و مووم و انگشتانه قیام نموده بر ای
 « اتمام کار در موقع مناسب باهل خانه
 « تا کیمت بلیغه فرموده و مخصوصا
 « سفارش نمایند که در دوختن سر و ته دو
 « قطعه برش بیکدیگر از ملاخطه دقیق
 « افتادن مهر قدک بسر و ته شال که
 « بر ای بهبودیت و خوش آیندی این
 « لباس از لوازم اولیه و لابد منه است
 « خود داری نماید
 « در ضمن از ذکر این نکته نباید خود
 « داری نمایم که این برش با لذات
 « هر عیب و نقصی را فاقد و اصول
 « موجبات خوش آیندی را داراست
 « لیکن بدیهی است شرط استفاذه شما
 « از آن بوسیله حسن سوزن زنی و
 « دوخت بتوسط اهل خبره و شخص بصیر
 « بحقایق و ضعیفات فن خیاطی است
 « زیرا بهترین برشها اگر مورد
 « بدی دوخت واقع شود دستهای کثیف
 « نالایق ما موربهم انداختن آن گردد
 « در چنین صورتی نقص و کمال برش

« و یا عیب و حسن آن بالسویه خواهد بود
 « و شخصی که اهل بخیه و دو زنده واقف
 « بن خیاطی بمناسبت وقت و زمان نداشته
 « باشد یا نخواهد تحصیل کنند از هیچ
 « برشی استفاذه نخواهد کرد و بطریق
 « اولی فقدان برش و ماندن طاقه قدک
 « در صندوق هیچوقت آبروی او را
 « در مجلس عروسی حفظ نمیکند
 « امیدوارم نتایج حسنه این
 « موفقیت منظور نظر حق شناس عموم
 « افراد خانه و ادمه شما شده بهترین مزد
 « خدمات و فداکاریهای این جانب
 « که ظهورشان وشکوه و جلال شما در
 « مجلس عروسی فرداست هر چه زود
 « تر مشهود گردد و این شال در این
 « سردای زمستان گرمی و حرارت
 « پوستین را بپوشان شما داده خوشی
 « قوارکی و بودی و ضعیفات و سعادت
 « منی شما را در انظار جلوه گر سازد
 « پس از ایراد این خطابه مسافر ما
 « تا آخر خره زیر کرسی چپیده لحاف
 « بر سر کشیده و در ضمن دهن دره ممتدی گفت

« حقد ر خواریم میا بد ! ا رفیق شب شما »

(۱) « بخیر »

تمثیل و مطایبه ما تمام شد و لی
قبل از اینک که برای رد این قسمت از
بیانیه شما وارد استدلال و برهان شویم
یک سؤال از شما داریم شما که « مطالعات
زیادی در اطراف قضیه نموده و تمام
طریق را تحت نظر در آوردید
چرا با این عقیده که ایران را
بحال استقلال خود باقی گذاشته و سایر
سعادت و ترقی آنرا فراهم آورید
معتقد نشدید؟ و تمام افکارتان در اطراف
قضایائی دور زده است که بیش و کم
فرمانروائی و استقلال تام و تمام ایران
را محدود و مینماید و از میان تمام آنها چرا آنچه
منافع آن برای ایران از همه کمتر و مضار
استقلال و اقتصاد آن برای این
مملکت از همه بیشتر است انتخاب

۱) اشاره با خرد کار است که از کار
کنار کرده و بفرک مهاجرت خواهد کرد و این
پیش گویی نو پسند خیالی قابل ملاحظه است

کرده ایم در جای خود ثابت کرده ایم
که ایران هیچ احتیاجی به مشاور و معلم
نداشت اگر شما هم بکفایتی فکر خود
را در اطراف این قضیه جوان دیدارید
که بدون توسل به مشاوران خارجی و
واگذاشتن عملیات برحم و مروت و
انصاف آنها که را بر از را بر انجام
برسانید بهتر نبود؟

مطابق تجربه گذشته ما از این
همه مشاوران خارجی که برای این
مملکت از دهل مختلفه اجیر کرده ایم
تاکنون هیچ فایده نبرده ایم یابنی کفایت
بوده برای اداره خود کاری نکرده
و موجب کزاف آنرا را بهبود داده
نموده ایم یا زرنک و زبردست بوده
جز پیشرفت دادن پاتک خارجه و اضلال
قوای داخله و پیر کردن کیسه خود
برای ماکاری صورت نداده اند و
اگر بعضی از آنها وظیفه شناس بوده
خواستند بر این مملکت کاری
انجام دهند بهمین جهت گرفتار توید
و فشار حتی اولتیمانم همسایه شده

از کار کناره جوئی نموده اند
 از لجاجت و استبداد رای شوستر
 و حساب ندادن مر ناز و ضدیت های
 رؤسای قزاق و تهر داد و ال و فرمان
 فر ما آنها و خیانت های بلژیکها در کمرک
 و پست و مالیه و خود سر بهای نیو در
 تلگراف و بی کفایتی ای نیز و و پرفی و دمرنی
 در مالیه و عدلیه و داخله میگذریم و
 دستهای ز ما مداران آن ادوار را
 بقول شما نالایق و آلوده تصور میکنم فقط
 رفقه رملیتر در ازاق و لواشری در ضراب
 خانه را در دوره ز ما مداری شما که
 چشم بد دور دستها پتان پاک و پاکیزه
 و بالیاقت است شاهد قرار میدهم
 آیا هیچ مستخدم ایران را سراغ
 دارید که در عرض هشت ماه هفت کرور
 پول تلف کرده و در مقابل حساب بفرس
 ما زر تمسک جوید و نان گرانی که
 بمر دم خورانده فتح نمایان و حساب
 را محاکمه دانسته بگریزد « فاتح را
 محاکمه نمیکنند » ؟ مدیران ضراب خانه
 ایران را برای تفاوت احتمالی کسر
 گداز تحت تفتیش و محاکمه و محاسبه
 در میاورند و لی موسیو لوشری چون

بلژیک است و رفت و آمدی در سفارت
 ها از در مدت چهار سال تمام در
 آمدن یک معدن ذغال سنگ و کایه عایدی
 ضرابخانه را خورده سهامت مبلغ هنگفتی
 بدون اجازت بحواله خود و بحساب
 دولت از بانک گرفته و هر وقت خواسته
 آید یکمتر مفتش یا محاسب بضرابخانه
 فرستاده در کار او تفتیشی بعمل بیاورد
 راه نداده و حتی یکمتر تبه بیچاره مفتش
 را کت بسته با قزاق های خود تا اسطخیر
 پیاپی داده دوافنده است و امر وز هم که
 با هزار عجز و التماس بمنش انگلیسی
 میخواستند عذر او را بخوانید مجبور
 شده آید تدبیر اندیشی کرده برای
 انصراف موسیو از این شغل در ضراب
 خانه را ببندید که بعد ها با ریاست یگی
 دیگر از ده نظاران او باز کنید (۱)
 با الجمله از اینها میگذریم و با
 شما هم راهی نموده تصور میکنیم که
 ایران واقعا محتاج به مستشاران خارجی

﴿ ۱ ﴾ بعد از چهار ماهه مرو که بولی دبیر
 از باز بستی ها بود رئیس و ضرابخانه براد افناد
 و این جمله نیز یکی از پیشگویی های بوسند است

است و از وجود آنها هیچگونه ضرری
برای دولت و مملکت متصور نبوده و هر
نوع استناد هم از آنها حتمی است باز
استخدام آنها از ملل مختلفه بهتر از توسل
بمیدء واحد آن هم از دولت همسایه
قوی و زیر دست در استعماری مانند
انگلیس است

اولین استدلال شما برای توسل
بمیدء واحد و رد استخدام از ملل
مختلفه مسئله حصول رقابت های مختلفه
است که بین مستخدمین اتفاق می افتد
که ضرر این رقابت را به مملکت زیاده
دانسته اند در صورتیکه مستخدمین
اروپائی در مشرق زمین بخصوص ایران
هیچوقت با هم رقابت نکردند و سببست چون
میدان عملیاتشان خیلی وسیع است نظری
بکارهای یکدیگر نگذاشته مملکت از
سازش آنها بیشتر از رقابتشان خسارت
میکند بلکه اگر دولت بتواند میان آنها
حسن رقابت تولید نماید البته برای پیش
رفت کار بهتر و مناسب تر است و بقدری
این سیاست در همه جا و فردهمه کس
مسلم و طبیعی است که اشخاص نادانی هم

بان تو سل چشمه و بهمین نظر از استخدام
دو نفر نوکر هم شهری وهم ولایتی احتراز
میجویند چه رسد با اینکه تمام خدمه خود
را از اهل یک شهر یا یک ولایت انتخاب
کنند و خود را اگر قمار سازش آنها
نموده با لقرض اگر وقتی با دربان خود
معارضه پیدا کنند چاره نظر ناظر و
آشپز و آبدار و باغبان هم بشوند
اما وحدت اسلوب که در ضمن
تتابع جمل و اضافات دلیل دیگر این
مراجعه بمیداء واحد فنی قرار داده
ایدما شك نداریم که در یک اداره
و یک وزارت خانه وحدت اسلوب شرط
اساسی جریان امور آن اداره است
و هرگاه شعب و دوائر جزء آن اداره
یا وزارت خانه هر یک اسلوبی
جداگانه داشته باشند مسلما مانع پیش
رفت کار و تا حدی سبب بی نظمی خواهد
شد و بالمثل بکارخانه میمانند که هر یک
از ماشینها و چرخهای آن سیستم جدا
گانه داشته باشد و بمخیزه کسی هم نمی
رسد که برای یک وزارت خانه مستشارها
از ملل مختلفه مستخدم شوند

و لی اگر هر وزارت خانه به اسلوب یسکی از دول که در مسائل فنی آن وزارت خانه زیر دست ترند تا سیس و تشکیل و یا اصلاح و ترمیم شود چه عیبی لازم میاید؟ دولت زاین که در خواستن مشاق و معلم این رویه را اتخاذ کرد چه ضرری برد؟ آیا پولی که از وزارت مالیه با اسلوب امریکا بیرون بیاید برای امنیه و نظمیه و قشونی که بطرز سوئد تشکیل یافته باشد رواج نیست؟ هر گاه واقعا تا این اندازه معتقد به وحدت اسلوب هستید پس خوب است در ضمن عقد يك قرار داد و بسیمه صد و ريك بیانیه دیگر فکری هم برای وزیراع و مجلس شورای ملی و سایر مقامات عالیله نموده مقدرات این مملکت را یکسره بکا بینه سن ژام تفویض کنید تا آن وقت و اقامه این ممالکت مانند هند و ستان و جنوب افریقا به وحدت تمامه اسلوب تا مل آمده جان مردم از دست زمام داری مثل شمس خلاص شود

استدلال شما در خصوص سبب

مراجعه با ناکستان برای متخصصین فنی منحصر بفر دو عبار تست از اینکه سایر ملل مثل اهالی بریطانی کبیر در ترقی ایران علاقه مند و ذی نفع نیستند

علاقه مندی و ذی نفعی انگلیسها در ایران مسلم و تردیدنا پذیر و مانند علاقه ایست که یک نفر مالک قوی بملک همسایه ضعیف خود دارد اگر هیچ مالک ضعیفی ذی نفعی همسایه قوی خود را دلیل مدخله او در ملک خود قرار میدهد ما هم این استدلال شما را منطقی دانسته بحسن تدبیر و عقل و کیمیاست بملوان سیاست و داهیه شرق خود معتقد میشویم و الا شما یا بکودنی یا خیانت کاری خود معترف شوید

مینویسیم « البته برای تصمیم در »
 « عقد این قرار داد و خاتمه و دوره »
 « بی تکلیفی علل و موجبات دیگری نیست »
 « موجود بود که اظهار و اعلام آنها »
 « فعلا نیز خالی از اقتضا است و از باب »
 « فر است با مختصر تسامل و توجهی به »
 « وضعیات بین المللی میتوانند آن حقایق »
 « را در یافته و تصمیمات دولت را »

«تقدیر نما بند»

شاید میخواید بفرمائید که
در عقد این قرار داد مجبور بوده اید
و عنقا شما را با مضای آن وادار کرده
اند در این صورت اولاً ممکن بود شرایط
مندی خود را بکناره جوئی از کار
بر همه دعاوم نمودند اقدام با این ایراد
کشی ننمایند بر فرض اینکه حب جاه بر
شرف دوستی چسبیده نمیخواید استیفاء از
کار کناره اختیار کنید اقلام مثل سابقین
(۱) بقاعطی مر اسلات بر داختم و در
مر اسله اخیری که بمنزله قبول قرار داد بود
مجبور بودن خود را در ضمن ایراد
نمایند ولی ما میگوئیم شما مجبور نبودید
و فقط بر ای رعایت صرفه شخصی خود این
قرار داد را منعقد داشته اید زیرا اگر
مجبور بودید در بیانیته خود از این

(۱) مقصود محمد ولی خان خاتم بیری سپهسالار
است که در زمان ریاست وزراء خود تشکیل
کمیسیون مختلط را که نمایندگان دولتهای
در آن عضویت داشته و در حقیقت مقدمه اجرای
دو منطقه نفوذ بود بهمین طرز با اشاره با جبار
پند یافت.

قرار داد مشهورم که ضرر آن از آفتاب
روشن تر است آنقدر تمجید نمیکنید
و برای مشروع جلوه دادن آن مردم
را اغتفال نمودند بک ملت را و شکسته
بی کفایت و بی وسيله وانمود نمودند
اگر مجبور بودید با این همه اصرار
جلو افکار عامه را از کفر گرفته مخالفین قرار
داد را بحسب و طرد و تبعید گرفتار و
تهدید نمیی نمودید و روزنامه های مزدور
شما برای پوشش رفتن این مقصود نا
مشر و معقوله های بی ربطی اساس نمیی
نوشته و حتی یک نفر را از منی (۱) که
خلف صالح سید مدیون را عد بود از طرف
ملت ایران اظهار بی قراری برای تاجیر
اجرای قرار داد نمیکنید و بعبارت
مختصر اگر مجبور بودید این همه خوش
ر قصیه بر ای چه بود

هیچ با مزه تر از این نیست که
میخواید مردم این وطن فروشی شما
(۱) کاسیاری اینکبان که در ریاست وزیرای
سید ضیاء الدین مدبر سابق روزنامه زعد مانع
معنا بهی از وجود اداره تجدید و باند رول برداشته
و از ایران نمیدانیم بکجا فرار کرد

را تقدیر هم بنمایند آیا تصور میکنید
اگر این قرار داده بستمه بودید
انگلیسها بیش از آنچه در این قرار
داد صورتاً برضا و رغبت تحصیل کرده
اند نظاً لبه مینمودند؟

آیا میخواهید وانمود کنید
که اگر شما این تصمیم ایرانکش اسلام
بر داده رانگرفته و استقلال ششون از
ساله ایران را نافر و خته و این مملکت
را در مجمع اتفاق ملل مستعمره انگلیس
مهر فی نمودم بودید انگلیسها میتوانستند
با ابر از قوت مادی همین اندازه شرایط
را بوضع خود در ایران تحصیل کنند
بیا اگر هم بزور تحصیل میکردند
سایرین آنرا مشرع دانسه و اجازه
چنین رفتار را نسبت بما میدادند؟ یا
اگر مجمع اتفاق ملل و تمام این هیاهو
بی اصل بوده انگلیس موقتاً بلعیند ایران
هم میشد ننگ آن تقدیر امر و ز بود؟

میگوئید « قسمتی از این حقایق،
مر بو ط بسیاست گذشته ایران در »
« مدت امتداد جنگ بود که سعی و
« کوشش نمسایندگان دولت را در

« کفر انس صلح دچار انواع و اشکالات
« کرده با لاخره با تمام مشکلات و
« ملاحظاتی فوقی موقیبت با این قرار »
« دادها حاصل گردید »

سیاست ایران در مدت جنگ
های بین المللی بیطرفی بود و این سیاست
را تا آخر هم حفظ نمود و ل بیطرف
در این جنگ باز هم بودند یونان و
هلند و و دانمارک و سوئیس اسپانیا و
سوئد و نروژ در اروپا بیطرفی اختیار
کردند بدون آنکه بعد از ختم جنگ
گرفتار کتاب و بهانه جوئی و تحمین و
مجبور بعقد چنین قرار دادها بشوند
راجع بشرکت افرا دی بعضی از ایرانیها
در جنگ بر ضد متفقین نیز در جای خود
تشریح کرده ایم که این اقدام بالمره
شخصی و ر بطی بود و ملت نداشته در تاریخ
بین الملل نظاً بر بسیار دارد و هیچوقت
حساب این قبیل حسیات شخصی افراد
را با دولت متبوعه آنها و انمی بندند
موانع و اشکالات نمایندگان
ایران در کفر انس صلح از سیاست
گذشته ایران نبود بلکه سبب عمده عدم

پیشرفت کار آنرا عدم مساعدت های
شما با آنها بود گذشته از این با اینکه
شما در این جا بقول خودتان کمی بعد
از متار که جنک با اولیای دولت
انگستان مشغول مذاکره شرایط قرار
داد تسلیم ایران شده بودید میخواستید
انگلیسها چه اهمیتی بنمایند کان ایران در
کنفرانس صلح بدهند تا مطالب آنرا در
این انجمن بین المللی به حسن قبول تلقی
شود؟ فرستادن این نمایندگان که فقط
برای حفظ ظاهر روانه گردیده بودید و
از طرف مرکز هیچگونه تعلیمات برای
آنها نفرستاده و حتی جواب استعلامات
آنرا را هم نمیدادید و از طرف دیگر
انگلیسها و شاید بعضی از متفقین دیگر هم
از ساختگی بودن این ماوریت مابوق
بودند توقع داشتید چه اثری بکنند و
چه پیشرفتی برای ایبطور نمایندگان
ظاهری در کنفرانس حاصل شود؟ شاهد
مدعا ابلاغیه ایست که در تاریخ نوزدهم
سنبله ۱۲۹۸ از طرف سفارت آمریک در
این شهر منتشر شده است اگر چه نظر
بدستور هتاکسی که بدیدمدیر رعد در

تقدیم این ابلاغیه داده اند البته مخاین
آنرا اجمالا در نظر دارید معینا اما
مخصص تذکر بدراج عین ابلاغیه مبادرت
میورزیم

ظهر آن ۱۹ سپتامبر ۱۹۱۹

نظر با ینگه جریته رعد در خطی
یک مقاله اساسی مورخه ۱۹ اوت وضعیت
پرزیدانت ویلسن و هیئت نمایندگان
امریکارا در کنفرانس صلح نسبت به
ایران سوء تعبیر نموده و خارج از
لون حقیقت جلوه داده است در این
موقع مقتضی شمردم که برای رفع اشتباه
متن ابلاغیه حکومت اتازونی را که
اکرون از واشنگتون رسیده است ذیلا
باطلاع عامه برسانم

سفارت امریکای طهر آن

حکومت اتازونی بشما تعلیم میدهد
که در نزد اولیای امور ایران و جمیع
اشخاصیکه علاقه مند بمسائل ایران هستند
این مسئله را جدانگذیب کنید که
حکومت اتازونی از مساعدت ایران
مضایقه نموده است
نمایندگانیکه از طرف حکومت

اتاز و نی در کمسیون صلح پاریس عضویت داشته اند مگر رضادقانه سعی نمودند که نمایندگان ایران در کنفرانس صلح و سیله و مو قعی برای اظهار مطالب خود بدست آورده و مسئله ایران مطرح مذاکره گردد.

هیئت اعزامیه امریکا تعجب داشت از اینکه از هیچ طرف دیگر مساعدتی باین مساعی خیرخواهانان نمیشد و لیکن اکثرین انتشارات این قرار داد ایران و انگلیس تا درجه علت عدم موفقیت ما مورین اتاز و نی را در شنو اندن مطالب نمایندگان ایران آشکار میسازد.

و بنظر می آید که حکومت ایران مساعدت تأثیر بخشی با نمایندگان خود که بیپاریس فرستاده بودند نموده است دولت اتاز و نی معا هده جدید ایران و انگلستان را با تعجب تلقی می نماید زیرا معا هده مزبور معلوم میدارد که ایران دیگر مایل بمساعدت و کمک امریکا نیست و حال آنکه نمایندگان ایران در پاریس صریحا و لزوما

مساعدت و امداد امریکارا خواستار شده بودند

سفارت امریکا - طهران

متن ابلاغیه بقدری مصرح و مصدق بینات ما است که محتاج به هیچگونه تاوریل و تفسیر نیست مقالات روزنامه های پاریس بخصوص قان یعنی اجریده نیم رسمی و از کان دولت فرانسه را در طهران همه کس خواننده و نظریات دولت و ملت فرانسه را نسبت با ایران و این قرار داد دیده است بدون رجوع بد و سیه مذاکرات نمایندگان ایران در کنفرانس صلح و مطالبی که آنها اظهار داشته و از طرف شما بلا جواب مانده و یا جوابهای بی ربط با آنها داده آید و بدون اطلاع بر تلگرافات مورین سفارت انگلیس در طهران آن به وزارت خارجه لندن و دستور یکباره از طرف آن دولت راجع بطرز پندیرائی و استماع مطالب نمایندگان ایران به ما مورین خود در کنفرانس صلح پاریس داده شده و بالاخره بدون استحضار از این یکباره و دسیسه ها یکباره در طهران

و لندن و پاریس متوسط شما در اطراف
 مذاکرات نمایندگان بد بخت ایران
 بعمل آمده و سبب عدم پیشرفت مقاصد
 ایران در کنفرانس صالح شده است هویدا و از
 همین ابلاغیه و از همین مقالات زمینه
 مذاکرات و نتیجه که نمایندگان ایران
 در کنفرانس صالح میگردانند بخوبی
 واضح و معلوم میشود که خیانت های شما
 نسبت با ایران برای تدارک زمینه عقد
 این قرارداد تا چه اندازه بود و
 چگونه برای صرفه و جاه طلبی خود
 ایران را از استقاده موقعی که شاید
 چندین قرن دیگر هم برای آن تکرار
 شود باز داشته و در کارندید کردن
 ناصر الملک و مشیر الدوله و موتمن الملک
 در اول امر برای این شغل نیز هیچ
 مقصودی جز تضییع آنها نداشته اید
 « مینو بسید » بطوریکه « ملاحظه »
 « میشود در آنها تا مینات کافیه برای »
 « حفظ حیثیات و استقلال مطلق و تمامیت »
 « ایران تحصیل نموده و استقاده از »
 « معلومات فنی متخصصین انگلیسی را با کمک »
 « های مادی و مالی دیگر از تمیل »

« اسلحه و مهمات بدون اینکه تکلیف »
 « مضری قبول نماید بدست آورده »
 دولت ایران از جهاد دول نیمه
 مستقل و تحت الحمایه نبوده است که
 شما برای آن استقلال تحصیل کرده
 باشید و بر خود شما هم پوشیده نیست که
 تا دین استقلال بخصر دست نخوردگی
 دولتی همینکه موضوع قرار داد با
 دولت دیگرند استقلال تا و تمام آن
 دولت جریحه دار شده در نزد سایرین
 قابل تردید و خدشه میگردد
 استقلال چیز بستگی اکثر برای
 دول نیمه مستقل با تحت الحمایه تا مین
 شود آن دولت را مستقل میکنند و برعکس
 هر گاه برای دول مستقله تا مین نمایند
 آن دولت را بجانب نیمه دستفالی سوق
 میدهند و سایر دول را از مر او ده
 از ادب آن موضوع میدارد
 تا مین استقلال یک دولت در عرف بین المللی
 ماهیتی است که اگر بین دو سه دولت
 موضوع قرار داد شود ذی نفی و ذی
 طبعی آنرا را نسبت بان دولت ثابت و
 در گاه بین خود آن دولت و دولت دیگری

مجلس در این موضوع قرار دادی عقد شود
 تحت الحما یکی دولت تأمین شده را
 دولت تأمین کنند مدلل میدارد
 در معاهده ۱۹۰۷ که استقلال و
 تمامیت ایران را طرفین معاهده (روس
 و انگلیس) تأمین کرده بودند جز این
 نبود که هر یک از طرفین دست اندازی
 دیگری بحد و دو حقوق مالکیت ایران
 و عقب ماندن خود را از رقیب این معاهده
 را بین خود بسته بودند ولی چون دولت
 ایران شرایط این معاهده را نسبت به
 خود رد کرد اعلام نمود استقلال او
 چیزی نیست که موضوع قرار داد بین
 سایر دولت شود عقد این قرار داد
 هیچگونه ضمانتی بر ای این دولت حاصل
 نمود استقلال خارجی و داخلی او
 محفوظ بود

شما در این قرار داد خود با
 انگلیس چیز را در ۱۹۰۷ یعنی
 روز کار زور و شلتاق بین الممالی و
 نفوذ و استیلای مادی و معنوی دولت
 روس ایران از شنیدن و سکوت در
 آن احترام از جمله چاره کرده بود
 امر و زک، دوره آزادی و استقلال

ملل صغیره و ضعیفه است موضوع قرار
 داد با دولت انگلیس قرار داده اند
 قطع نظر از سایر موارد ترجمه و تعبیر
 همین یک ماده در عرف بین الملل جز این
 نیست که دولت ایران دیگری دولت
 قائم با لذات و مستقلی نبوده تابع دولت
 انگلیس است

در اینجا بی مناسبت نیست اقسام دول
 عالم را از نقطه نظر حیثیت بین المللی
 تشریح کنیم

(۱) دولت مستقله - در عرف بین المللی
 دولتی را مستقل میخوانند که در تمام
 کارهای داخلی خود آزاد بوده روابط
 خارجی آن از هیچ حیث تابع میل و اراده
 دولت دیگری نباشد

چنین دولتی میتواند برای حفظ
 انتظامات مملکت خود در قوه نیکه صلاح
 میداند وضع کرده با چرا برساند و
 هر مالیات و گمرک و عوارضی که
 برای مخارج اداری و ترقی صنایع
 داخلی خود لازم میسرند ایجاد نموده
 دریافت دارد هر قدر از فتوایی که برای
 حفظ سرحدات خود مناسب میداند تحت
 اسلحه بیاورد از هر ملتی بخواند مستخدم

آچیر ~~کنند~~ بزر شخص یا کمپانی اعم از داخله و خارجه که صرفه اش اقتضا کند امتیازات بدهد و از هر کس بخواهد پول قرض کنند و نزد هر دولتی اراده نماید سفیر فرستاده سفیر آن دولت را بپذیرد و با هر دولتی که مناسب داند قرار داد سیاسی و تجارتي منعقد نماید

۲- دولت نیمه مستقل - دولت نیمه مستقل آن دولتی است که در کارهای داخلی خود آزاد ولی در روابط خارجی مطیع دولت دیگر باشد

این قسم دولت اختیارات عقد قرار داد تجارتي و سیاسی را از دست داده کارهای خارجی آن بتوسط مامورین دولت حامیه اداره خواهد شد

۳- در زندگانی بین الملل گاهی اتفاق می افتد که یکدولت هم استقلال خارجی و هم استقلال داخلی خود را از دست داده جزو دولت دیگر می شود هرگاه این مملکت در آسیا و آفریقا و استرالیا باشد چون ملت و نژاد و زبان و مذهب و تمدن آن غیر از دول حامیه اروپائی و مسلما حکومت دولت حامیه

بر ضد دین اهلای است و حقوق اهلای کمتر از حقوق افراد حاکمه و در حقیقت روابط بین افراد قوم غالب و بومیها روابط حاکم و محکوم میباشند این گونه مملکت را مستعمره دولت حاکمه مینامند

بعد از تشریح اقسام دول و تشخیص مما لك از نقطه نظر حیثیت بین المللی لازم است به بینیم حال ایران با این قرار داد چه خواهد شد و در جزو کدام يك از این سه دسته قرار خواهد گرفت قرض میگیریم دولت ایران بخواهد با دولتی قرار دادی اعم از تجارتي و سیاسی به بندند یا یدر ضایت کدام دولت را تحصیل نماید و یا بعبارة اخری اجازه و دستور مواد این قرار داد بپذیرد از کدام دولت برسد؟ انگلیس! تصور میکنیم دولت ایران در آئینه باز محتاج بپول شد و خواست مجدد با بقول شما برای ترک زندگانی روزمره و بقریبه ما برای خیر جی زمام داران خود باز پول قرض کند این استقراض باید بتوسط کدام دولت صورت پذیرد؟ انگلیس!

فرض میکنیم دو ات گذشته از راه
آهن که شما آنرا یک موضوع مخصوصی
قرارداده و ماده ای برای آن
نوشته اید بخواهد امتیازی بیکمپانی
دهد از آنجا که کدام دولت خواهد بود
؟ انگلیس !

اگر بخواهد مستخدم و مستشار و
معلم خارجهی اجیر کند از کدام ملت و
یا با اجازه کدام دولت باید اقدام
نماید ؟ انگلیس و با اجازه دولت انگلیس !
اگر وقتی دولت ایران بخواهد
بجایب قشون سوق دهد چون صاحبمنصبان
یشون کلا انگلیسی هستند مسلما بی اجازه
و میل انگلیس نمیتوانند باین سوق الجیش
موفق بشود هر گاه از ادم نماید قشونی
زیاده بر اندازد که انگلیس ها اجازه
داده اند تحت سلاح بیورد اجازه
این از دیادقوا از کجا باید صادر
شود ؟ از انگلیس !

هر گاه برای ترقی صنایع و دست
کار بهای اهل مملکت بخواهد جلو
و رود امتعه خارجه را بوسیله افزایش
تعرفه گمرکی بگیرد این از دیادقو

افزایش باید با اجازه باشد ؟ انگلیس !
و بالاخره چون صاحبمنصبان قشونی
و مستخدمین مالیه و کلیه دوایر
دولتی انگلیسی هستند البته بی اجازه
آن دولت بهیچ امری اقدام نمیکند و
با نتیجه ما هر قدمی که برای صرفه و
صلاح خود بخواهیم برداریم باید اجازه
آنرا قبلا صادر کرده باشیم از کدام
دولت ؟ انگلیس !

منابر آنچه گذشت دولت ایران
با این قرارداد شما از نقطه نظر روابط
خارجی استقلال مذاکره و عقداهدات
سیاسی و تجارتهی را از دست داده و
از نقطه نظر حاکمیت داخلی اختیار
استقرار و راه سازی و دادن امتیاز
و اجیر کردن مستخدم و سوق الجیش
و افزایش قوای نظامی و جرح و تعدیل
تعرفه گمرکی را باخته و در سایر موارد
نیز تمام اقدامات خود را منوط به
اجازه دولت انگلستان نموده است

مملکتی که از یکطرف با همسایگان
خود و سایر دول را بطه مستقیم ندانسته
و از عقد قرارداد ممنوع باشد و از

طرف دیگر از کسی نتواند پول قرض
کند و راهها و معادن و صنایع خود را
نتواند بطور امتیاز به کسی بدهد
مستخدم خارجی نتواند اجیر کند
اختیار قوای نظامی خود در انداخته و
برای تعیین غده آن هم قدرت را از خود
مسلوب نموده اختیار جرح و تعدیل
تعرفه گمرکی و وضع مالیات جرح و
تعدیل بودجه را از دست داده باشد
و در سایر کارها هم هیچ قدرت و تسلطی
نتواند بر وز بدهد بر چنین ممالکتی
آنچه فکر میکنیم و در قاموس اصطلاحات
بین المللی تفحص مینمائیم جز مستعمره
هیچ قسم از اقسام ممالک تطبیق نمیکند
زیرا گذشته از استقلال خارجی روح
اختیارات داخلی را هم از کف
داده است

در این صورت حال ایران با هندوستان
و بلوچستان و برمه در آسیا و جزایر
اقیانوسیه در استرالیا و کانادا در
آمریکا و مصر و قطعات جنوبی در افریقا
که کلاً مستعمرات انگلیس هستند چه
تفاوتی خواهد داشت

این ممالک هم قشون بسوی جمع و
خرج غایبند که در خانه جات راه آهن
گمرک همه چیز دارند جز این نیست
که صاحب منصب ارشد قشون آنها
انگلیسی است و اگر کسر یا اضافه در
دخل و خرج پیدا کنند کسر آن از
انگلیس آمده اضافه اضافه را جمع به
انگلیس است کمیافی راهها و معادن
و صنایع آنها انگلیسی تعرفه گمرکی
آنها با جازمه و صلاح دید انگلیس و
مستخدمین ارشد دوائر ممالکتی آنها
انگلیسی میباشد

شاید بفرمانند آنها مجالس مقننه و
پادشاه و هیئت وزراء ندارند ولی
چنین نیست همگی مجالس مقننه و هیئت
وزراء و غالب آنها مانند ممالک هندوستان
در مصر یا پادشاه هم دارند در دوره
سلطه روس مگر امیر بخارا پادشاه
ترکستان نبود؟ یا در موقع سوارری
همین امیر شاطر و چاووش در جلوش
نمیدانفتند؟ حتی چاووش در جلوش یا دومی
کرد «امیر جهانگیر باد» و شاطرها
دست بر پیش گرفته همدانمی گفتند

«آمین»؟ در صور تیکه امیر اختیار
 ریش خود را هم نداشت :
 شاه و جو دنما پندکان سیاسی دول
 را در طهران و اقامت نمایند. کان
 ایران را در پایتخت های سایر دول
 بخوانید دلیل استقلال ایران و جهت
 مبادیت این دولت و ممالک سابق الذکر
 قرار بدید و لا آن روزها که این
 امارات و نشانه های حشمت و اعتبار از
 دلائل موجب استقلال بنظر میاید گذشت
 امروز چندان سنگی در ترازوی این
 این مسائل نشر یقافتی نمیگذارند گذشته
 از این هنوز پاسی از شب نگذشته است
 ما بشما قول میدیم که اگر خدای نخواست
 دولت انگلیس موفق با جرای این قرار
 داد بشود با تسلط و زبردستی که در
 استعمار دارد ما را از این حیث هم بهمان
 روز بنشانند و اتفاقا هم وقتی سایر دول
 به بینند ایران در کارهای داخلی و
 خارجی خود آزاد نبوده و در عقد قرار
 داد تجاراتی و سیاسی و حتی کیه مسائل
 داخلی تابع دولت انگلیس است و برای
 هر گونه رابطه و هر قسم مراد و ...

ایران باید قبلا با اولیای دولت انگلیس
 مذاکره کرده استمرخای خاطر آن
 دولت را بعمل بیآورند یقین بدانند که
 برای تخفیف مخارج هم باشد از این
 تشریفات بوج صرف نظر کرده نمایند کن
 خود را از طهران احضار خواهند نمود
 و بر فرض اینکه دولت ایران معاذله به
 مثل نکرده و چند صباح دیگر هم نمایند کن
 خود را در پایتخت آنرا نماند داشته و
 مخارج بی مصرفی را تحمل نمود بالاخره
 یا خود بصراحت تابع از تقب این عمل
 لغو و مصرف میشود به استشاران مالی این
 مخارج را اصلاح در قه ایلام و از حواله
 مخارج سفارتخانه های ما استنکاف خواهند
 کرد و با نتیجه نماینده کان ایران هم
 احضار خواهند شد
 اگر چه جواب سایر مطالب دند ر چه
 در این قسمت از بیابان شما را در سابق
 کامل داده و ثابت کرده ایم که ایران
 احتیاجی به تخصصین فنی انگلیسی ند داشته
 و کمک های مالی هم جز ضرر هیچ فایده
 ندارد و فروش اسلحه کینه نیز چیزی
 مهمی نیست و سایرین گذشته از اینکه

ارزان تر میفر و ختمند حق الدلاله و
 کمسیون هم میدادند بعد الك از ذکر
 يك نکته در اینجا ناگنزیریم
 میگویند «استفاده معلومات انگلیسی
 را بدست آورده ایم» میخواهیم بدانیم
 مملکت ما چه استفاده از معلومات متخصصین
 انگلیسی خواهد کرد؟ و از وجود آنها
 چه استفاده خواهد کرد؟ همه کس می
 داند که در فن نظام انگلیس ها از تمام
 ملل عالم عقب ترند و قبل از جنگ کلیه
 قشون آنها در سراسر جزایر بریطانیای
 کبیر و ایرلاند و اسکاتلند بشش هزار
 نفر بالغ نمیشده و طرز سربازی گیری
 آنها طرز سربازی اسپان و همان اسلوب
 پوسیده قر و ن وسطی بوده و شاید بعد
 از آرامی بین المللی باز بهمان طرز
 عودت نماید ما نمیدانیم ملت انگلیس از
 کجی در فن نظام متخصص شده و نظامیان
 دولتی که تمام قشوش بیش از شش هزار
 نفر نموده است در این فن چه بما خواهند
 آموخت و در مکتب عمل و اداره که
 معلمین کارآموز داده و متخصصین آن
 را بطوری تجربه باشند چه درسی خواهیم

خوانند

درد فزون مالیه ما نمیدانیم این آقایان
 جزیره نشین که آب و هوای مملکت آنها
 جز بیچک و سبب زمینی هیچگونه حاصلی
 بعمل نمیاورد و اکثر مالیاتهای آنها
 مالیات غیر مستقیم است در مملکتی مثل
 ایران که عمده عایدات دولتی آن
 مالیات و آب و خاک و بهره خالصجات است
 چه میتوانند بکنند؟ اگر بخوانند دهی
 را ممیزی نماید چگونگی از عهده تعیین
 عایدات آن بر میآیند؟ یا برای تشخیص
 خالصگی و ارزشی بطور برقیات رجوع
 میکنند و با کدام شناسائی و سابقه و اطلاع
 خالصه انتظامی را از غیر انتظامی تفکیک
 مینمایند و مناقشات و اختلافات مالیاتی
 و محاسبه بین مالکین و صاحب جمعان از
 یکطرف و عمال مالیه از طرف دیگر را
 با کدام اطلاع و بصیرت و از روی کدام
 جزو جمع و مدرک و قانونی حل خواهند کرد
 در عدلیه که بهیچوجه محتاج بر جود
 آنها نیستیم مگر اینکه خیال کرده باشند
 در میراث قاعده - لئذکر مثل حظ الاثینین
 ونص و لکم نصف ما ترک از واجکم را بر

در زاده دارائی و توفی را بار شده اولاد
 بد هید و یا طلاق را منسوخ کرده و آیه
 و لکم فی القصاص حیوة را متروک نمایند
 ما واقعا نمیدانیم کار مستشار داخله
 چیست و چه احتیاجی بوجود او داریم تنها
 کار یکانه بکنند مثل دموکرنی فرانسوی بعد از
 سه سال اقامت در ایران و گرفتن ده
 پانزده هزار تومان حقوق و اندامیته دو
 جمله از کتاب حضرت امیر المومنین علیه
 السلام ممالک اشتر نخعی را بتوسط بعضی
 از متملقین ایرانی ترجمه و بخرج دولت
 منتزاعا بید فقه بزبان انگلیسی طبع کرده
 بر ای دوستان خود بلندن هدیه فرستد زیرا
 در زمینه شناسائی عادات و اخلاق و رسوم
 و آداب و معرفت بحال ایلات و عشایر و
 رؤسای خاندان بزرگ مسلمان میتوانند
 دستوری بحکام و فرمانان و مامورین
 ولایات مابدها امنیه و نظمیہ ما را هم
 سرقتی ها بد ادره نکرده و با وجود سابقه
 و اطلاعی که در این دو موضوع پیدا کرده
 اند خیلی بر انگلیسها ترجیح دارند
 دلسوزی دولت انگلیس را در معارف
 ایران از رفنار گذشته آری بخوبی نفوس
 می توان جو د ملای که با ایران سر و کار

داشته و حتی آنرا که هیچگونه نظریاتیکتی
 بمانند داشته اند در راه معارف این مملکت
 زحماتی کشیده اند که قطع نظر از پاره
 عصمت های مذهبی که از کارکنان
 مدارس بعضی از آنها بظهور رسیده است
 مساعی آنها در خور تمجید و تشکر
 می باشد مدارس آلیانس و سن لوئی فرانسه
 مدرسه آلمانی مدرسه روسی و مدرسه
 امریکائی نتایج آن زحمات و فارغ التحصیل
 های ما از این مدارس حاصل آن مساعی
 می باشد ولی دولت انگلیس در تمام این
 مدت بگصد و بیست ساله که با ایران
 روابط دوستی و همسایگی و در این مملکت
 منافع اقتصادی و پاتیکتی داشته است یک
 قدم در راه معارف این مملکت نپیموده و یک
 شلنگ در این راه خرج ننموده است اما
 در آتی با نظر استعماری که با ایران
 دارد تا بتواند ایرانی ها را مانند
 هندسی ها از دانش و اطلاع بی بهره
 خواهد کرد زیرا خوب میدانند که تا
 اهالی یک مملکت قدیمی دارای حیثیات
 علمی بوده بعد اوقات و رسوم مملکتی واقف
 و بدین مذهب خود معتقد بتاریخ ملی و
 سیاسی و ادبی و زبانی و آثار و خویش مطلع

با شند سلطه اجنبی را تحمل نخواهند کرد
 بنا بر این هر که انگلیسیها موافق شوند که
 در اداره معارف این مملکت نفوذ پیدا
 کنند تمام حیثیات علمی و معتقدات مذهبی و
 اطلاعات تاریخی این مملکت را و داع
 خواهد گفت

مگر برای اداره اوقاف و تفصیح
 موقوفه از ملک و نظارت در رسیدن منافع
 موقوفات بموقوف علیهم و تعمیر مساجد و
 مشاهد مشرفه و جود متخصمین انگلیسی را
 لازم بدانید

اداره نیست ایران از بدو تا سیس تا
 چند سی قبل بنسبت مدبران ایرانی بود و
 با بودجه کم منتها درجه انتظام را داشت
 و با اینکه محمولات پستی بدوش اسب و شتر
 حمل میشد وصول مراسلات و امانات از اقصی
 بلاد مملکت تا مرکز از هیچ خطی زیاده
 از ده روز طول نمیکشید و این روزیکه
 بلزیکها در این اداره مدخله میکنند
 و محمولات تقریباً در همه جا با چرخ حمل
 شده و بعقیده خودتان منتها در چه نظم
 را دارد در روز مدت برای رسیدن
 مراسلات از کاشان و اصفهان بطهران
 کافی نیست اداره تلگرافی این مملکت

همیشه با مدبران ایرانی بدرجات منظمتر
 از این سالهای اخیر بوده است که
 برای آن مدبر کل اروپائی آورده اند
 و فقط عیبی که آن دوره داشت این بود
 که اسرار دولتی محفوظ میماند و از
 روزیکه پای خارجه در آن اداره باز
 و سرپرستی آن با انگلیسی شده است از
 هر ولایتی که تلگراف مبنی برسد آبل
 از اینکه بمقصدش هر سال دارند سواد
 یا معاصرین آنرا قطعاً بنظر سفارت رسانده
 در بعضی مواقع تلگراف روز حکام
 و لایات را بدون هیچ پرده پوشی رد
 کرده مخا بره نمیکند از این میترسیم که
 اگر این دو اداره را بود وجود مستشاران
 انگلیسی مزین نموده و از آنچه هست
 اروپائی ترشان بکنید این جزئی نظام و
 اختیار یکه از ادوار قدیم در آن باقی
 مانده است با و رود مستشاران انگلیسی
 از در دیگر خارج شود

برای وزارت فواید عامه و تجارت نظریات
 میر می که بر راه سازی و سد بندی و ایجاد
 کارخانها و استخراج معادن و ترتیب
 منافع جنگل داریم البته به متخصمین این

فن محتاجیم و لی نه از انگلیس که تمام
 نظرش به پیدا کردن بازار برای
 مال انگلستان و ترویج صنایع خود می
 باشد پس در این يك مورد هم که محتاج
 به متخصصین فنی هستیم از انگلیس مع الاسف
 استقاده نمیتوانیم بکنیم
 باقی ماند و وزارت خارجه که در آتیه
 اگر خدا بخواهد عمری داد و بر سر کار
 باقی بودید بخوانید در تحت عقد سه
 چهار ماده و صدور يك بیانیه دیگر افراد
 این ملت را مثل سیاهای صد سال قبل
 افریقا با انگلیس ها بفروشید و برای این
 کار محتاج بمشاوره مستشارهای خارجی
 بخصوص متخصصین انگلیسی باشید مگر
 نمیتوان شد که در میان تمام ملل عالم
 برای این کار زمینه ساز قرار از انگلیس
 ها هیچکس را پیدا نمیکند و لی عیب کار
 اینجاست که این دولت در صد سال
 قبل با تمام ملل عالم در منع برده فروشی
 قرار داد بسته است و امروز نمیتواند
 آن قرار دادها را القاکند گذشته از این
 حالیه خرید و فروش ملل نیز تغییر اسلوب داده
 و دیگر امروز رسم نیست (۱) غلام و کبیز
 بطور يك در صد و پنجاه سال قبل
 اروپایی ها در امر بکا معمول میدانند

خریده برای تربیت و بکار و در این آنرا خود
 را بزحمت و درد سر بیندازند و بزراع قبوه
 و جای وشکر را بتوسط آنها آباد کرده بپایند
 بپایند بلکه در سوم ابدت که دیگر دهند
 يك نفر خائن را پیدا میکنند و بعبقربازی
 و شیادی او را رئیس او زراء کرده
 با و چند ماده شبیه باین دو ادیکه شما با
 دولت انگلیس بسته اند با هم قرار داد
 بین دو لیتین دهند مینمایند و يك ملت را
 مانند هند بیا و بفریاد تا ابد حمال و کور
 کن بلکه غلام حتی مطیع تر و بدتر از زر
 خرید میکنند پس از این راه هم بعد از
 عقد این قرار داد بد لبل محال بودن
 تحصیل حاصل از متخصصین فنی انگلیس
 استقاده نمیتوانید کرد
 مینویسید « تغییر عهد نامه و تجدیدنظر »
 « در تعرفه گمرکی برای این سه ماده است »
 « در آتیه گفتات مصارف اصلاحات »
 « و اینها بد نیز مسلم اگر دید »
 عهد نامه ها نیکه دولت این بلات آیس
 بسته است غالبا تجارتی است عهد نامه
 سیاسی که امروز مدركه و ماخذ معاملات
 ایران با سایر دول است همان عهد نامه

توسعه کسب بجای است که دولت ایران
 بعد از شکست از روس با این دولت
 بسته و سایر دول هم بعنوان دارا بودن
 حقوق دولت کامله الو داد از آن استاده
 مینمایند مراد مضر این قرار داد همان
 مراد است که در فصل راجع به کاپیتو
 لاسیون و حق قضای قنسو لهای خارجه
 نسبت با اتباع دولت خود دفعه شده است
 مسالما همینکه دولت انگلیس ایران را
 مستعمره خود نداند دیگر راضی نمیشود
 کاپیتو لاسیون در این مملکت برقرار
 و قنسو لهای سایر دول مدخله در
 امور قضائی آن داشته باشند گذشته
 از این بموجب اعلامیه کابینه صمصم السلطنه
 کاپیتو لاسیون ملغی شده است (۱)

ولی يك شرط نافع هم در این عهد نه برای
 ایران هست که اتباع خارجه جز دکان
 تجارت و خانه نشین حق خرید ضیاع و
 عمارت و مستغل در این مملکت ندارند

۱ ابن القاع فقط روی کاغذ بود و علی
 شدن القاع کاپیتو لاسیون از موقعی است
 که تا سیمتات قضائی جدید در مملکت بموقع اجرا
 رسیده یکی از مفاد عهد شاهنشاهی بهاوی است

یقین داریم که شمادر ضمن تغییر قرار دادها انگلیس
 این شرط را بمنفعت انگلیس ها از دست
 خوا هید داد (۱)

عهد نامه های تجارتهی ایران و انگلیس
 تماما در دوره رقابت روس و انگلیس بسته
 شده و اولیای امور آن دوره با همه سهل
 انگاری که ما بانها نسبت میدیم تلاش خود
 را کرده و در معا هدت تجارتهی بین دو اتین
 حقوق زیاد تری بانها نداده اند ما خیلی
 شك داریم که در تغییر معا هدت تجارتهی
 منافع دولت ایران بیش از پیش ملحوظ
 شود راجع با امتیازات هم غالباً طرف آنها
 کمپانی و اشخاص متهرکه هستند و یقیناً اگر
 صرفه زیاد تری برای آنها منظور نشود
 راضی بفسخ و تغییر امتیازات خود نخواهند شد
 دول عالم در وضع کمرك و انتشار تعرفه
 کمركی نظری بتمکثیر عایدات ندارند بلکه

۱ و باز از مفاد عهد شاهنشاهی بهاوی اینست که
 با وجود القاع کاپیتو لاسیون باز هم اتباع خارجه
 حق داشتن ضیاع و عمارت مستقل در ایران
 نداشته و مکلفند که آنچه هم در از مته هرج و
 مرج میایست دست و پا کردند در مقابلند
 با فراد یا بدولت ایران و اگر آنها باند

در این موضوع هم آنها بحفظ موازنه بین صادر و وارد و جلو گیری از پیش افتادن تجارت خارجی و ترقی دادن محصولات و مصنوعات داخلی مصروف است که با این وسیله هر وقت مقتضی دانند ورود یا خروج متاعی را در مملکت خود ممنوع داشته و هر موقع صلاح دانند بر گمرک مال التجاره خارجی بیفزایند تا از رقابت امتعه خارجه با داخله و یا عدوت اهلای مملکت بتوانند جلو گیری نمایند

تمام ترقیات تجارتهی و صنعتی ممالک عالم در سایه همین اختیار و بهمین جهت است که دول حقاقتشمار تعرفه گمرکی را فقط و فقط برای خود حفظ کرده مداخله دولت دیگر را در این موضوع بیچوجه اجازه نمیدهد از طرف دیگر تجارت هم بر ای کل دنیا آزاد و البته سایر ممالک عالم از میزان گمرکی که هر دولت از هر نوع مال التجاره میخواهد با بد مسبوق باشند و نمیتوان هر روزی تعرفه مخصوصی را با جرایم گذاشت بنا بر این بر ای اینکه اختیار دولت در زیاد و کم کردن گمرک محدود نباشد تا بتواند در مواردی که دولت دیگری بر یکی از امتعه صادره او گمرک زیادی میدهد

بوسیله معامله بمثل یعنی افزایش گمرک یک یا چندین متاع آن دولت از این زیاده روی جلو گیری نماید در تعرفه های گمرکی جمله اقل و چند اکثری همین مینماید و دولت مختار است که بین حداقل و اقل و اکثر هر نیز انی را که موافق با صرفه و صلاح خود تصور نماید بطور موقت یا دائم اعلام و از امتعه صادر و وارد مطالبه و دریافت کند

در موقعیکه عهدنامه ترکمان چسای بین دولتمندان ایران و روس بسته میشد چون هنوز قوه محرکه بخار بر ای مصنوعات و حمل و نقل استخدا نم نشده و داد و ستد بین آلمانی چند آن زیاد نبود دولت ایران و جزیه نظر خود را فقط بتکثیر عایدات معطوف داشته حقوق گمرکی کلیه صادر و وارد مملکت خود را از قرن صدی پنجم معین نمود و تا اوائل سلطنت مرحوم مظفر الدین شاه گمرک ایران بهمین قدر از معمول و سایر دول هم از حقوق دولت کامله الوداد استفاده کرده با امتعه صادر و وارد آنها هم در سرحدات ایران همین معامله میشد تا در این تاریخ مسیونوز بلژیکی تعرفه جدید

گمرک ایران را منتشر نمود
 نظر اجمالی باین تفرقه جانب داری
 نوز را در آرقی تجارت روسیه بر ضرر سایر
 دول حتی جلو گیری صنایع داخلی که ملا
 ثابت مینماید از کار افتادن کارخانه های
 قند سازی و کبریت سازی و باور سازی و
 ریسمان رسی طهران و معدوم شدن شعر
 باقیها و نساجی های کتان و اذیان و
 یزد و کرمان و خراسان و بوشهر از اثر
 همین تفرقه گمرکی بود که با قند و کبریت
 و شیشه آلات و ریسمان و پارچه های
 ابریشمی و پشمی نخنی روسیه \approx \approx \approx \approx \approx
 ارزان تر باین مملکت وارد میشد نتوانستند
 رقابت و همسری پاکه مقاومت نمایند و به
 تعادل و فتنه محکوم شدند
 مسیو نوز باژیکی در دوره نفوذ روس
 در ایران اینطور رفتار کرد حالا ببینیم آقای
 پهلوان سیاست آقای داهی شرقی
 آقای بزرگترین صدر اعظم آسیا در دوره
 آزادی ملل با اینهمه ارجوزه و حماسه و
 غمخواری هموطنان عزیز و حس فدکاری
 و اتکالی بنفس و وجدان برای ما چه
 کاری صورت داده اند
 اختیار دولت را در ترتیب دادن

تفرقه گمرکی از دست داده و باوری را که
 یکی از نشانه های بزرگ استقلال داخلی
 تمام دول تمام امت و خود هستند داده اند
 در قرارداد خود با دولت انگلیس نموده
 و ایندوات را قیم گمرکی ایران قرار داده
 اید و از این راه خنده دیگری بر ما کمیت
 تام و تمام ایران وارد آورد تفرقه گمرکی
 ایران را ایجاد نظر و در اجاره \approx \approx \approx \approx \approx
 که در آن مامورین دولت تجارت پیشه
 انگلیس حقوق دارند در هر مورد \approx \approx \approx \approx \approx
 در هر مورد حرفه خود را \approx \approx \approx \approx \approx
 گزیر مستلزم ضرر ما و سایر ممالک و موجب
 بی احتیائی آنها به تجارت با ما است و محوظ
 دارند
 این اختیار را در جنگ اول شهید
 گردید سیاست در ضمن تعیین تفرقه \approx \approx \approx \approx \approx
 اخیرا بتوسط کمیته مختلط بعمل آورید فصل
 (ب) را که راجع بگمرک مالالتجاره صادر
 ایران در ممالک انگلیس است بالمره از
 قلم انداخته و ادا از اینک در سرحدت
 ممالک وسیع آن دولت از مالالتجاره ایران
 چه حقوق گمرکی باید اخذ شود هیچ
 ذکر بی میان نیآورده اید در صورتی \approx \approx \approx \approx \approx

پارسه نك فصل اول تعرفه گمرکي و فصل دوم
آن است هر گاه در آئيه دولت انگليس بنای
فقر مالی و محتاج کردن مملکت ما باشد تقراض
بی دری از خود بخواند از امتعه این
مملکت که بممالک او حمل میشود صدی
صد گمرک اخذ نماید با کدام فصل از تعرفه
میتوان جواب اوراداد

نتیجه اجرای تعرفه مزبور این خواهد
بود که گمرک مال التجاره که از انگليس بايران
وارد میشود معین و دیناری نمیتوان حکم
وزیاد کرد سایر ملل هم از حقوق کماله الوداد
استفاده کرده اجرای همین تعرفه را نسبت
بمال التجاره خود خواهند خواست ولی
مال التجاره های ایران که به خارجه
خروج رفت برحمت و مروت سایر دول و اگر گذار
شده تا بهر اندازه که انصافشان اقتضا
کند توی سر این یکمشت پنه و قیسی و
کشمش و قالی که بخون دل در این مملکت
حاصل می شود بزنند و تجارزات صادر از این
مملکت را که خالیه از وارد آن خیلی کمتر
است بسفر برسانند
چنانکه امروز دولت فرانسه برای ترویج

صنعت فرش بافی داخله خود بر فرش خارجی
صدی صد گمرک بسته است و ما هیچ و سیمه
برای معارضه بمثل و وادار کردن د و ات
فرانسه بمعدیل گمرک فرش در دست نداریم
سایر دول هم غالباً بعد از جنگ همین معامله
را کرده فرش قالی را جزو تحصيل محسوب
و از آن گمرک گزاف مطالبه میکنند و
نتیجه این وضع شکست مال التجاره معین
مملکت ما است بدون اینکه شما برای چاره
آن راهی باز کنده شده باشید
اینجاست که باید بگوئیم رحمت بکن
دزد اول ، موسیو نوزبانسکه در تعرفه گمرکي
خود اسباب رواج مال التجاره روس و انگليس
و تعطیل و فهای کار خانجات و دست کاریهای
داخلی را فراهم آورد باز در فکر ترویج
تجارت مواد خام این مملکت که بممالک
خارجه میرود بوده فصل (ب) را که راجع
بگمرک مال التجاره های ایران در ممالک
روس و انگليس است قید و حقوقی را که
دو تین باید از امتعه ایران در سرحدات خود
در یافت دارند معین نموده و تا حدی از
ورشکستگی کامل این مملکت جلو گیری
کرد ولی شما برای صرفه هم پیمانهای خود

این فصل را هم از قلم انداختید
 ما بدو ایخواستیم برای چگونگی تشکیل
 کمیته تجدید نظر تعرفه گمرکی که میباشد
 بموجب قرار داد از متخصصین ایرانی و
 انگلیسی تعیین شوند برهان و منطق متوسل
 شده و کیفیت اکثریت آن را از روی تجربه
 و تاریخ بدست آورده مدلل نمائیم که اکثریت
 این کمیته مدافع انگلیس را بر فایده ایران
 ترجیح خواهند داد ولی حایه که کمیته
 مزبور تشکیل و کار خود را تقریباً انجام داده است
 همان تشکیل فعلی واقعی آن برای اثبات
 مدعای ما بهترین برهان و منطق بوده و از آن
 زحمت توسل بتجربه و تاریخ رهائی بخشیده
 این است که بجای حدیث و قیاس و در عوض
 هر گونه دلیل و برهان همان طرز تشکیل
 کمیته تجدید نظر تعرفه گمرکی را ذیلاً
 تشریح می نمائیم

قبلاً مقرر شده بود که این کمیته مرکب
 از دو ازمده نفر عضو و شش نفر از آنجا متخصصین
 انگلیسی باشند انگلیس ها شش نفر خود را
 فرستادند باینهمه متخصصینی که شما انتخاب

کردند و این چه اشخاصی هستند
 یک نفر از این شش نفر متخصص ایرانی
 مستر هارت فنسول سابق انگلیس در قزوین
 و متش فاعلی مالیه ایران است البته همین
 یکماه و نیمه کردش در ادارات
 وزارت مالیه او را تا این درجه با
 خیرت و بصیرت نموده و در همین مدت
 کم بقدری امتحان فداکاری و بیطرفی
 و دلسوزی نسبت با ایران داده است
 که شما را تردیدی در بی غرضی و
 مناسبت او برای این کار باقی نمانده
 است دو می موسیو هسنس مدیر گمرکات
 و موسیو دلیتر مدیر پست برادر همان
 دلیتر رئیس اوراق است سابقه خدمات
 و فداکاریها و جان فشانی های بلژیکها
 را سبب بدولت اجنبی در ایران همه
 کس مسبوق و البته وقتی که انگلیس در
 ایران جای روس را گرفت نوز و
 مرنار هم جانشینی لازم دارند و برای
 این شریکان دزد و رقیقان قافله هم باید
 موقع مناسبی تدارک نمود تا بتوانند
 خدمتی با قایان تازه وارد نموده و از
 این راه آتیه خود را تأمین کنند

چهار می و پنجمی مدیر محتاسبات وزارت
مالیه و مدیر تجارت و فلاحت وزارت
فوائد عامه است اما عضو ششم را برای
ایفکته مبادا سه نفر آرد و پائینی سابق الذکر
بوظیفه و جدانی خود رفتار کرده و
با ایرانی ها طرفدار منافع ایران
بشوند اصلا تعیین نفر موده آید که در
هر حال اکثریت موده درین فنی انگلیس
قطعی و برای انجام خدمت بدولت خود
دچار طول مباحثه و فشار آوردن
و تهدید و تطمیع کردن یا مشاجره و
مناقشه نشود

اگر ما میخواهیم در این موضوع
از روی تخمین و قیاس و تجربه گذشته
چیز بنویسیم متنا حدس ما با اینجا میرسد
که از طرف ایران دو نفر بلژیکی و
چهار نفر ایرانی برای عضویت این
کمیته انتخاب و تعیین شوند و میبایست
اکثریت داشتن انگلیس ها را در روی
این زمینه ثابت میکردیم

ما شاء الله فکرهای شما در جلب ضرر
و دفع نفع ایران بقدری بکر است که
از حدس و قیاس منقدین هم میگذرد و

چشم بد دور باندازه ای در این کار
زیر دست هستید که شش نفر مدافع ایران
را در مقابل شش نفر انگلیسی که در این
صورت هم پیشرفت مقاصد انگلیس مسام
بود بدو نفر مدافع در مقابل نه نفر مهاجم
تنزل داده آید با لفرض اکثر تعیین
نمایند کان ایران در این کمیته با لوبد
جرح هم بود یقینا آزادگی و حیا مانع
او میشد که بیک همچو حقه بازی متوسل
شده برای پیشرفت مقاصد دولت خود
این وسائل مضحک را اتخاذ نماید
قدری هم از طرز جریان کار در این

کمیته بشنود تا خودتان نیز از کارهای
خود تعجب کرده بخندید مسئله تجدید نظر
در تعرفه کمر کی سه چهار سال است
موضوع افکار زمانه ایران این مملکت
شده کمیون ایرانی که برای مطالعه و
تدارک لایحه تعرفه کمر کی جدید معین
شده بود حاصل زحمات هشت نه ماهه خود
را در یک کتابچه جمع کرده تمام
اشیاء کمر کی را که با بد موضوع
افزایش و تقیصه بشود تحت نظر و دقت
آورده لایحه تعرفه جدیدی با ترتیب



در این خصوص مرگب کرده بود اگر چه
 پاره نویسی این لایحه بتوسط بلژیک با عمل
 آمده و بدون سایر اعضای کمیسیون هنوز
 مجال مقابله اثر با مسوده های خود
 نکرده بودند احتمال میرفت بعضی تالیف
 کاتب های عمدی بر ضرر ایران در آن
 واقع شده باشد ولی باز اکثریت مواد
 آن مبتو انست طرف ائتما دو اقع گردیده
 و در هر حال دستور عمل جامع و زمینه
 حاضر بر ای نما یند کان ایرانی در
 کمیته حالیه بود شما با جدیت تمام این
 کتا بچه را گرفته با نگلیس ها دادید و
 امر و زه این دو نفر ایرانی هم که در
 کمیسیون هستند هیچ زمینه بر ای مطالعات
 و مذاکرات و پیشنهادهای خود در
 دست ندانند و متخصصین انگلیس هم برای
 اینکه شاید ایرانیها مسوده های خود
 را تلف نکرده از آن استفاد کند
 و قبلا در مواردیکه مطرح میشود دقت
 و برای دفاع نظرات خویش خود را
 حاضر نمایند عمد ابطور تشمت و تفرقه
 از هر فصلی یک ماده جمع کرده با
 تغییر اینکه بر ابصره آنها و مستلزم



در ما است بکمیته پنهان می کنند و این
 چاره این دو نفر ایرانی اگر چه
 خواهند سعی کرده چیزهای بگویند
 از عهد بر نمی آیند
 با این طرز تشکیل و با این اکثریت
 و بالاخره با این طرز جریان کار که
 بهجت شما در این کمیته حاصل شده است
 نتیجه این تعرفه جدید بر ای ایرانی
 معلوم است بچه با یه و ما به خواهد بود
 و محتاج بیچ مثالی نیست عهدا بر ای
 اینکه تصور نشود ما میخواستیم در این
 امر بهلوان سیاست را ابواب (۱)
 کرده با شیم کمرک چای را که از این
 کمیته گذشته است شاهد قرار میدیم
 صرف چای در ایران تقریبا سالی
 ششصد هزار من و پانصد و پنجاه هزار
 من آن چای سیاه و محصول هندوستان
 و متعلق با نگلیس و ما بقی چای سفید چینی
 است که تجارت آن در ایران باز با
 انگلیس ها است مسیو فرزد در تعرفه ساقی
 ﴿ ۱ ﴾ ابواب مخف ابوابجمع و اصطلاح مجاساتی
 و در موردی استعمال مرشد که ما خودی بیانی یای
 شخص صاحبجمع که رسیدگی بحساب او منظور است
 قلمداد کنند .

گمرک چای سیاه را از قرار ۶
قران و سایر را از قرار ۱۰۰۰ یقیناً
قرار داده بود کمیسیون ایرانی در
لایحه خود یکم دو قران بر کلیه گمرک
چای افزوده ولی در کمیته حالیه
چای سیاه از قرار ۴ قران و چای
سفید از قرار شش قران گذشت یعنی
در هر یک من چای سیاه ~~که~~ محصول
هندوستان است دو قران و در هر یک
من چای سفید که تجارت آن با انگلیس
است ۴ قران از تعرفه میوز کمتر
و برای تر و بیج محصولات و تجارت
انگلیس تخفیف داده شده و از همه مضحک
تر اینست که پیشنهاد این تخفیف از طرف
مدیر گمرک یعنی یکی از پنج نفر متخصص
ایرانی شده و جرتی که برای این پیش
نهاد مضر خود تراشیده است زبانی
قاچاق چای بوده و در کمیته اطمینان
داده است که این یکصد و سی چهل هزار
تومان تفاوت که ضرر دولت ایران
میشود از راه کم شدن قاچاق این
مال التجاره بیرون خواهد آمد در
صور تیکه چای جزیر سبکی است و یکم

آن چه به بزرگی لازم دارد که برای
دو قران تفاوت هیچکس طاقت تحمل
زحمات حاصله از اختلاف و قاچاق آنرا
نمیخواهد و اگر برای تر و بیج زراعت
چای در گیلان و مازندران هم بود
گمرک چای میبایست خیلی زیاد بسته شود
شبهه نباشد و نمیخواهیم بگوئیم از
این تعرفه جدید مطلقاً دولت ایران
صرفه مالی نمیبرد زیرا غیر از انگلیس
سایر ملل هم هستند که امر و زره با ایران
تجارت دارند و دولت انگلیس در
موضوع مال التجاره که اکثرش از
سایر ملل با ایران وارد میشود نظری
چرا صرفه آندی ایران و توانائی ما بر
ادای اصل و فرع و جوه استقراضی
از خود را ندارد چنانکه برای قند
یک من یکقران و برای شکر یکم ۱۵
شاهی گمرک دائمی بسته اند و ضمناً
قرار گذاشته اند که تا دو سال از
قند یکم دو قران و از شکر یکم سی
و پنج شاهیه دریافت و در این تاریخ
تجدید نظر نماید شک نیست ~~که~~ این
تردید و این استخوان لای فرخیم باین
نظر است که اگر کار خازنای قند سازی

روسیه در ظرف این دو سال بر او
نیفتاد و مسام گشته که قند ایران با بند
از انگلیس بیاید همان گمرک یکمن یک
قران در قند و یکمن پانزده شاهی در
شکر را که گمرک دائمی است مگر ا
دارند در صورتیکه روسیه بتواند به
ایران قند و شکر برساند در تجدید
نظر گمرک موقتی را دائمی نموده از
قند یکمن دو قران و از شکر یکمن یک
قران و پانزده شاهی دریافت شود
ولی دو موضوع مثل آفتاب روشن است
یکی دولت انگلیس در هیچ مورد برای
نفع ما راضی بضرر تجارت محصولات
هندوستان و مصنوعات کارخانهجات
انگلستان نخواهد شد و دیگر اینکه
هرگز به افزایش گمرک ما بقدری که
از فرس و قر و ضمانت زیاده بیاید در
نخواهد داد مگر اینست که یک ملت باید یک عمر
گران بخرد و در عسرت و مضیقه باشد تا
چاله یکسال و نیم الی دو سال ول خرجی
شمارا برکند

میگویند «علاوه بر اینها بموجب
» مراسلات و تعهدات رسمی جداگانه
بتحصول مساعدت دولت انگلستان برای

« موافقت تقاضاهای مشروع دولت ایران در »
« کنفرانس صلح موفقی گردیده است »
تعهدات رسمی جداگانه که
بموجب مراسله تحصیل کرده اید سه
قره و اولی آن را جمع بنجد بد نظر
در معاہدات است که مسئله را به اطراف
تشریح و ثابت کرده ایم که دولت
ایران از این راه چیز ضرر حاصلی
نخواهد داشت

دومی را جمع بجبران خسارت
مادی مملکت ایران بواسطه دول متخاصمه
دیگر است که دولت انگلستان متعهد
شده است که در این مشروع با ایران
موافقت نماید

خسارتی که از جنگهای بین المللی
بایران وارد آمده است از سه دولت
انگلیس و عثمانی و روس است کلمه «دیگر»
که بعد از جمله «دول متخاصمه»
افزوده شده انگلیس را که یکی از دول
متخاصمه و خسارات وارده از آن
دولت بایران زیاد است از تادیه
خسارت متشنسی مینماید عثمانی هم که
تقریباً با ایران همسر حد نیست و آن

حدود یکدیگر از سکنه و قشون آن حدود
 با یران خسارت رسانیده است در تصرف
 دولت انگلیس میباشد که او خود
 از پرداخت خسارت معذاف شده است
 باقی مانده دولت روس با او ضامیکه
 بر ای دولت قدیم روس پیش آمده ما
 نمیدانیم موافقت دولت انگلستان در
 چنین خسارات و ارده با یران چه
 خواهد بود و دولت انگلستان که با
 همه مساعی و مجاهدات از عهده رفع
 اختلافات بین خود و آن دولت بر نمی
 آید چگونه با یران در مطالبه خسارات
 وارد موافقت مؤثری که دارای
 نتیجه فعلی باشد مینماید
 نه این باشد ما معتقدیم با شیب که شما
 ندانسته دل خود را با این جمله از مراسله
 سفارت انگلیس خوش کرده اید زیرا
 ما شمارا در ورترا از آن میدانیم که
 با این مطلب ساده بر نخورده با شیب بلکه
 عقیده ما این است که بر ای دلخوشی
 سایرین فاخر این ما دهر را که هیچوقت
 صورت وقوع پیدا نمیکند از انگلیس
 ها خواسته اید آنها هم بدکر جمله بی

اساسی دل شما را شاد و مبارک کرده
 آزاد کرده اند
 ما ده سوم مراسله را جمع باصلاحات
 خطوط سرحدی یران است در تقاطعی
 که طرفین آنرا عادلانه تصور نمایند
 ما سابقا نقاط مختلف ویه در سرحدات
 خود با انگلستان نداشته ایم در حدود
 یران و عثمانی قدیم که امروزه تازه
 با انگلیس هم سرحد شده ایم نیز اختلافات
 سابقه بقوسط کمیسیون مختلط در پجسال
 قبل ختم شده است و ما خیالی شک داریم که با
 مواظبتی که شما در حق تلفی یران دارید کمیسیون
 اصلاح سرحدی را هم مثل کمیته تجدید نظر گمرکی
 تشکیل نکرده و بعنوان عادلانه شدن خطوط سرحدی
 مقداری از ضیعی مسلم یران را با انگلیس و انگلستان
 مینویسید « موافقت دولت را جمع »
 « بعضویت یران در مجمع اتفاق »
 « ملل که علیحدّه محرز و مسلم است نیز »
 « يك و ثبته بين المللی مهی بر ای استقلال »
 و تمامیت یران و از نقطه نظر سیاست
 « خارجی و جب اطمینان تام میباشد »
 عضویت مجمع اتفاق ملل جز يك
 اعلان از طرف دولت که بدون هیچ

شرط عضویت این مجمع را قبول می
کنند چیز دیگری لازم نداشته که موفق
شدن شما بان رجز و حماسه داشته باشد
و کلی فقط عضویت در این مجمع نشانه و
علامت استقلال و تمامیت نیست چنانکه
مستعمرات انگلیس از قبیل هندوستان
و کانادا و استرالیا و غیره نیز در این
مجمع عضویت دارند بنا بر این عضویت
مجمع اتفاق مال و قتی برای دول و ثبته
استقلال و تمامیت میشود که استقلال و
تمامیتی داشته و یا بموجب یک قرار داد
همه چیز خود را بسد و ات دیگری
و اگر گذار نکرده باشند بنا بر این این
اطمینان شما در این مورد مثل دلخوشی
افلیجی است که بعضویت کلوب ژرمنیستیک
نازل آمده باشد

یکی از ایرادهای وارده بر
شما اینست که در صورتیکه میدانستید
عضویت مجمع اتفاق مال و ثبته بین المللی
مهمی برای استقلال و تمامیت ایران
و از نقطه نظر سیاست خارجهی موجب
اطمینان تام میباشد « چرا با بودن چنین
مجمعی دولت ایران را با عجله تسلیم انگلیسها

نمودند آیا تصور میکردید دولت
دیگری که پول از قرار صدی هفت
قرض بدهد بیدان کنید یا بعد از جنگ
اسلحه کهنه متاع کم یا بی بود که بی
تر بدهد بعد از دست ایران برود؟
میگوئید « در ضمن از ذکر این »
« نکته شما بدخود داری نمایم که این »
« قرار داد های با لذات هر شرط و »
« تعهد مضر بر افقند و اصول و موجبات »
« سعادت و استقلال مملکت را داراست »
« لیکن بدیهی است شرط استفاذه از »
« آن بوسیله حسن استعمال و اجرائی »
« آن بدست اشخاص بصیر و ضعیفات و »
« مصالح آتی مملکت است »
« زیرا بر این قرار دادها و »
« عهدنامه ها اگر مورد سوء استعمال شود »
« و دستهای آلوده و نالایق ما تصور »
« اجرائی آن گردد مضار برادر »
« بر داشته فاقد منافع خواهد گردید »
« و در چنین صورتی نقص و کمسالی »
« قرار داد و ضرر و نفع آن بالسویه »
« خواهد بود و مملکتی که اشخاص و افق »
« مصالح وقت و قادر بر اجرائی وظایف »

« در افاقه با شد و یا نخو اهد بشما شد »
« از هیچ قرار دادی استفا ده نخو اهد »
« کرد و بطریق اولی فتدان قرار »
« داد و دوام بی تکلیفی و در ماندگی »
« هیچوقت از زوال و فنا ی آن جلو »
« گیری نخو اهد نمود »

بعد از آنکه ما در موارد عدیده
مضار مادی و معنوی این قرار داد را
کاملاً تشریح کرده ایم دیگر اینجا به
تکرار مطلب نخو اهدیم پرداخت و پس
از آنکه در محل های خود ثبت نموده
ایم که اوضاع و احوال دوره ریاست
شما عادی و حتی از هر حیث بهتر و
مناسب تر از اوضاع زمان اسلاف شما
بوده است کلمات بی تکلیفی و در ماندگی
با فناء و زوال در عقاید ما ترسزایی
حاصل نخو اهد کرد

جواب این جمله را هم که میگوی بود
ه شرط استفا ده مملکت ازین قرار داد
بوسیله حسن استعمال و اجرای آن به
دست اشخاص بصیر و ضعیف و مصالحت
آنی مملکت است « در ضمن مطالبه
و تمثیل از نطق خیاط جعلی استنباط

خواهید کرد و اقامه بد شاه گاری پیدا
نکرده اید تا پول و پیشرفت دارید با
قانون نظامی و سانسور مطبوعات و حبس
و تبعید افکار عدا به را خفه کنید و
مملکت را نرم نرم بدم معده سوزان
استعماری انگلیس میدید و قتی هم که
پول و پیشرفت شما و هم صبر و حوصله مردم
تمام شد و کار از پرده بیر و ن افتاد
و مجبور بکناره جوئی شدید نیز دست
های ز ما مداران بده از خود درال قبلا
آلوده و نالایق معرفی فرموده و تمام
معا یب کار را با نماندیت داده و بمقیده
خود در هر حال گرو را برده و خویش
را پهلوان سیاست و داهیه شرق و بزرگ
ترین صدر اعظم های آسیا معتز و ف
نموده اید

و لئی این شاهکار شما تا کنون
بعقل هیچیک از رؤسای دول و دیپلوماتیکه
با دول خارجه قرار داد بسته اند
نرسیده و هیچیک يك از آن يك همچو
حسن طائی که شما بر ای بقای خود بر
مسئد ریاست فرموده اید بکار نبرده اند
ما فرض میگیریم که ملت ایران

آنقدر خوش باور بود که دستهای شما را بآلیاقت و از هر آرایش بخصوص اخذ ر شوه و بر ادا است و این وعده ضمنی شمارا که اگر بر سر کار بمانید از این قرار داد هیچ ضرری متوجه او نخواهد شد نیز باور کرده برای خیر و سعادت خود با جدیت تمام جلو تمام حوادث را گرفته مادام الحیوت مسند ریاست و زراع را بشما اختصاص داد و در مظان استجابت دعا نیز برای صحت و سلامتی شما قرآن سرگرفت بقول عوام پس از صد و بیست سال چه بایند بکنند و برای ترقی و پیشرفت آمال و خیر و سعادت خود یک همچو وجود شریف دیگری را از کجا بگیر بیاورد

میگوئید « این جانب همان فلورینکه »
 « تطبیق و ضعیفات جایه را با سال گذشته »
 « و مقایسه عملیات دو از ده ماهه موقتی »
 « خرد را بمجا کرمه و انصاف افکار عامه »
 « و اگر گذار نمودم در موضوع این موفقیت »
 « اساسی نیز وجدان پاک اشخاصی را »
 « که سعادت حقیقی مملکت علاقه مند »
 « هستند و از اغراض جاهلانه و حیثیات

« عوام قریبانه دورند و مبای حکم »
 « و تصدیق آنها نقل سلیم و منظور داشتن »
 « حقایق است حاکم قدر شناس و حق گذارم »
 « قضیه قرار داده امیدوارم نتایج حسنه »
 « این موفقیت منظور نظر حق شناس عموم »
 « اهالی مملکت بوده و بجزترین مزد خدمات و »
 « فداکاری های اینجاب که ظهور »
 « سعادت ابدی و حقیقی این مملکت است هر »
 « چه زود تر مشهود گردد »

اگر چه ما جواب تمام مطالب این قسمت از بیانیه شما را سابقا داده هم در مقایسه اوضاع دوازده ماهه زمام داری شما با یکسال قبل و هم بقول شما در این موفقیت اساسی و بعقیده باقی مردم در این ایران فروشی شما در مجاهلی خود کاملاً آفاده مرام نموده ایم و بعد از آنچه در این رساله در رد اظهارات شما و بیان حقیقت اوضاع نوشته ایم این شریطه است که در ختم بیانیه خود نگاشته ایم برای قراء محترم بی انداز مضحک و برای خود شما بی نهایت شرم آور است و بر فرض اینکه بیهودی اوضاع داخله را در مدت زمام داری شما از بعضی جهات جزئی باور هم

بکنیم تازه مثل شما مثل همان جراح
 شایسته است که سنگی از ممانه مر یضی
 بیرون آورده و بد بخت را در زیر عمل فدای
 جهالت خود کرده بود و با وجود این با کمال
 وقاحت در هر مجلس و محفل سنک را از کیف
 خود بیرون آورده و بمردم نشان میداد و
 مثل شما از زبردستی خود تعریف میکرد
 ظریفی ملتفت مطلب شده پرسید کار مریض
 بکیجا رسید؟ جواب گفت در زیر عمل
 بر حمت ایزدی پیوسته ظریف گفت
 آقای دکتر اگر زنده ماندن مریض شرط
 انسانی عمل نبود عیب بخودتان زحمت
 داده آلات دقیقه جراحی را بکار برده اید
 قصاب سر گذر با سا طور مسلما چگر مریض
 را زودتر بیرون میاورد

معدک در اینجا از ذکر یک حقیقت
 نمیقو انیم خود داری بکنیم و این حقیقت
 اینست که شما بحکم مفهوم مخالف اشخاصی
 را که با این قرار داد مشغول همراه
 نبوده در این ایران کشی و فنای اسلام با
 شما هم عقیده نیستند بسعادت حقیقی مملکت
 بی علاقه و دارای اغراض جاهلانه و
 حسیات عوام فریبانه و نمود کرده مبنای

حکم و تصدیق آنها را سفاکت و مستور
 داشتن حقیقت قلمداد مینماید ما برای
 دفاع از علاقه مندی خود بسعادت مملکت
 و دور بودن خویش از اغراض جاهلانه و
 حسیات عوام فریبانه و مبتنی بودن حکم و
 تصدیقمان بر عقل سلیم و منظور داشتن حقایق
 بشما میگوئیم که فقط پهلوان سیاست و داهی
 شرق و بزرگترین صدر اعظم آسیا یعنی
 شخص حضرت اشرف صاحب این عقیده هستید
 و با اینهمه تملقات که در این شریطه از
 کسانی که با شما هم عقیده شوند کرده اید
 و نسبت های زشتی که با شخص منکر و
 مخالف داده اید سایر مردم همگی حتی
 نزدیکان شما هم با این قرار داد مخالف
 و از آن بشری میجویند

از تنقید و تدقیق مطالب مندرجه در بیانیه
 شما فراتر حاصل کردیم حال ثبوت قرار
 داد شما است که از مقدمه آن صرف
 نظر کرده بمواد آن میپردازیم
 «(۱) دولت انگلستان با قطعیت هرچه،
 «تما مقرر تعهد اتیرا که مکرر در سابق،
 «برای احترام مطلق استقلال و تمامیت،
 «ایران نموده است تکرار مینماید»

سا بقا در ضمن تقاضای بیانیه شما
معنی تعهد استقلال و تمامیت دولت
را از طرف دولت دیگر کاملاً بیان
کرده ایم و امید داریم این تعهد فی نفسه
بر سر استقلال مملکت ما چه می آورد
گذشته از این سایر مواد استقلالی
برای این دولت باقی نمیگذارند که
دولت انگلستان تعهدی در آن موضوع
نموده باشد و در حقیقت بموجب این قرار
داد با ایران ما میگوییم

« شما مستقلید و لی اگر بخواهید »
« با دولتی قرار داد سیاسی یا »
« تجارتی ببندید یا با دولت
« انگلستان اجازه تحصیل کنید ! شما
مستقلید ولی اگر بخواهید پول قرض،
« کنید با دولت از انگلیس قرض کنید ! شما
« مستقلید ولی هر گاه خواسته باشید »
« راه آهن بکشید با پول آنرا از »
« انگلیس قرض کرده و بنظر انگلیسها »
« و بدست ما مورین انگلیسی بکشید ! »
« شما مستقلید ولی چنانچه خواسته باشید »
« بر ای استخراج معادن و تاسیس »
« کارخانهجات در مملکت خود اقدامی »

« شما نمیدانید با دولت از کابینه لندن اجازه »
« بگیرد ! شما مستقلید ولی صاحب منصبان »
« نظامی و عمال کشوری شما با دولت »
« انگلیسی باشند ! شما مستقلید ولی اگر »
« بخواید بنقطه از نقاط داخله قشون »
« سوق دهید با دولت از اولیای دولت »
« انگلیس اجازه حاصل کنید ! شما »
« مستقلید ولی اگر خواسته باشید بر »
« عده قشون خود بفرستید با بد متخصصین »
« انگلیسی لزوم آنرا معتقد شوند ! »
« شما مستقلید ولی اگر بخواهید تعرفه »
« گمرکی خود را اصلاح کنید با دولت »
« ماورین مخصوص انگلیسی در آن نظارت داشته »
« باشند ! و بالاخره شما مستقلید ولی در هیچک از »
« دوایر و ادارات مملکتی خود هیچ کاری که در آن »
« انگلیس هادماغ خود را انجامانده صرف خود و »
« ضرر شمارا منظر ندارد و مرفق نخواهد شد ! »
« معلوم میشود این استقلال خیالی
شما از وضوی در حومه بی بی تمیز هم
محکم تر است و همان طور که آن
عزیزه صالحه هیچ کار را ناقص وضو
نمیدانست شما هم هیچ چیز را منافی با
استقلال نمیدانید در صورتیکه استقلال

بقدری لطیف و باوقار از سزای انفعال است که یکی از این هزار بلائی که شما در ایران سرش آورده اید در مالک دیگر برای مخدوش کردن بلکه از میان بردن و معدوم نمودن آن کافیت و بهمین جهت در مواقع مزه که دول با یکدیگر اتفاق و یا اتحاد جنگی مینمایند چون ناچار معاهده نامه این اتفاق و یا اتحاد بعضی مداخلات طرفین را در کار یکدیگر مجاز مینمایند این است که برای این قبیل مداخلات مدت معینی مشخص میکنند و مقصود عمده از تعیین مدت این است که تصور نشود که یکی از طرفین همیشه اقدامات قشونی و مالی دولت دیگر را در کار خود مجاز کرده و ازین رو استقلال خود را از دست داده است

« (۲) دولت انگلستان خدمات هر «
 « عده مستشار متخصص را که برای «
 « لزوم استخدام آنها در ادارات «
 « مختلفه بین دولتین توافق حاصل گردد «
 « بخرج دولت ایران تهیه خواهد شد «
 « کرد این مستشارها با کمتر ات اجیر «

« و با نواختن اختیارات متناسبه داده خواهد شد «
 « شد کیفیت این اختیارات بسته بتوافق «
 « بین دولت ایران و مستشارها خواهد شد «
 « بود «

این ماده بدولت انگلستان حق می دهد که در لزوم و عدم لزوم و تده این مستشارها مداخله مستقیم نماید اختیارات این مستشارها نیز چون شروط بتوافق دولت ایران با خود آنها شده است مداخله غیر مستقیم دولت انگلستان را در کارهای این مملکت ایجاب میکند با لفظ اگر دولت انگلستان نظر بمصالح خود در بلعیدن ایران و سد یکدیگر از بی کفایتی ایران در بیابیه خود بدست او داده اید اراده نماید بفرمان مستشار تمام مستخدمین مرکزی و ولایتی کابینه وزارت خانه های این مملکت را از صدیران کل مرکزی گرفته تا ادنی مامور ولایتی از انگلیس ها و هندی ها انتخاب نماید و اختیارات فوق العاده نیز برای آنها تحصیل کند چه مانعی خواهد داشت؟ و مملکت ما با هندوستان و سایر مستعمرات

آسیائی و افریقائی و استرالیا ئی و
 ادریکائی انگلیس چه فرق پیدا خواهد نمود؟
 و مردم ایران از همت و زراء و مجلس
 شورای مجلس و تاج و تخت چه استفاده
 خواهند کرد؟

(۳) دولت انگلیس بخرج دولت
 « ایران صاحب منصبان و ذخایر و »
 مهمات سیمتم جدید را برای تشکیل قوه
 « متحدالشکل که دولت ایران ایجاد »
 « آنرا برای حفظ نظم در داخله و سر »
 « حدات در نظر دارد تهیه خواهد »
 « کرد عده و متدار ضرورت صاحب »
 « منصب و ذخائر و مهمات مزبور بقرسط »
 « کمسیونیکه از متخصصین انگلیسی و »
 « ایرانی تشکیل خواهد گردید و احتمیاجات »
 « دولت را برای تشکیل قوه مزبوره »
 « تشخیص خواهد داد همین خواهد شد »
 بموجب این ماده صاحبمنصبان قشون
 ایران باید انگلیسی باشند و در اندازه
 لزوم قشون و متده صاحبمنصبان آنهم
 دولت انگلیس مدخله مستقیم دارد و
 بر این هرگاه دولت انگلیس بخواهد
 از سر کرده تا اسپهران قشون ما

انگلیسی و هندی یا شتمه هیچ مانعی برای
 پیش بردن مقصود نخواهد داشت و
 چنانچه از اده نما بقده قشون ایران
 را بیک ملیون یا بضعبرسانند در هیچیک
 از طرفین افراط و تفریط اشکال و
 محدودی برای آن دولت در ~~صکار~~
 نیست و بی اختیار و بی دولت ایران در
 سوق الجیش از اختیار آن مطلقه صاحب
 « بمعیان منتج خواهد شد »

« (۴) برای تهیه و تسال نقدی »
 « لازمه بجهت اصلاحات مذکوره در ماده »
 « (۲) و (۳) این قرار داد دولت انگلستان »
 « حاضر است که یک قرضه کلی برای »
 « دولت ایران تهیه و یا ترتیب انجام آنرا »
 « بدهد تضمینات این قرضه با اتفاق نظر »
 « دولتمین از عایدات گمرکات یا عایدات »
 « دیگری که در اختیار دولت ایران »
 « باشد تعیین میشود تا مدتی که مذاکرات »
 « استقرار مزبور خاتمه نیافته دولت »
 « انگلستان بطور مساعده و جواهرات لازمه »
 « که برای اصلاحات مذکوره لازم »
 « است خواهد رسانید »
 مطابق اطلاعی که حاصل ~~صکار~~ کرده ایم

تنزیل این استقراض از قرار صدی هفت
و دولت ایران متعهد شده است که تا مدت
بیست سال این قرض را ادا نماید معنی
این شرط بی قدرتی بیست سال ایران
است نسبت بهر استقراض دیگری و در
خصوص گران تنزیل این قرض هم در
محل های خود کاملاً توضیح داده ایم
« (۵) دولت انگلستان یا تصدیق کامل »
« احتیاجات فوری دولت ایران بترقی »
« وسایل حمل و نقل که موجب تسامین »
« و توسعه تجارت و جلوگیری از قحطی »
« در مملکت میباشند حاضر است با دولت »
« ایران موافقت نموده اقدامات »
« مشترکه ایران و انگلیس را راجع »
« بتاسیس خطوط آهن با اقسام دیگری »
« وسایل نقلیه تشویق نماید در این باب »
« باید قبلاً مر اجعه بمتخصصین شده و »
« توافق دو لیتین در طرحها نیکه مهمتر »
« و سهلتر و مفیدتر باشد حاصل شود »
مطابق این ماده دولت انگلیس
فقط اقدامات مشترکه ایرانها و
انگلیسها را در موضوع راه آهن
ایران تشویق مینماید یعنی تفحص نموده

سر مایه دارانی که از قرار صدی
هفت پول با ایران قرض بدهند پیدامی
کند تا ایران از آنها پول قرض کرده
از انگلیسها آهن (لو کو مو تیف) و
لوازم دیگر خریدند به مهندس و عمالجات
انگلیسی حقوق بدهد و راه آهن بسکشد
و منافع آنرا که مسلماً با استهلاک اصل
و فرغ صدی هفت وجه استقراضی و فا
نخواهد کرد کلاً تسلیم سر مایه دارهای
انگلیس نموده سهل است یکی دو فقره
از منافع عایدی دیگر خود را هم در
این کار از دست بدهد دولت ایران
در عوض این خدمت بزرگ دولت
انگلیس را در تعیین خطوط از راه
« توافق دو لیتین در طرحهای مهم تر
و سهل تر و مفید تر » صاحب اختیار مطلق
مینماید تا آنند و لت خط سوق الجیشی
خود را بخرچ این مملکت تا مینماید
و مقاصد تجارتی خود را نسبت با ایران
و ممالک دیگر عالم کاملاً پیش ببرد
منافع گرا به راه آهن بعد از
مصارف نگاهداری و کردش آن هیچ
وقت و در هیچ جای عالم با فرغ صدی

مخارج تاسیس آن مکافئه نمیکند تا
رشد با استیلاک اصل آن در این
صورت یا دولت ایران بایده از داشتن
راه آهن در مملکت خود صرف نظر
گند یا هستی خود را در راه استیلاک
بقیه اصل و فرغ مخارج تاسیس راه آهن
از دست داده قشون کشی انگلیس را
تأمین و راه تجارت او را هموار نماید
دو لی که از تاسیس خطوط آهن در
در مملکت خود استقفا ده میکند در مقابل
فرع صدی دوو سه است نه فرع صدی هفت

« (۶) دو لئین توافقی مینمایند در
« باب تعیین متخصصین طرفین برای تشکیل »
« کمیته که تعرفه گمرکی را امر اجعه »
« و تجدید نظر نماید و با منافع حقه مملکتی »
« و تهیه و توسعه و سایر ترقی آن »
« تطبیق نماید »

بموجب این ماده دولت ایران
احتیاج را انتشار تعرفه گمرکی خود در سا
که تمام دولت مستقله عالم دارا میباشد
از دست داده است و بعد از آنچه
در این موضوع سابقا نگاشته ایم دیگر
اینجا بتکرار مطلب نمی پردازیم

راجع بمواد سه گانه ضمیمه قرار
داد نیز چون ما در ضمن نشر بیانی
شما هر سه ماده را تحت دقت در آورده
و نظریات خود را در آنجا نوشته ایم
برای احقر از آن تکرار از تجدید
آنچه سابقا نگاشته ایم صرف نظر مینمائیم
و لی این یک نکته را هم نمیتوانیم
ناگفته بگذاریم؛ شما که اختیار مالی
و قشونی و اداری ایران را با امره
با انگلیس ها واگذار داشته و دست ایران
ها را در تمام کارهای مملکتی خود
بسته اید آیا هیچ فکر کرده اید که
هرگاه یکی از دول همجواری ایران
خیال بد همسایگی داشته بخواند نسبت
بجوق و حدود ما تعدی یا تخطی بنماید
پا کدام توه از و جلو گیری خواهیم
کرد؟ انگلیس ها که بموجب این قرار
داد برای حفظ و صیانت ما از تعرض
همسایه ها ضمانت و تعهدی نکرده اند!
پس خوب بود حالا که تمام ایران
را تو بره کرده و بسکول انگلیس
گذاشته اید قاعدتاً من له الغنم و علیه الغرم
زاد را این قرار داد از نظر دور نداشته

همان طور ~~صکته~~ انگلیس را مالک همه چیز
این مردم بر کشته بخت کرده اید دفاع
از این مملکت را هم بر عهده خود آن
دولت مقرر نمیکردید نه بشکل حالیه که
انگلیس ها در مواقع عادی هستی اهالی
را از دستشان بگیرند و بمجرد اینکه
خطری متوجه مملکت شد پای خود را
کنار کشیده و مردم را با نداشتن
هیچ گونه وسیله دفاعیه و قوه
و تدارک و بسطید و تخریب که بواسطه
طول مدت و عدم اعمال قطعه از دست خواهند
داد بحال خود و برحم و مروت همسایه
و اگذارند و همینکه مجدداً مملکت
بحال صلح و آرامی معاودت کرد باز
آقایان بخود ذر حمت داده بیایند و
التفات فرموده منافع خود را جمع
آوری کنند

از مذاق قراره شما هم فارغ
شدیم اگر چه در ضمن تنقید بیانیه و
تشریح قراره داد که جمله بجمله و فصل
بفصل تحت مذاکره آورده ایم تمام
جبهات و محسناتی که شما بر ای بستن این
قراره داد و انمود کردید اید رد کرده

و بضار قرار داد را کاملاً ثابت و در
هر مورد در راه های بهتر بیکه میتوانستید
از آن راه و اردکار شده و نتیجه
بترری بگیرد نمودیم معذالک برای
اینکه هیچ مطلب ناکفته نمونده حجت
کاملاً بر شما تمام باشد خوب است يك مرتبه هم
بطور کلی مطالب بیانه شماره تحت بحث بیاوریم

* *

سر تاسر بیانیه مفصل شما برای
اثبات مطالب ذیل است :

« پول میخو استیم ند ا شتیم اساجه »
« لازم داشتیم نبود کار گز متخذه ص »
« لازم بود و بودند اندت همه ای بیای »
« ما خود را بجای های عالی تر اتصال »
« داده بودند برای ما هم لازم بود »
« با بزرگان و صلتنی کنیم »

ذیلا این چهار موضوع را تحت
مذاق آ و رده در ضمن طریق بهتر و کم
ضرر تر بیکه از آنها هیچ خطری استقلال
این مملکت متوجه نمی شود مینمائیم

« پول میخو استید ند ا شتید » -
ما در جای خود ثابت کرده ایم که شما
میتوانستید مثل اسلاف خود با در آمد

های مملکتی گار مملکت را ادا کرده کنید
 و این در اینجا همچو فرض میگیریم که
 واقعا این ول خرجی ها لازم و دولت
 ایران ناگزیر بود که پول قرض کند
 و به دستخورها و هرزه گوها و کلاشها
 بدهد و در هر عطای بیجا طمع صد نفر
 خالی الذهن را بحرکت آورده خود
 را مطمع یا وسراهای طماع و ول
 گردهای بی مصرف که با این طرز روز
 بروز در تزیایدند قرار بدهد آری
 لازم هم بود که این پول از انگلیس
 گرفته شود؟ انگلیس ها خودشان امروز
 از سایر ملل استقراض میکنند خواهیند
 گفت سایر ملل بعا قرض نمیدادند و ما
 مجبور بودیم انگلیس را دلال استقراض
 خود قرار بدیم کس او صدی سه از
 سایرین قرض کند و صدی هفت بما
 قرض بدهد اگر اجازه بفرمائید استدعا
 میکنم آن اقدامی که شما برای استقراض
 در نزد سایر ملل کرده اید نشان بدید
 و حال ایران را با لهستان مقایسه بفرمائید
 آیا میتوان تصور کرد دولت اتا زونی
 امریکا بدولت لهستان که تازه از تقسیم

روسیه ایجاد شده و از اثر جنگ بین المملی
 و انقلاب عظیم روسیه ما به هر کوه
 زراعت و صنعت را باختیم و مدعی همسایه
 مثل بلشویک ها را دارد صد ملیون دلار
 « صد ملیون تومان » قرض بدهد و از
 قرض دادن بدولت ایران که هیچیک
 از این اشکالات را ندارد استتکاف
 نمایند؟ آیا بیایه سفارت امریکا که
 ما عین آنرا در این رساله درج کردیم
 برای رفع این شبهه و ثبوت دایطلبی
 آن دولت در کمک مالی با ایران کافی
 نیست؟ گذشته از این در بیست سال اخیر
 دولت ایران را همین انگلیس کرا را
 استقراض کرده و هیچوقت شرابط
 مضری قبول ننموده است دولت روسیه
 تزاری با آن طمع کذائی که در بلعیدن
 این مملکت داشت نیز چند دفعه بما قرض
 داده و هیچ این قماش شرابط در بین
 نبرده است آیا چه پیش آمدی شما را
 مجبور کرد که استقراضی را که باید
 ساده و با ربح ارزان بوده و جز
 شرابط ادای فرع و استهلاك اصل
 هیچ شرط دیگر بر احواص نباشد به

استخدام عمال انگلیسی در مالیه وسایر
دو اثر و ریاست صاحب منصبان آن
دولت در قشون مشروط نموده و استقلال
خارجی و داخلی يك دولت و هستی يك
ملت را در عوض استقرار چند ملیون
تومان بار بچ گران از دست دادید
و دولت ایران را مستعمره انگلیس
گردید؟

« اسلحه لازم داشتیم نبود » -

ملل دیگر هم هستند که از خود
اسلحه سازی نداشته از سایرین می
خرند هیچیک از آنها استقلال خود را
برای خرید اسلحه کهنه وانگذاشته اند
اسلحه برای حفظ استقلال است هیچ
عاقلی برای تحصیل مقدمه نتیجه را از
دست نمیدهد دولت ایران و حتی اشخاص
عادی این مملکت همیشه از سایر ملل اسلحه
خریده اند و جز يك کتبات با صاحب
کارخانه که در آن شرایط تسلیم مال لئجاره
و ایصال وجه مقید بوده است هیچ مقدمه
دیگری نداشته تفنگهای لوبل توپهای
شنیدر فرانسوی تفنگهای پنج تیر روسی
و مهمات ایتالیائی زانندار می از سوئد

و تفنگهای خریداری اشخاص متفرقه
از آلمان و سایرین که در این مملکت
فراوان است ادله موجوده آن می
باشد و در جای خود نیز گفته ایم که
در این معاملات همیشه فرود شده عقب
مشتری میگردید آیا در این صورت حق
نداریم بپرسیم خرید اسلحه کهنه برای
چه باشد موضوع قرار داد بین دولتین
باشد؟ و در مقابل اسلحه کهنه آیم بعد
از جنگ چرا با یاد استقلال يك دولت بر
باد برود؟

« کارگر متخصص لازم بود وجود نداشت »

ما نمیخواهیم در اینجا آنچه را
که سابقا راجع به عدم احتیاج ادارات
ایران به متخصصین فنی نوشته ایم تکرار
کنیم و موقفا تکرار کرده متخصصین فنی را
برای خود لازم می شماریم آیا لازم بود که تمام
مستشارها از يك ملت آیم از انگلیس باشند؟
بزرگترین دلیل شما برای « توسل
بمیدان و احد فنی » احترام از حصول
رقابت بین متخصصین و وحدت اسلوب
است که ما در جای خود بی اساس بودن
این سفسطه شما را که ملائمات کرده و

مدال داشتیم که بر خلاف گفته شما منافع
ایران مستلزم آنست که در صورت
احتیاج هم برای هر يك از دو ایر خود
از ملتی مستخدم بیاورد که واقعا در
آن فن متخصص باشند و ضمنا از رقابت
آنها هم استغاده کرده خود را گرفتار
تعرض و اعتصاب آنها ننمایند

راجع با انتخاب ملیت متخصص نیز
در جای خود گفتیم که انگلیسها بسا
و جو دداشتن منافع اقتصادی و طمع
سیاسی در ایران از همه ملل برای
این انتخاب ناشایسته تر و از نقطه نظر
منافع ایران ناسزاوار ترند و در اینجا
از تکرار آنچه سابقا در این باب نوشته
ایم احترام از میکنیم

پس نفع ما در این بود که بر فرض
احتیاج از مال مختلعه که هیچگونه نظر
اقتصادی و طمع سیاسی در ایران و
هیچ اتحاد و اتفاق و بند و بستى با ذی
طمعها نداشته باشند مثلا برای فواید
عامه از هالاند و مالیه از امریکا و جنک
از سوئد و عدلیه از سویس مستشار و
معلم استخدام کنیم

اما شما این کار را نکردید سهل است
اگر ساده استفاده مستشار و معلم را
موضوع قرار دادید بین خود دولت
انگلیستان نموده حتی اختیار نیاوردن
مستشار را هم از ایران سلب و دولت را
مجبور نموده اید که من بعد همیشه
ادارات و قشون خود را بتوسط مدیران
و صاحبمنصبان انگلیسی اداره کنند دولت
ایران در سابق هم مستشار و معلم خارجی
خیلی اجیر کرده است آیا هیچوقت با
دولت آنها قبلا قرار دادی بسته است؟
از از منته سابقه بگذریم در همین بیست
سال اخیر استخدام مستشاران و معلمین
بلژیکى و سوئدی و امریکائی و فرانسوی
برای گمرک و وزارت خازنه و
زندان مری و مالیه و عدلیه و داخله
جز بتوسط يك کمترت بین ما مورین ایران
با خود مستشارها بطریق دیگری صورت
گرفته است؟ آیا دولت ایران با دول
مقبوله این مستشارها در موضوع این
استخدام هیچ قرار دادی که حاوی
شرطی اعم مضر یا غیر مضر باشد بسته
است؟

از این هم میگذریم هر سوم این است که در صورت لزوم برای هر وزارت خانه یکی دو نفر مستشار می آورند تا در معضلات امور که واقعا مدبران بومی از عهده حل آن بر نیایند یا در طرح ریزیهای مهمه طرف استشاره باشند نه اینکه بدون هیچ قید عده و تعیین مدت با دولت قوی همسایه شرط کنند که مدبران ادارات و صاحب منصبان قشونی بنوع عده که دولت همسایه لازم بدانند و تا هر وقت که آمد دولت صلاح اندیشی کند منحصر از اقتبای آن دولت بوده قلم امضاء و کلیه اختیارات اداری بسه آنها تفویض باشد

ما هر چه فکر میکنیم نمیتوانیم سبب مشروع منطقی برای این اقدام شما بتر اشیم شاید بفر ما بگوید اگر از انگلیس ها آن هم با این شرایط استفاده نمی کردیم آنها ممانعت میکردند که از سایر ملل مستخدم اجیر کنیم اگر چه مناقشات روزنامهجات و تبادل یادداشت های رسمی و نیم رسمی بین دولت انگلستان و سایر دولت قویه عالم در موضوع این

قرار داد دو عدم رضایت آنها از این خرید و فروش کاملاً برای اثبات خلاف این فرمایش کافی است ولی ما باز موقتاً تنزل کرده در این ادعا نیز باشما همراه میشویم و نفوذ انگلیس را بر تمام دول و نفوذ دول اذرنوبت خود بر افراد ملتشان بقدری تصور میکنیم که با وجود مجمع اتفاق ملل باز هم بتوانند از استفاده فنی غیر از انگلیس برای ایران جلوگیری نمایند در این صورت آیا انگلیس میتواند اختیار نیاوردن مستشار را هم از ما سلب کند؟ اگر ما اصلاً از استخدام جدید مستشار و معلم صرف نظر کرده و بر فرض احساس احتیاج مبرم داشته عملیات سوئدی ها و بلژیکیها را از ژاندارمری و گمرک بما لیمه و قشون بسط داده کار خود را پیش ببریم ازین وضعی که شما برای ایران تدارک دیده اید و این مملکت را مستعمره انگلیس کرده اید بهتر نبود؟

اگر بفر ما نمید در این صورت انگلیس ها بما پول نمیدادند مگر شما نمیشویم ولی در جای خود ثابت کرده ایم که

سایرین بر ای پول دادن به ایسران
حاضر بودند

« دول جدید التاسیس همچو ارما
« خود را بجای عالی تر اتصال داده
« بودند بر ای ما نیز لازم بود با بزرگان
« و صلتی بکنیم »

اتصالات دول عالم چیز تازه نبوده
و همیشه دول علی الخصوص همسایه ها
بواسطه اشترک منافع با یکدیگر اتفاق
و اتحاد میکنند یا در موضوع معینی با هم
معاهد میشوند تاریخ دنیا از این وقایع
مملو و در هر صفحه آن شرح یکی از
این هم پیمانی ها مندرج است از از منته
قدیم و فرورن وسطی و عهد معاصر گذشته
در دوره تاریخ جدید چندین اتفاق
و اتحاد بین دول واقع شده و مهمترین
آنها که میتوان علت العلل جنگ های اخیر
بین المللی فرضشان کرد : اول اتحاد
تدافعی و تعرضی بین آلمان و اطریش
و ایتالیا است که تا بعد از ظهور جنگ
های بین المللی برقرار و بواسطه نقص
عزیمتیکه از طرف ایتالیا بعمل آمده بر هم

خوردند دیگر اتفاق بین فرانسه و روس
است که طرفین بواسطه نگاه داری
خود در مقابل اتحاد مثلث سابق انگل
با یکدیگر متفق شده و در این اواخر
انگلیس نیز بواسطه پیشرفت رقیب صنعتی
و تجاری خود آلمان خویش را با
آنها نزدیک کرده و بالاخره داخل
این اتفاق گشت و سایر دول اروپا
هم بمناسبت نزدیکی منافع بعضی بیکطرف
برخی بطرف دیگر متمایل بودند و عده
از آنها نیز بی طرفی صرف خود را حفظ
کردند

اتفاق و اتحاد دو یا چند دولت
با یکدیگر در زمان جنگ بر ای کمک
و مساعدت و در اوان صلح بجهت اخافه
و تهدید رقبای طرفین است که در موقع
جنگ پشتیبان یکدیگر بوده زود
تر بر حریف غالب آمده و او را بساح
مجبور کنند و در موقع صلح نیز موازنه
قوای را در دست داشته در مقابل حریف
های خصوصی خود بقوانند از تجاوز
و حقوق خود و بالتبعیجه از جنگ جلو
گیر ی و بصلح و مسالمت حد و د و حقوق

خود را محفوظ دارند
پس اشتراک منافع اصل اصیل و
ریشه و پایه تمام اتحادها و اتفاهای
بین دول و همین اشتراک و تضاد منافع
است که آلمان و فرانسه همسایه را با
یکدیگر دشمن و انگلیس و ژاپون را
که یکی در مغرب اروپا و دیگری در
مشرق آسیا است با یکدیگر دوست و
در موقع جنگ روس و ژاپون و جنگ
های اخیر بین المللی این دو دولت را
با یکدیگر هم پیمان مینماید باز همین
اشتراک و تضاد منافعست که باغار و
عثمانی را با وجود عدوت دیرینه که
با یکدیگر داشتند با هم معاهد کرده
بکمک آلمان و اطریش بر ضد انگلیس
و روس و فرانسه بجنگ وادار میکند
همین اشتراک و تضاد منافع است که
قره طاق و صرب و رومانیر با همسایه
های نزدیک خود بصدیت و ادداشته به
کمک انگلیس و روس و فرانسه بر ضد
آلمان و اطریش و عثمانی و بلغار وارد
جنگ میکنند و بالاخره همین اشتراک
و تضاد منافعست که انگلیس و فرانسه

و ژاپون را که یکی پرستان دیگری
کاتولیک سو می آر تو د کس چهار می
بودائی هستند با آلمان و اطریش و
عثمانی که اولی پرستان و دومی کاتولیک
و سو می مصلحتان میباشند به نیرد و ا
میدارد
بنا بر این اشتراک منافع ابتدا
مربوط بقوت و ضعف و همسایگی
و بعد و اتحاد و اختلاف مذ هب نبوده
بسیار تعلق می افتد که قوی ترین دول
عالم یا اضعف ملل بواسطه پیش آمد های
این عالم کون و فساد مشترک المصقع و اقع
شده و با وجود فاصله اقیانوس ها و
صحراها و اختلاف مذ هب متحد یا متفق
یا معاهد میشوند چنانکه در جنگ بین المللی
انگلیس و اتاریش و فرانسه بکمک
قره طاق و پرنفال در اروپا و پروس
و پاناما در امریکا محتاج و با آنها هم
پیمان و متفق شدند و دولت انگلیس با
آرمه نفوذ و قدرت برای حفظ مستعمرات
آسیائی خود در مدت هفتاد سال همه
گونه حمایت و همراهی از افغانها نمود
سخت خود را باج گذار آنها هم نموده بود

ما در جای خود بثبوت رسانده
 ایم که دولت جدید التاسیس همسایه ما
 بهیچ جا خود را بستگی نداشته با همه
 مصیبت‌ها نیکه در پیش دارد خود را
 قائم بالذات معرفی میکنند و ای چون
 اتفاق و اتحاد دو هم پیمان با دولت
 همیشه بر ای دفع همسایه نبرده ممکن
 است دو دولت بجهت جلب منافع مادی
 و معنوی بایکدیگر هم عهد شوند این است
 که ما ابتدا ~~بیکر~~ اتفاق و اتحاد با
 انگلیس نیستیم بلکه بواسطه همسایگی و
 سابقه و داد و ستدی هم پیمانی با آن
 دولت را اگر برای ایران لازم
 نشودیم لامحاله نافع میدانیم اما چه
 شکل هم عهدی و چه قسم هم پیمانی؟ هم
 پیمانی که در آن منافع طرفین منظور
 شده در موردیکه نفع یکطرف مستلزم
 ضرر طرف مقابل نباشد طرفین متعهد
 شوند که در پیشرفت آن مقصود کنفس
 واحده بکوشند و در مواقع تصادم
 منافع نیز نفع و ضرر طرفین را بایک
 دیگر سنجیده منافع و مضار این خود تقسیم کنند
 و بایکدیگر متحد یا متحد قیادعا دهند و نه اینکه

تمام مواادعاهده بر ضرر یکطرف و
 نفع طرف مقابل بوده طور ی تسبیق شده
 باشد که بموجب آن استقلال خارجی
 و حق حاکمیت داخلی ایران سلب و
 این مملکت مستعمره انگلیس شود سهل
 است هر گاه از همسایه‌های ایران زحمت
 و زیان و خطری متوجه این مملکت شود
 دولت انگلیس هیچگونه ضماقتی و هیچ
 نوع تعهدی بر ای جلو گیری از آن
 نداشته و بهیچوجه خود را بر رفع غائله
 و کمک مادی و معنوی بایران مکلف
 نداند

بر فرض اینکه ایران بتول تمام
 بیول و اسلحه و مستشار محتاج و جز
 انگلیس دولت دیگری که بایران کمک
 نماید یاقت نمیشد و ما از هم پیمانی با آن
 دولت ناگزیر بودیم آیا انگلیس نیز
 بجهت بازگردن بازار تازه مصنوعات
 کارخانه و ترقی دادن تجارت خویش
 و از همه بالاتر بجهت حفظ مستعمرات خود
 محتاج بایران نبود؟ آیا پول قرض
 دادن و اسلحه فروختن انگلیس بایران
 تجاری نیست که راه تجارت آتیه را

صاف تر و هموار تر میباشد؟ دیگر دو
مقابل این تجار تین تپور را اگذاشتن
اختیار قیون و مالیه و گمرک و تمام
ادارات که استقلال داخلی و خانجی
دولت ایران را بر باد میدهد و ایران
را مستعمره انگلیس میباشد برای چیست؟
آیا در حین جنگ های بین اعلیای دولت
فره طاقی در اروپا و کاستار یکا در
امر یکا با همه ضعف و بی قدرتی در هم
پیمانی و اتفاق با قوی ترین ملل یعنی
انگلیس و فرانسه و اتا زونی چنین
شرایطی بلکه خیلی از این سهلتر را
پندیرفته اند؟ آیا این دو دولت ضعیف
ادنی مداخله دولت متعهد خود پیش را
در مملکت خود قبول کرده و مامداری
یک نفر مستخدم آنها را در مملکتشان
متعهد شده اند؟

اینجا است که میخواهیم باز از
شما استفسار کنیم کسه تریس از چه پیش
آمد و خیم تر و فاحتر از از ~~کند~~ ام
آتیه تا اگر از تر شما و ابابین ایران
کشی و ادا دار نمود؟ جواب بی پولی و
امنی داخله وجود تر و تر و قحطی و

امراض را در جای خود داده و به
ثبوت رسانده ایم که هیچ يك از این
اشکالات که شما در بیانیه خود با آن
همه آب و تاب مرقوم فرموده اید وجود
نداشته سهاست و ضعیف داخلی ما از هر
جهت بهتر از ادوار قبل بوده است
ولی در اینجا باز با شما همراهی کرده
فرض مینمایم که بقول شما عوامل مهلاکه
واقعا پیش از آنچه شما نوشته اید
موجود و سر تا سر مملکت پر از قتل و
قتل و چپاول و مستانم بهانه جوئی و
مداخله همسایه و بالاخره بمحو استقلال
ما منجر میشد آیا آنطور محو استقلال
قطع نظر از مشکلاتیکه برای اجرای
آن پیش آمده و وقوع آنرا عملا محال مینمود
از این تسلیم بر خاور ثبت و باسند بهتر نبود؟

از رد کلیات بیانیه و قرارداد شما نیز فراغت
حاصل کرده حجت را بر شما تمام و راه
نمایشی خود را هم کردیم حال بی مناسبت
نیست نظری به آتیه ایران انداخته حال
این مملکت را در بیست و پنج سال بعدیا
با صلاح اروپا آنها در ز نراسیون
(طابقه) آتیه تحت ملاحظه آورده به بینیم

اگر خدای نخواست این خوابی که
شما برای ایرانیه دیدید این صغات
و اجلام نپاشد و اسباب الفانی این قرار
داد طوعا یا کرها فراموش نیا مده انگلیس
ها موافق نظر اتمیکه شما در آن بکنار
برده آید موافق با جرای آن شوند و ایران
برای رهایی از شر عقرب بمار پناه نبرده
با با زوهای کشوده با استقبال بشویرم فرود
و بعبارتة اخری کار بمان محور بکنه شما و
هم پیمانای شما تسویر مینماید کردش
کنند احوال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی
ایران چه خواهد شد

الف - احوال سیاسی

۱) روابط خارجی چنانکه سابقا اشاره
کردیم با این قرار داد شما ایران از
حالت استقلال تام و تمام تنزل کرده
مستعمره انگلیس خواهد شد و بیست و پنج
سال مدت کاملا کافی است که مقاصد شما
را در باره این مملکت با جرای برسانند
و قلمرو سیروس و داریوش هرگز منشی و
اردشیر و هخامنشی و ان ساسانی
اسما و رسما داخل در عداد مستعمرات
انگلیس بشوند در این صورت کارهای

خارجی ایران با سایر ملل بتوسط مامورین
انگلیس صورت خواهد گرفت و بساط
سفارت خانه های ایران در پای تخت
دولت بر چیده شده بجای تمام سفارت
خانه های دیگر که امر و زه از دولت
مختلفه عالم در طهران اقامت
دارند فقط يك وزیر مقیم انگلیسی که
اسما و وزیر مقیم و عملا نایب السلطنه ایران
است در این پای تخت رحل اقامت
خواهد افکند

سرپرستی ایرانیه در ممالک خارجه
با قسوهای انگلیس و قسوهای سایر
دولت در شهرهای ایران با فرمان اجرای
انگلیس ها بوظایف خود قیام خواهند
نمود

اداره امور ایران از وزارت
خارجه انگلستان بوزارت مستعمرات
آن دولت منتقل و ارضیو آن از آن
وزارت خانه باین وزارت خانه تحویل
خواهد شد

اطفال و برادرزادگان مادر اطلس
های جغرافیائی قطعه ایران را هم رنگ
انگلستان خواهند دید و آخر الامر

پادشاه انگلستان و ایرلاند در عوض
از دست دادن عنوان پادشاهی ایرلاند
عنوان امپراطوری ایران را بر
سایر القاب خود افزوده پادشاه
انگلستان و امپراطور هندوستان و
ایران مخاطب خواهد گشت

(۲) استقلال داخلی - چون در محل
خود استقلال داخلی را تفسیر کرده و
بشبهت رسانده ایم که با این قرار داد
شما گذشته از استقلال خارجی این
استقلال هم ایران را وداع گفته تمام
امور داخلی این مملکت بدست انگلیس
ها خواهد افتاد دیگر اینجا محتاج به
اقامه دلیل نبوده بطور مختصر میگوئیم
اختیار قشون گیری و سوق الجیش
و مالیه و ادارات را که روح استقلال
داخلی است از امروز با نگیسها داده
اید و بیست و پنج سال وقت بخوبی کفایت
میکند که اگر از لفظ قرار داد بعضی
از اختیارات برای ایران باقی مانده
باشد بتفسیر و ترجمه و زور و فشار و ایجاد
سابقه انگلیسها این خورده ریزها را
جمع آوری کرده کلیه اختیارات را

بدست گیرند و تمام کارها را بر آید
و میل و نفع خود داده اند که در این
صورت در زمره آسیون (طبقه) بعداسمی
از استقلال داخلی نخواهد بود

(۳) پادشاه - جانشین داریوش
هخامنشی که تمام ممالک معموره آسیا
و اروپا و افریقا باج گذارش بودند
وارد شیر و شاپور و انوشیروان ساسانی
که دولت با عظمت روم را ذلیل و زیون
قهرماقان ایرانی میداشتند و الب ارسلان
و ملک شاه و سلطان سنجر سلجوقی که
از حلب تا کاشغر میدان سلطنتشان بود
و شاه عباس صفوی که از قلیس تا هرات
و از جیحون تا فرات سکه بنام نامیش
میزدند و خطبه با اسم ساسانی میخواندند
و نادر شاه افشار که قشون فاتح خود
را تا دهای برده تمام ترکستان و
هند و سمن را ضمیمه شاهنشاهی ایران
نمود بیست و پنجسال دیگر مجسمه بیروح
و همیکلی بی اراده و فنکار اف بد صدائی
خواهد بود که آواز منکر انگلیسها
را از شیوه حلقوم خود بمسامع عالمیان
علی الخصوص ایرانیان خواهد رسانید

گذشته از چنانچه ما همی چندین هزار
تومان و گردش و تقریب کارش منحصر
با مضای اورا قی است که روح او از
سبب لزوم و منافع و مضار آنها خبر ندارد
اختیار تعیین و وزراء و حکام و صاحب
منصبان و عمال کشوری و لشگری و
قضائی نظر داشتن در وضع و اجرای
قانون منفصل کردن مجلس شورای ملی
و امر بتجدید انتخابات عفو مقصرین به
عبارت اخیر تمام اختیار را تکی که
قانون اساسی با و داده است همه را
از دست داده در هر کار تابع و مطیع
میل و اراده و وزیر مقیم انگلیسی خواهد
گشت حاشیه مختصری برای او تعیین می
کنند ولی اختیار تغییر آنها را نداشته
حتی در تعیین و انتخاب پیش خدمت و
فراتر خلوت و خواجه سرایان خود
نیز برای او اختیار باقی نخواهد گذاشت
گذشته از این وجود و بقای او
تابع میل و اراده کابینه سن زام است
و اگر او را منحل منافع خود ندانسته
باقیش میگذارند و الا او را از این
تابع و تحت دروغی نیز محروم و از

مملکت تبعید میکنند و دیگری را که
بهتر و بیشتر با خیالات آنها مساعد بنظر
بیاید بجای او مینشانند چنانچه در
موقع ورود عثمانی در جنگ بین المللی
با عباس حلمی پاشا خدیو مصر همین معاهده را
مجرى داشته پس دعوی اوساطان سین را بجای او
شاندند (۱)

(۳) مجلس - حالت قوه مقننه این مملکت را
در ایست و پنج سال بعد اعم از اینکه يك
مجلسی باشد یا دو مجلسی از انتخابات این
دوره میتوان تفرس نمود و کلا عموم ما
خواه اخواهای جدی بلکه خدمتگذاران
صمیمی انگلیس خواهند بود مجلس

۱ هزار بار شکر که بهمت فرزندان
کار این خواب هو لنا کی که برای ایران
دیده بودند اضاقت و احلامشده ام روز آمال ملی و
کمال مقصود ما یون ایران یکی بود از دیگری
بدست قایم با عظمت ایران اجرا میشود و فقط
اراده ایران و ایرانی است که کارهای
مملکت را با حسن انتظام و نهایت استقلال و
شکوه و جلال اداره میکنند و هیچکس جرات
ادنی مداخله در کار مملکت ما ندارد و
این نیز یکی دیگر از مفاخر عصر شاهنشاهی است

هر چند ماه یک مرتبه چند جلسه خواهد داشت و این جلسات برای تصویب قوانین و نظاماتی است که دستور آن از طرف انگلیس ها رسیده باشد تمام قوانین از مجلس یا مجلسین خواهد گذشت و تمام مالیاتها و عوارضی که بر مردم تحمیل خواهد گشت از طرف مجلس شورای ملی تصویب خواهد شد ولی در وکلانها آن وطن پرستی و نه آن حریت فکر و جرات هیچیک یافت نمیشود که بتوانند بر خلاف میل و دستور وزیر مقیم انگلیس پیشنهادهای بکنند یا رأی بدهند و جدا از هم مسئولیتی ندارند زیرا خودشان بخوبی میدانند که روح ملت نیز از انتخاب آنها خبری ندارد و در صورتی که انگلیسند حقوقی میکشند و در عوض مطابق میل آنها رأی میدهند (۵) و زراعت در صورتیکه وجود تمام وزارتخانههای فعلی را لازم بشمارند یا برای آنها وزیر ولو اسمی هم باشد نگاه دارند وزیر در کار و زارتی خود مثل پادشاه در اعمال سلطنتی خواهد بود همانطور که پادشاه مطیع اوامر وزیر مقیم انگلیسی است و زراعت هم

امروز و تری دستاورد های انگلیسی خواهند شد تمام اختیارات از تعیین تراش و پیشخدمت گرفته تا انتخاب مدبران کل وزارتخانه با دستاوردت در تعیین وزیر نیز منحصر نموده از ذل مردم را انتخاب میکنند تا بهر گونه تکلیف آنها تن در داده مثل حضرت اشرف زیر بار خرابی ممالک و تمامی هموطنان خود بر وند در حقیقت همانطور که در خردوانی پاره از مال هر يك از طرفین سوار الاغ رفیق خود شده کمر و مال خری است که عقب بماند در آن دوره نیز علم و درایت و وجاهت و مالکیت فاضله موجب تقدم نبوده سند ای وزارت مال اشخاصی است که در کارم اخلاق از همه عقب باشند شخصی که از همه بی حس تر و نسبت به هموطنان خود بی رحم تر و در خرابی ممالک زبردست تر و از شرانت ذاتی و ملکات کسبی دور تر و از علم و درایت بی بهره تر باشد سمت وزارت خواهد یافت تصور بفرمائید رئیس الوزری آن دوره که در ذائل اخلاق سر آمد و خلاصه ذلت و زیر دیگر است

به از شما نباشد چه هفت جو شی خواهد
شد ؟

۶) ادارات - اعضای ایرانی
که فعلا در ادارات هستند و مثل کوسفند
قربانی کار در قصابخانه و مشغول
حرفه ای و مقرر ری و لیسیدن نبات اندامینیه
میباشند تا وقتی در کار خود باقی خواهند
مانند که آقایان جدید الورد و پمشاغل
خود آشنا شده راه کار را یاد بگیرند
و بهراند از آنکه اینها با اعمال مملکتی
آشنا شوند از شان و اعتبار و اختیار
آنها خواهند کاست و اول روز یکسه
بی نیازی خود را از وجود یکی از
آنها حس کنند بهر بهانه که باشد او
را از کار خارج و جای بگنهر
انگلیسی دیگر را باز خواهند نمود
بطوریکه در بیست و پنجسال بعد مدیران
و معاونین کلیمه دواثر هرگز و ولایتی
در سرتاسر این مملکت انگلیسی خواهند
بود و مترجم و نبات و ضابط و ماشین
نویس را نیز از هنر آنها خواهند خواست
و اگر در بعضی ادارات از قبیل دوائر
قضائی و تعلیمی ناگردد براستخدام ایرانیها

باشوند همان رویه که در انتخاب وزراء
ذکر نمودیم در تعیین این قبیل اعمال
هم بکار خواهد رفت

۷) قشون - چون از وجود صاحب
منصبان نظامی ایرانی زودتر از اعمال
کشوری بی نیازی خواهد شد و وجود
آنها را برای خیالات خود بیشتر از
مستخدمین سایر ادارات مضر میدانند
البته به آنها زودتر پرداخته نظام
ایرانی را از وجود صاحبمنصب ایرانی
هر چه زودتر خواهند پرداخت از
تشریح حال اسف اشتمال این بدبخت
ها که عمری در این راه صرف کرده
و از فوخر در اقامت و افتخار بر ای کار
دیگری حاضر کنند و باید ما بقی زندگی
را بفلاکت و درماندگی بگذرانند
میگذریم و بتشریح اوضاع قشونی ایران
در بیست و پنجسال دیگر می پردازیم
صاحبمنصبان از سر کرده قاپور
انگلیسی و از این درجه تا اسپران
با وکیل باشی هند بیست و هفتاد قشون در
مدت چهار الی شش سال خدمت تحت السلاح
و احتیاط خود در هر یک چندین بار به

جنگ ایرانیها می که از فشار بنگ آمده
 بلو کرده اند رفته و هر يك چند نفر
 از برادران دینی و ثرادی و وطنی
 خود را بدست خودیش در دیار عدم
 نموده و از یغما و تاراج خانه و زندگی
 و هستی آنها کیسه صاحبان خود
 یعنی انگلیسها و هندوها را پر کرده اند
 در جنگ های خارج از ایران هم در
 مدت چهار رالی شش سال در يك اقل
 دو سه دفعه با هم مذمبه های بین النهرین
 و قفقاز و هم دینهای افغانی و ترکستانی
 و حجازی خود جنگیده و شاید در حمله
 به بین النهرین و حجاز بقاع متبرکه
 کربلا و نجف و سامره و کاظمین را
 بمبارده کرده سهل است مثل قشون حجاج
 بن یوسف و یزید بن معاویه حریم
 شریفین ~~که~~ معظمه و مدینه منوره را
 محاصره و خانه خدا و قبر پیغمبر صلی الله
 علیه و آله و سلم را به آوب بسته باشند و
 اگر جنگ عمومی در عالم پیش بیاید مثل
 هندوها در جنگ بین المللی اخیر مجبور
 شوند با اکثر مال دست و پنجه نرم کرده
 با استخوان و پوست و خون خود پیش

رفت مقاصد انگلیس در عالم کمک و
 خود را ژاندارم بین المللی نمایند (۱)

ب) اقتصادی

(۱) دیون عمومی - قرض ایران در
 بیست و پنج سال دیگر کمتر از هزار
 میلیون تومان نخورده بود زیرا ما در
 جای خود ثابت کرده ایم که مستخدمین
 ادارات ایران کلا انگلیسی و قسمت
 غیر مهم آنها هندی خواهند شد البته
 حقوق اداری و مخارج مسافرت
 و اندامیته و سایر صیغ معموله هر يك
 نفر انگلیسی باید بقدری زیاد باشد که
 او را با قامت در آب و هوای غیر

﴿۱﴾ ایرانیان باید خیلی سر بلند باشند که در
 سایه همت بلند لرزند رشید ایران یعنی اعلی حضرت
 شاهنشاه بهای فقط خود را از این قید اسارت نظامی
 خلاص نگرداند بلکه قشون منظمی که تمام
 صاحبانصبا آن ایرانی هستند دارا بودند و افراد
 نظامی امروزه ما را هیچیک از دول دیگر کم بستند
 اینها همه از دولت نظام وظیفه و مراقبتی است که
 شخص شاخص این قائد بزرگ که روزگارش پاینده
 باد در امر قشون و اداره آن مبذول میفرماید

معنا دایر آن خوشدل و راضی نگاه
 ایر آن صافه جو فرض کنیم طبعاً حقوقی
 هر یک از هموطنان خود تعیین
 خواهند کرد از سه برابر حقوقی که
 امروز در همان طبقه به یک نفر ایرانی
 داده میشود کمتر نخواهد بود پلیتیک
 هم اقتضا ندارد که در سنوات اولیه
 عذر تمام ایرانیها را بخوانند پس هر
 یکتومان حقوقی که فعلاً با عضای ادارات
 میدهند بچار تو تومان سر خواهد زد

حقوق اداری اعضای وزارت
 خانه ها از مرکز و ولایتی غیر از
 قشون و نظمی و ژاندارمری فعلاً هفت
 مایون و نیم است که در آتیه به سی مایون
 تومان بالغ خواهد گردید مطابق پیش
 بینی که در کمیسیون مطالعات نظامی بعمل
 آمده سی مایون تومان هم حد اقل مخارج
 قشون و نظمی و ژاندارمری است قریب
 پنج مایون تومان حقوق سلطنتی و شهریه
 مستمری و حقوق تقاعد و مصارف
 تعمیر ابنیه و لوازم اداری و مخارج
 متفرقه خواهد شد بعد از وضع طلب

روس ها که فعلاً مطالب دایر م نداشته
 تکلیف آتیه آن معلوم نیست پنج مایون
 اقساط اصل و فرع طلب انگلیس ها است
 که تقریباً یک ربع از آن نتیجه اول خزانگی
 های یکساله شما میباید پس سالی هفتاد
 مایون بر ای این مملکت بد بخت مصارف
 نزیه شده است در صورتی که تمام عایدات
 دولتی ما با تضام تفاوت تعریفه جدید
 گمرکی هر قدر درست جمع آوری و
 راه های ثقل بسته و در جیب های شخصی
 با قاطعه دولا بخیه دور و پاره زده شود
 منتهی به بیست مایون بالغ خواهد گردید
 بنا بر این سالی پنج مایون کسر دخل
 موجود است که چاله آن باید با استقرار
 پر شود و بیست سال گاملاً کفایت خواهد
 کرد که دیون عمومی این مملکت به
 هزار مایون بالغ و سالی صد مایون از
 بابت اصل و فرع آن بر هفتاد مایون
 مصارف جاری مملکتی افزوده گردد
 درست بخاطر داشته باشید که
 ما از تجملات اداری و زیاده رویها
 و اول خرابیهای عمدی که آقایان
 انگلیسی بر ای سنگین کردن بار بخرج

این مات فقیر بخود و شما و امثال شما
 اجازه خواهد داد و از عطا یا و
 اقطاعات و گذشت های بی محل و موردی
 که در سنوات اولیه در باره متنفذین
 و کار چاق کن های خود معمول خواهند
 داشت و از مصارف برادر کشی
 ایرانیا که در تحت عنوان انتظامات
 داخلی بعمل خواهد آمد صرف نظر
 کرده و از بابت کسر دخل راه آهن
 که منافع آن با فرغ صدی هفت مکافئه
 نمیکند و تفاوت تسعیر ایران که از قرار
 نو کرده قران میگیریم و در شش تومان
 باید پس بدیم چیزی بقلم نیاورده سبیل
 است حساب اصل و فرع همین سالی پنجاه
 ملیون کسر دخل سالیا نه را که خود
 نیز در مدت بیست سال فرع و استهلاکی
 دارد نکرده ایم بر فرض اینکه حساب
 هفتاد ملیون مصارف سالیا نه تقریبی داشته
 باشد هرگاه این مصارف از قلم افتاده
 را هم در نظر بگیریم خواهیم دید سالی
 پنجاه ملیون تومان حد اقل کسر دخل
 دولت و در بیست سال هزار ملیون تومان حد اقل
 دیوان عمومی این مملکت است
 باقی ماند یک مطلب که چرا این پنجاه

ملیون کسر را در همان سال اول بر
 مردم تحمیل نکرده میگذازند بیست
 سال بگذرد و مملکت هزار ملیون مقروض
 و کسر دخل سالیا نه از پنجاه ملیون به
 یک صد و پنجاه ملیون برسد پانچک استعمار
 اقتضا دارد که اولاد در سنوات اولیه
 بر مالیات نیز و ده مردم را از خود
 فرمائند تا قیاما اگر بنا شود ایران از
 همان سال اول با درآمد خود خود
 را اداره کند چون بارش سبک است
 همیشه بفکر آزادی خود از بارگرنان
 استیلا و استعمار انگلیس خواهد بود این
 است که تا با زاین مملکت بندری
 سنگین نشده باشد که اهالی نتوانند خود
 را خلاص نمایند در کیسه انگلیسها شل
 بوده و مالیات جدیدی تحمیل نخواهد
 شد بجز اندازه که تجز ما از سنگینی
 بار بیشتر خود نمائی کند بهمان اندازه
 در کیسه آنها محکم و بر مالیاتها افزوده
 خواهد گشت و هر قدر بر مالیات بیفزایند
 همان قدر خرج را زیاد میکنند که همیشه
 کسر دخل از خرج و دیون عمومی بقدری
 باشد که ایرانیا هوس مر اجمعه بحساب
 را هم نکنند تا چه رسد با اینکه بحیال

توافق جمع و خرج و خلاصی از زیر
بار دین بیفتند (۱)

(۲) مالیات بمو جب حسابی که در
فوق کردیم حد اقل مخارج سالانه
مملکتی ایران و استهلاك اصل و فرع
دیون عمومی آن یکصد و هفتاد میلیون
الی دو بیست میلیون است که در بیست و
پنجسال دیگر چون هم پنجه دولت انگلیس
کاملاً به برک و وریشه این مملکت بند و هم
باراهالی یا تداوم نوزوم سنگین شده
است باید از راه مالیات بر مردم این
مملکت تحمیل نمود مالیات و عوارض
امروزه با تضمام تفاوت تعرفه گمرکی
بیست میلیون است با این حساب مالیات این

﴿ ۱ ﴾ ولی امروز بحمد الله نه فقط در
ایران قرض ندارد بلکه مبالغ معتدلی با سم ذخیره
معاشتی در بانکهای خارجه و داخله اسرار و
وجه نقد داشته و این ذخیره بوسیله بکار افتادن
در راه های عام المنفعه در آرد باد و بالنتیجه
مملکت آباد می شود و این نیز یکی از نتایج
خیالات بلند ذات شاهانه و با مر و اراده اوست
که دولت ما داری مرتبی شده است که آنرا
در دول عالم منحصر بفرود کرده است .

مملکت بعد از بیست و پنجسال ده بر این
امر و زه خواهد شد و ای چون چهار
پنج میلیون از این بیست میلیون مالیات فعلی
راجع با فزایشی است که چند بد از
تعرفه گمرکی حاصل شده و هنوز انعکاس
آن از حیث گرانگی زندگی از سر
حدات مملکت تجا و ز نکرده و در
مراکز مملکت حس نشده است باید نسبت
مالیات فعلی را به مالیات بیست و پنجسال
دیگر يك بر دو از ده و نیم الی سیزده
حساب کنیم بنا بر این هر یکقران مالیات
و عوارض امروزه در بیست و پنجسال
دیگر سیزده قران خواهد شد

از آب و خاک يك عشر و دو عشر
و سه عشر بگیرند کفایت نمیکند مالیات
تریاك و تنباکو و مستغلات و نو اقل چیز
نالا بقی است مالیات نمک افزایش گمرک
گروه گشائی نمیکند مالیات تمتع از تجار
و کسبه مالیات سرانه بر افراد مالیات
کاو و گو سفند و شتر و الاغ و قباطر
مالیات عایدی به سر ما یه دار و نو کر
و مزدور و وکیل مرافعه و طبیب مالیات
در و پنجره و روزن و بخاری و تابو

و حق العیور را و ها و پل ها و بعبارة
 اخیری بر همه چیز حتی نفس کشیدن
 مالیات تحمیل خواهند کرد
 ما در اینجا از مصارف بلدی و
 تعمیر و نظیف و روشنائی معابر و راه سازی
 اختصاصی بین قرا و دهات اسمی
 نبرده و چیزی ازین بابت ها منظور
 نداشته و از ایشا ر فرعی مالیات که
 معمولاً مخصوص این مصارف است بر
 آورده نکرده ایم هر گاه حوصله
 اهل این مملکت و فایز کنند که باز هم بنا
 همین بیراهی بین دهات و کثافت معبرها
 و مجاری آبها و تار یکی شب زندگی
 کنند البته باید دو سه عشر هم برای
 این مخارج ایشا ر فرعی بدهند و
 دو یست مایون مخارج سالیا نه به دو یست
 و پنجاه مایون بالغ و یکقران مالیات
 امر و زه بشان زده قران سر بزنند و الا
 در همین کثافت و گسل و لای غوطه
 بخورند

تصور نرود که ما معتقد بز یادتی
 مالیات نیستیم بلکه بر عکس عقیده داریم
 که بین ز یادتی مالیات و تمدن و رفاه

اهالی نسبت مستقیم حکم فرما بود هر
 قدر مالیات یکدولت بطور عام دلانسه
 زیاده شود تمدن و رفاه اهالی مملکت
 هم زیاده خواهد بود (۱) و لی این
 مسئله فرعی آنست که آنچه از اهالی
 گرفته میشود خرج خود آنها بکنند نه
 اینکه سه ربع مالیات بمصرف ربح گران
 قروض و مواجب آقایان عمال و صاحب
 منصبان انگلیسی رسیده حاصل زحمت
 یک ملت بیافزگهای لندن تجویل شود چه
 در این صورت نسبت بین مالیات و رفاه
 و تمدن نسبت معکوس بود هر قدر بر
 مالیات افزوده شود از رفاه و تمدن
 اهالی کاسته بر فقر و فاقه مردم مملکت
 افزوده خواهد گشت و نتیجه این طرز
 مالیه این خواهد شد که مالک و زارع
 و مزدور و رهنما به دار و کاسب و تاجر

(۲) چنانکه امر و زه منظور است و هر قدر
 مالیات افزوده میشود چون حاصل آن بمصرف
 اهالی مملکت رسیده و قسمت متناسب آن صرف
 تأسیسات عام المنفعه میگردد روز افزون راحت
 و رفاه عامه زیادتر میشود و مردم مالیاتهای
 قدر بس و جد بد را بطوع و رغبت ادا میکنند
 بلکه تا کمر هم هستند

و صنعت گر و عماره و کارگر و نوکر و
 طبیب و وکیل مرافعه سهل است زنها و
 بچه های ایران بایده شب و روز کار
 کنند و آرام و خواب را از خود
 بپزند تا از عهد ما ثبات های مستقیم و
 غیر مستقیم که از راه گرانیه همه چیز
 و سختی معیشت بالاخره بر آنها تحمیل
 خواهد شد بر آیند

در دوره ای که سایر ملل برای
 اجرای مساوات و جلو گیری از فقر
 و فاقه اهالی در فکرهای کردن راه
 ها و معادن و کارخانجات هستند در عصری
 که قدمت زیادی از اهالی عالم نفوذ
 و ثروت هم و طنان خور را نیز تحمل نمی
 آورند در قرنی که دوات انگلیس بنا
 وجود محافظه کاری و سر مایه پرستی
 و اشراف دوستی در مقابل اعتصاب
 روز افزون عمالجات مجبور شده است
 خواهش های ملت خود را در خصوص
 ملی کردن مؤسسه های صنعتی و معدنی
 بر آورده و حتی هند یها هم از قبول
 حمایتی انگلیسها دارند شانه خالی می
 کنند (۱) تازه شما بخیال افتاده آید

(۱) بازم یکی از پیشگوییهای نویسنده بر میخوریم

که از اهالی این مملکت بجای هندو
 زرخیزید و دای ترازه برای سردار
 داران آن مملکت تسد اراک کنید
 و دست رنج یک ملت را بجای آنکه
 صرف خیر و سعادت آنها بشود بوسیله
 مالیات گزاف از کف آنها ربوده
 از راه ربح گران و بعنوان واجب
 اعمال و صاحب منصبان بکسیه انگلیسها
 بریزید و انگلیس را بر جان و مال و
 شرف و همه چیز ایرانها استولی و مسلط
 نمائید!

۳ - تجارت - تجارت ایران در ده
 بیست سال اول روز افزون و رو به
 انحطاط خواهد رفت زیرا انگلیسها
 که اختیار همه چیز ما را دارند برای
 اینکه با ما را سنگین کنند در اول
 امر از هر چیزی که مایه تولید ثروت
 در مملکت باشد جلو گیری مینمایند بعد
 از آنکه تجارت و سرمایه دارهای حالیه
 ما بواسطه نداشتن وسیله رقابت با تجارت
 انگلیس و تحمیلات مالیاتی عمده و رشکسته
 و بگدائی افتادند تجارتخانه های
 انگلیسی بمرور جای آنها را گرفته

تجارت این مملکت نسبت به رونق پیدا خواهد
 کرد و لی ر بطی بما نخو اهد داشت
 تا جر زاده های ما پا دو دکان مستر
 های انگلیسی و آقا صاحبان هندی خواهند
 شد اگر چه لبر فر و شی طو اقی و دوره
 گردی و ازین قبیل کارها هم پیدا می
 شود و ایرانها میخوانند خود را با این
 اعمال سرگرم کرده لا محاله از عهده
 مالیات سرانه و نیمه سیر کردن خود
 بر آینه

۱۴) معیشت افرادی - در محل خود
 ثابت کردیم که در بیست و پنج سال بعد
 مالیات و عوارض این مملکت کمتر از
 شانزده یا اقل سیزده بر ابر حالیه نخواهد
 بود این مالیات از هر ~~سکس~~ اعم از
 مالک و زارع و سرما به دار و تا جرو
 صنعت گر و عماله گرفته شود با لاخره از
 راه گرانگی معیشت بطور غیر مستقیم بر
 افراد تحمیل خواهد گردید در
 صورتیکه سه ربع از آن ~~سکس~~ بمصرف
 ادای اصل و فرع قروض و مواجب
 سرپرستیهای زورکے ما میرسد بیک
 های انگلیس تحویل شده یک دینار از آن

در این مملکت خرج نخو اهد شد محصولات
 طبیعی این مملکت هم بواسطه گرانگی که
 از افزایش مالیات و عوارض پیدا می
 کند با فر او انی که در اردبدست رس
 اها لی نبود حقیقتاً با بدسو گر از سبب
 شکسته آب بخورده چه اگر مالک و زارع
 و گو سفند دار بخو اهد محصولات مزراعه
 و باغ و شیر و روغن خود را بخانه برده
 اسباب تنعم زن و فرزند را فراهم آورد
 مالیات و عوارض را از کجا بدهد و
 برای سایر مخارج خود که اقلانش
 بر ابر حالیه خود اهد شد چه فکر میکنند؟
 آقایان سرپرست ها هم که حاضرند این
 محصولات را خریداری کرده تر و
 خشک جان دار و بیجان آنرا از مملکت
 بیرون ببرند این است به از ~~سکس~~ طرف
 بواسطه گرانگی مالیات و از طرف دیگر
 بواسطه وجود بودن خریدار و آسان
 شدن و سابل حمل و نقل جنس خوردنی
 در این مملکت بسیار گران و کمیاب
 خواهد شد و سرایت گرانگی خوردنی
 بجزه چیز از جمله طبیعیات بوده از راه
 اجرت کار لباس و منزل و وسیله حمل
 و نقل و یک کلمه کلمه و سابل زندگانی

را اگر آن خواهد کرد
 گران خریدن و گران فروختن
 با ارزان خریدن و ارزان فروختن
 تفاوتی ندارد بلکه اولی بهتر از
 دومی است ولی فرع آنست که حاصل
 کار و دسترنج اهالی یک مملکت بین
 خود آنها تقسیم شود نه اینکه آنچه از
 گران قیمت محصولات داخلی و زیادی
 اجرت کار تحصیل میکنند از راه گزافی
 مالیات با صل و فرع قروض و مواجب
 مستخدمین خارجی بدهد و در مقابل
 سایر لوازم زندگی را گران بخرند
 و فائده تجارت و کارگری آنها را هم
 تجار و صنعتگران خارجه ببرند
 امروز با اینکه مالیات و عوارض
 این مملکت از پانزده و شانزده میلیون
 تجاوز نمیکند و در این یکسال و نیم
 اخیر ده دوازده میلیون سرمایه خارجی
 بقرسط شما بین اهالی پاشیده شده و هیچ
 يك از آنها بیج قرار داد حتی افزایش
 تعرفه گمرکی هنوز ظاهر نشده ~~کار~~
 معیشت افرا دی با این درجه از سختی
 است ملاحظه فرمائید در بیست و پنجسال
 دیگر با دو بیست میلیون مالیات و عوارض

که تا گزیر با بد افرا داد تحمل کنند
 سختی معیشت یا بهتر بگوئیم جان ~~کندن~~
 زندگی یکجا خواهد رسید ؟
 اگر بکنند روزی پانزده ساعت
 کار بکنند بقدر شکم خود در آمد نخواهد
 داشت عیال و اولاد او چه باید بکنند ؟
 روزهای پیری و درمانندگی ~~بکه~~
 البته ببرد؛ معالاف چون همه بحال او
 مبتلا هستند از ~~کدائی~~ هم چیزی در
 نمی آید

این مملکت هندوستان و مصر نیست
 که اراضی آن حاصل خیز و مردم آن
 بر اسطه تاثیرات آب و هوا کم معونه
 بوده هم ارزاق فراوان باشد و هم
 مردم از خوراک و لباس و منزل کم
 احتیاج باشند اکثر بقاع این مملکت
 شش ماه زمستان دارد لباس و منزل
 گرم و خوراک پر ماه از لوازم اولیه
 زندگی نیست کار هم باید بکنند آیا هیچ
 فکر کرده اید که با این تدابیر کهای
 شما کار این مردم برگشته بخت یکجا
 میکشد ؟ قسمت عمده اهالی این مملکت
 چه از گرسنگی و بی وسیلگی و فقر و فاقه

تأف میشود و وجه بممالک همجوار گریخته
تحمیلات خود را بگردن باقی مانده
خواهند گذاشت هر روز دسته از فقرا
بقبرستان رفته و از متوسلین بحال فقرا
و از اغنیاء بحال متوسلین خواهند افتاد
آن وقت است که هم پیمانهای شما
مجبورند از هند و مصر و افریقا دستجات
کوچ نشین تشکیل داده برای زراعت
و استخراج معدن باین مملکت بیاورند

ج اجتماعی

(۱) مردها - جنس ذکور امروزه
این مملکت را به دسته تقسیم میکنیم : پیر
مردان جوانان اطفال خوشبخت ترین
این سه دسته پیرانی هستند که تا بیست و
پنجسال دیگر بدرود زندگی میگویند
و هر قدر امر و زبمرک نزدیکتر باشند
از آلام و مصائب زندگی آتیه دور
تر و بنا بر این خوشبخت ترند اطفال
غیر ممیز امروز و طبقاً اینکه بعد قدم به
عرصه وجود میگذارند نظر باینکه به
سختی زندگی و اوضاع محیط با همه
منکری و بدی که دارد معتاد میشوند در
بیست و پنجسال دیگر خیلی در زحمت

نمیستند و لی بد بخت طبقه جوانان امروز
که بزنگی مره عادت کرده و لذت استقلال
ملی و آزادی شخصی را چشیده اند!
حال این طبقه بواسطه فشار زندگی
و مخالفت محیط با عادات و اخلاق و
مذهب و از میان رفتن هرگونه مزایای
ملی و استقلالی و زبانی بد وجه ای
سخت و زندگی گانی آنها باندازه ای مشکل
خواهد شد که تصور جزئیات آن برای
ما غیر ممکن است

کشفن از زنبور بیجا صل بود

با یکی در عمر خود ناخورده نیش

این گونه مسائل از بد رک و لا

یو صف هائی است که هیچ نوبسند

ما هر ی از عهد تشریح جزئیات آن

بر نمی آید با بد بهند و ستان رفت و حال

مدلت و فر و تنی بو میها و تنمر و تکبر و

خشونت و تحقیر انگلیس ها را نسبت به

آنها دید تا مصیبت جوانهای امروز

ایرانرا که به آزادی و استقلال و

شرافت و شهادت با ر آمده اند در آن

دوره ملتفت شد

روابط خانوادگی این بد بخت ها

با اولاد و اطفال خود معلومست بچه قرار
خواهد بود از یگطرف فقر و فاقه که
از طرف مالیه بر ای افراد حاصل می
شود و از طرف دیگر تو سری خوردن
و پریشانی خیال و خستگی روح و غم
و غصه و طن و مذ هب و ز بان بدرجه ای
آنها را مکدر و ملول و متاثر خواهد
کرد که زن و فرزندان را فراموش
کرده از آنها گریزان خواهند شد
مهر های پدری محبت های فرزندی مودت
های قوم و خویشی و دوستیهای حاصله از
رفاقت و آشنائی تماما را را بدرود
کردم جای خود را به بی قیدی و بی
اعتنائی و دشمنی و تکالب خواهند سپرد
نه تو ددی و نه تونسی نه مجلس حالی نه محفل
انسی نه جمعه نه جماعتی نه دعوتی نه
ضیافتی هیچیک در کار نبوده آنها که
هنوز خیلی از یاد در نیامده و به اعاشه
خانواده خود قافا در با همد سوت و کور
از خانه سر کار و از سر کار بخانه می
روند و میا بیند خستگی روحانی و جسمانی
روزانه و تلاش معیشت نه حال و نه وقت
هیچیک را بر ای فقر بجات اجتماعی آنها

یا قی نمیگتد اردو آنها که از خجالت خیال
بخانه تنوا کنند بروند یا خانه ولانته نداشته
باشند در گوته بیخانهها و قهوه خانه های
کشیف شهری بر وز آورده بزور بخدر
و مغیر غم زن و فرزندان را از خاطر
زدوده اند بشه مالیات سرانه فردا
را از خود دور مینمایند

(۲) زنها - طبیعت جنس زن را از
حیث جسم و نفس و عقل ضعیف و در جنبه
عاطفه و تاثیر و عفت قوی کرده است
حال زنهای بیست و پنجسال بعد این مملکت
بدرجات از مردها بدتر است طفلانش
ناخوش و گرسنه و برهنه است با بی
وسایله گی شوهر و ضعف خود راه علاج
و چاره را نداند و بی بیند عاطفه اش
توسری بخورد و شوهرش خسته و گرانته
ور و حاکمکدر و ملول است متاثر می
شود دخترش بوا اسعه فقر و فاقه و نسا
امیدی از شوهر رفتن کویچه گرد می
گردد بقتش بر میخورد قوت نفس مر دانه
هم در او نیست که بار مصائب زنندگی
را با دوش عقل بکشد

۳) از دو واج - با این اوضاع زندگی و با این سختی معیشت دیگر از کثرت از دو واج نمیتوان امیدواری داشت کسیکه با پانزده ساعت کار از عهد و سیر کردن شکم خود بر نیاید بفکر زن و فرزند نمی افتد هر قدر از دو واج کم شود بهمان اندازه منکرات و امراض مسریه حاصله از آن زیاد خواهد شد و نقصان موالید و کمی دست و بازو در مملکت و افزایش تحمیلات باقی مانده مردم نتیجه ناگزیر این وضع میباشد .

۴) زبان - انتشار زبان قوم غالب در یک ملت و تقلید آن از صنف ممتاز در نوع بشر طبیعی است مخصوصا ایرانی ها بواسطه هوش فطری و طبیعت ادبی و حس تقلید و تعالی که دارنده بشریت تاریخی نسبت بزبان قوم غالب و صنف ممتاز بی طرف نخواهند ماند زبان فارسی چون دیگر و سیله معیشت و موجب تقدم اجتماعی نیست از اهمیت افتاده کسی در صد تحصیل ادبیات آن نخواهد

بود و رفته رفته جنبه ادبی خود را از دست داده فقط لجه خود اهد شد که بویها برای رفع حوائج بین خود سینه بسینه می آموزند هندیها و مصریها را برای رد این گفته ما شاهد قرار ندهید زیرا هوش ادبی هندیها کم است اگر زبان انگلیسی جاقشین زبان بومی نشده است در زبان بومی خود هم پیشرفتی نکرده اند قبل از اینها زبان بومی آنها همان لهجه شایعه بین خودشان و زبان ادبی آنها فارسی بوده که از تاریخ استیلای انگلیس ها بعد در میان آنها یگانه تر و رسیده با این زبان پیدا نشده است اما مصریها بواسطه طبیعت مستبد و حمیت عربی است که زبان خود را با لعمریه از دست نداده و فقط بزبان انگلیسی مخلوط نموده اند طبیعت نرم و سریع الانحال ایرانی غیر از طبیعت سخت و فزونی پذیر عربیست منتها برای فراموش شدن زبان و از میان رفتن جنبه ادبی آن بیش از مدت یک ژنراسیون وقت لازم است و آنچه در این باب

نوشته ایم را جمع به پنجاه سال دیو کرد
خواهد بود

۵) مذهب - عدوت و رجال و
سیما سیون بزرگ انگلیس نسبت بدین اسلام
تاریخی است لرد کلاد ستون صدر اعظم
آن دولت در کرسی نطقی مجلس اعیان
قرآنی از بغل خود در آورده بحضور
نمود و گفت « تا ازین کتاب آسمانی
در عالم اسمی باقی است ما فایده بدوام
و بقای مستملکات خود متأمّن بنمایم مانع
بزرگ مقاصد ما در عالم قرآنیست » گذشته
ازین شاهد تاریخی سعی و مجاهدت قوم
غالب در انهدام اساس مذهب ملت مغلوب
امری طبیعی و موافق پلٹیک و صرفه
استعماری است زیرا تا ملت مستعمره بدین
خود معتقد و با خلاق مذہبی و آداب
دیانتی خویش متعلق و معتاد است نسبت
با فرادملت غالب با وفات نبوده اطاعت
او نسبت با نهاد ظاهری و نه حکم قیوم
غالب بر آن سبطی است و وقتی این
حاکمیت عمقی میشود دولت مغلوب از روی
وفاداری و علاقه مندی قیود اطاعت
قوم غالب را بر گردن میگیرند که عقیده

با طمی را از دست داده و عادات مذہبی
خود را فراموش کرده باشد

گذشته از این مذهب با اینک

خیالی طرف علاقه اشخاص متدین میباشد
در آن واحد قید است که انسان طبیعا
از آن گریزان بوده و بازادی و
راحتی و بی خیالی و بی قیدی بیشتر متمایل
است بنا بر این همینکه مذهب پشتیبان و
حامی و حافظ و نگاهدار و مروج نداشته
باشد از استعمال و اجرا خواهد افتاد
و رفته رفته فراموش خواهد شد بر فرض
مجال که آنقدر خوش باور بوده
انگلیس ها را در خصوص مذهب بیطرف
بدانیم دیگر نمیتوانیم تا این انداز
خوش بین بوده آنها را حامی و حافظ
اسلام تصور کنیم و همین عدم مراقبت
و تر و بیخ بر ای فراموش شدن مذهب
کاملا کافی و بیست سال نمیگذرد که
از دیانت اسمی هم در این مملکت باقی
نخواهد ماند آن وقت باید دید دعوات
مسیحی با تشویقی که از هم مذهب های
خود یعنی انگلیس ها خواهند دید در این
مملکت چه خواهند کرد و چگونه اساس

دینی را که با خون شهداء و مداد
 علماء است حکام و قوام یافته است منیدم
 خواهند ساخت .
 تا تارهای کریمه و سواحل شمالی
 بحر اسود و حاجی طرخان و سایر ساحل
 نشینانهای رود وولگا مگر همگی مسلمان
 نبوده اند؟ امر و زده يك آنها مسلمان
 نیستند و آنها هم که بواسطه دوری از
 محیط قوم غالب در دهات اسمی از
 مسلمانی ندارند فقط در قبرستان باروسها
 متمایز بوده در سایر تریبات اجتماعی
 از هر حیث حتی ازدواج از قوم غالب
 تبعیت میکنند هرگاه بشجره نامه خانواده
 های اسپانیول رجوع کنیم تا ده دوازده
 پشت اسمی آنها هانری و ژاک و فیلیپ
 و گوستا و وارانست و بعد از آن محمد
 و علی و حسن و ابو عبد الله و عبد الرحمن
 است آیا جز این است که این هانری
 و ژاک امر و زده اولاد همان ابو عبد الله
 و عبد الرحمن هستند و تغییر مذهب در
 اسم آنها هم سرایت کرده است؟ آنرا
 که بققاز و ترکستان و هند و ستان
 مسافرت کرده میداند ما چه میگوئیم

در میان شهر نشین های این ممالک يك
 نفر که بزارت بیت الله مشرف شده و
 خود را حاجی بخواند یا فت نمیشود
 زبان روسی و انگلیسی حتی فرانسوی
 آلمانی را در نهایت خوبی حرف می
 زنند و مینویسند و آدیبات آنها را در
 کمال اتقان میدانند ولی بقدری از
 معارف زبان مذهبی خود بیخبرند که
 يك سطر قرآن نمیتوانند بخوانند سهاست
 خواندن نماز را هم نمیدانند عمل
 کردن بمراسم مذهبی از قبیل نماز و
 روزه و حج و غیره منحصر است به
 دهاتیها و بین زن های متمکن مسلمان
 و زبانی اروپائی در شهر های این
 نواحی هیچ فرقی نیست آیا آنها همان
 ترکها و ترکمانهای متعصب در مذهب
 و همان مسلمانان خالص القیسه
 پنج ده سال قبل نیستند که اثر عادات قوم
 غالب آنها را با این روز نشاندند و این
 طور مذهب را از کف آنها ربوده است
 در شهر های این اقطار علمای مذهبی
 منحصرند بیکدی دو نفر ملای رسمی که
 آنها را حکومت بر ای اعمال دینی

معین کرده است با اینکه در علم و دیانت
با سایر اهالی فرقی نداشته و از معارف
اسلامی و تدبیر تقریباً بی بهره اند و لهذا
برای همان لباسی که در بر دارند
بقدری طرف تفر و سخریه و استهزاء
هم مذهبهایی خود هستند که از خانه خود
بیرون نمیتوانند بیایند

در شهرهای اسلامی این ممالک عده
کلیسیاها نیکه قوم غالب در مدت کم
ساخته اند چندین برابر مساجد و همین
مسجدهای قدیمه هم خراب و ویران
و بر حسب تصادف یا عمد غالباً با میخانه
ها و عیش گاهها که محل انواع فحشاء
و منکرات است همسایه است تعطیل عمومی
در روزهای یکشنبه معمول و در این
روز و سایر اعیاد مسیحی صدای ناقوس
کلیسیاها از نصف شب تا نصف شب دیگر
بفعلک بلند است و این حتی در روزهای
جمعه و عیدین هم در تمام شهر صدای يك
اذان شنیده نمیشود

آقای رئیس الوزراء! ما بوعده خود
و فاکزده بدون ابراز حسنیات و اظهار
تعصب با منطق و برهان خلل ناپذیر خیانت

شماره در عقد این قرار داد نسبت به
ایران و اسلام ثابت گردید حال بی
خواهیم ببینیم عقاید و افکار عامه در این
موضوع چیست؟

اگر چه شما در بیانیه مورخه ۱۶
سنبله ۱۲۹۸ خود دوازدهم در این
مملکت تشکر کرده اید که این خدمت
شماره نسبت با ایران و اسلام بحسن قبول
تلقی کرده اند و مخالفین قرار داد
را معدودی هنگامه طاب معرفی نموده
ایند ولی اقرور شد خودتان هم در
مصنوعی بودن آن تشکر و خلاف واقع
بودن آن ادعا نرندیدی نداشته باشید
بعد از هرگاه تجربه شش هفت ماهه و این
همه حبس و طرد و تبعید بکه برای خفته
گردن افکار بکار برده اید و اضداد
را چه در پای تخت و چه در سایر بلاد
روز افزون زیادتر دیده اید برای
اینکه شما را در آن اظهارات تکذیب
نمایند کافی نمیدانید و چنانچه با وجود
قانون نظامی و سانسور این همه مطبوعات
اتم از روزنامه و شب نامه که مثل برک
درخت در این شهر ریخته و به بیانات

مختلف بین رفتار شما را تنقید می کنند
 با زهم بر ای یقین شما در مخالفت عمومی
 یا این قرار داد تردیدی باقی گذاشته
 است و اگر با وجود پولهای بی حسابی
 که در راه تعمیر افکار عامه پاشیده می
 شود عبوس افراد مردم ازین رفتار
 شما و ضدیت بی پر وای آنها در هر مجلس
 و محفل بر ای اثبات مخالفت عمومی با
 قرار داد کفایت نمیکند و واقعا مطلب
 بر خود شما هم مشتبه است قانون نظامی
 و سانسور مطبوعات را برداشته مردم
 را در اظهار عقیده آزاد بگذارید
 و بعد از یکماه بدون تهدید و تطمیع به
 اراء عموم ملت رجوع نمائید تا بر خود
 شما هم ثابت شود که هیچکس را ضی به
 این قرار داد ایران کش اسلام فنا
 کن شما نیست

اگر در مخالفت عمومی با این قرار
 داد تردیدی ندارید و چنانکه در
 خاتمه بیانیه خود از راه مفهوم مخالف
 به آن اشاره کرده اید میخواید
 بفرمائید تمام افراد ملت بسعادت حقیقی
 مملکت بی علاقه بوده دارای اغراض

جا هلا نه و حیایات عوام فریبانه هستند و
 مبنای حکم و تصدیق آنها جنون و سقاقت
 و مستور داشتن حقیقت است در این
 صورت بشما میگوئیم بموجب قانون اساسی
 حکومت این مملکت ملی است شما هم از
 طرف حضرت آدم نای نبیا و آله و عامه
 اسلام و حیثی تبرک نکرده اید که
 تکلیف شرعی و وظیفه وجدانی شما باعث
 این همه اصرار و ابرام باشد و وقتی
 که افراد نمی خواهند مملکت آنها به
 سعادت حقیقی یعنی استعمار انگلیس نایل
 آید شما را چه و ادا داشته است آنقدر
 بسر و سینه بزنید و یخه درانی بکنید

آقای رئیس الوزراء! منکرین این قرار
 داد یعنی عموم مردم این مملکت را از
 محیط سیاست دور و بحقوق و وضعیات
 غیر آشنا و تمام آنها را جاهل و مفروض
 و هنگامه طلب و کلاش و مفتخوار میدانید
 بر و زنا هجرات سایر ملل و رساله ها و
 مقالات بزرگسان عالم حتی بعضی از
 انگلیسها رجوع نموده ملا حظه فرمائید
 آنها چه مینویسند و چه مضاری از این
 قرار داد برای ایران ثابت مینمایند

آیا بر حسب اتفاق میخو اهد و یلسن
 رئیس جمهوری امریکا را هم جزو
 کلاش ها و متخوارها و جاهل و مغرض
 و از محیط سیاست دور و انمود فرمائید؟
آقای رئیس الوزرا! در سلطنت مشروطه
 و حکومت ملی برای یک نفر رئیس الوزرا
 فقط «اعتماد بنقش و اتکاء بو جدان و
 حقیقت» و تنها «هدایت عقل و نیروی آن
 اند از موقوف و توانائی که باریتعالی
 جل اسمه بان بنده ضعیف عطا فرموده
 است» کافی نخواهد بود که اقدام به
 همچو امر خطیری بنماید زیرا بر فرض
 اینکه با فکار عالیه داخله و خارجه اهمیتی
 نداشته و شما یک نفر را عاقل ترین مردم
 تصور کنیم تازه قانون اساسی بشما اجازه
 عقد یک چنین قرار دادی را نمیدهد و
 ما ذیلا مواد قانون اساسی را که صریحا
 اختیار بستن این قبیل فرار دادها را
 از هر کس و لو پادشاه ممالکت سلب
 کرده است بخاطر شما می آوریم
 «اصل بیست و دوم - مواردیکه
 قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و
 ممالکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییر
 در حدود و ثغور ممالکت لزوم پیدامی

کند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد
 بود»

«اصل بیست و سوم - بدون تصویب
 مجلس شورای ملی امتیاز تشکیل کمپانی
 و شرکت های عمومی از هر قبیل و بهر
 عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد»
 «اصل بیست و چهارم - بستن عهد
 نامه ها و مقاوله اعطای امتیازات
 (انحصار) تجاری و صنعتی و فلاحتی
 و غیره اعم از اینکه طرف داخله باشد
 یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای
 ملی برسد»

«اصل بیست و پنجم - استقرار
 دوامتی بر عنوان که باشد خواه از
 داخله خواه از خارجه با اطلاع و
 تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد»
 «اصل بیست و ششم - ساختن راه
 های آهن یا شوسه خواه بخارج دولت
 خواه بخارج شرکت و کمپانی اعم از
 داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس
 شورای ملی است»

«اصل چهل و ششم - پس از انعقاد
 سنا تمام امور باید بتصویب هر دو مجلس

با شد باید اول در مجلس سنا تنقیح و تصحیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی بر سند ولی اموری که در مجلس شورای ملی عنوان میشود بر عکس ازین مجلس بسه مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود»

« اصل نود و چهارم از متمم قانون اساسی - هیچ قسم مالیات بر قرار نمی شود مگر بحکم قانون »

آقای رئیس الوزراء شاید بفرمائید « قرار دادی بسته شده و رد و قبول آن با مجلس شورای ملی است » اگر واقعا این طور است پس چرا با این عجله مشغول اجرای آن شده اید؟

هر گاه کار طوری پیش آمده که همین و کلاهی فرمایشی که شما بر این قبول این قرار داد تهیه دیده اید با کمال میلی که در قبول آن دارند خجالت کشیده نتوانستند بوعده خود وفا کرده این مملکت فروشی و اسلام کشی شما را تصویب کنند در این صورت

کدام قوه میتواند انگلیس ها را با نفوذ بیکه در ادوات ایران بپیدا خواهدند کرد از کار خارج نماید؟ و بر فرض پیدا شدن چنین قوه ضرر حقوقی کمتر آتی آنها که افلا تا کنون بدو بست سعید هزار تومان بالغ شده است چگونه بر این ملت فقیر تحمیل خواهید کرد؟

آقای رئیس الوزراء اعث به خود زحمت داده و در انتخاب کنندید اهای مسلم الموانقه دسیسه و تهدید و تطمیع و حتی تقاب بکار برده و بعقیده خود زمینه مناسبی بر ای تصویب قرار داد انداز کرده اید زیرا بر فرض اینکه و کلاهی فرمایشی شما بخواهند و بتوانند باین قرار داد رای بدهند خو شبختانه رای علمای اعلام و فقهای مراجع تقایم که در این امور کالی مطاع و متبع است چیزی نیست که شما بتوانید بتهدید و تطمیع و تقاب تحصیل کنید

این عکس نو شجاعت و فتاوی علمای اعلام و حجج اسلام است که در مخالفت بودند این قرار داد با شرع

مقدس نبوی و کلام الله مجید و مذهب
حقه جعفری مرقوم فرموده اند و چون
عکس این مرقومات در این شهر خیلی
منتشر شده و همه دیده اند از نقل عین
آنها صرف نظر کرده همیقتدر متذکر
میشویم که درست در منطوق و مفهوم این
فتاوی دقت کرده ملاحظه نمایند چه
بلائی بر سر اسلام آورده آید

آقای رئیس الوزراء! قطع نظر از فتوای آقایان
حجج الاسلام مخالفت این قرار داد با کتاب و سنت
و اجماع و عقل بقدری ظاهر و هویدا است
که مکلفین را در این موضوع از تقلید
بی نیازی **ک**رد با فی الجمله تدبیر در
قرآن مجید شخص بقدری آیات مخالف
آنرا میباید که از رجوع بسنت بالمره
مستغنی شده بر تحریم این قرار داد حکم
مینماید

ما در این جا بعضی از آیات قرآن
را که برای رد این قرار داد و مخالفت
آن با شرع اسلام نص محکم است ذکر
نموده در حقیقت مدرك فتاوی علمای
اسلام را بدست میدهم

در سوره نساء آیه ۱۲۰ ولن يجعل الله

للكافرین علی المؤمنین سیلا در این
کریمه مبارکه خداوند سبحان برای
کفار را به تساطی بر مؤمنین قرار نگذاشته
است در صورتیکه شما بر خلاف فرموده
خداوند تعالی بموجب این قرار داد
نه فقط کفار را به مسلمانان مسلط نموده
اید بلکه تمام اختیارات مسلمین را به
آنها واگذاشته آید

در سوره قصص آیه ۸۶ - فلا نکون

طهیرا **للكافرین** نهی این آیه از پشتیبانی
و مساعدت با کفار صریح است و لی
قرار داد شما قشون مسلمین را تسایع
کفار میکند که بمیل و صرفه خود آنرا
بکار انداخته مفا ضد خود را به پوست
و گوشت و خون مسلمانان انجام نمایند
در سوره احزاب آیه ۱ یا ایها الذبی

انق الله ولا تطع الكافرین والمنافقین این
کریمه مبارکه از آیات است که مخاطب
آن شخص شاخص رسالت پناهی صلی الله
علیه و آله و سلم و نبی آن متوجه عموم
مسلمانان میباشد خداوند رحمن در این
آیه مسلمین را به تقوی و پرهیزکاری
امر و از اطاعت کفار و منافقین نهی

میفر ما ید اما این قرار داد شما مسامین
 را در تمام شئون و کارهای خود تحت
 امر و اطاعت مستقیم کنار در آورده
 است منافقانی هم کسی است که ظاهرا خود
 را از زمره مسلمین و انموذگ کرده و
 با طایبرای کفار کار چاقی نماید گذشته
 از این آیه نبی مسلمانان در اطاعت
 این قبیل اشخاص در قرآن کریم
 زیاده است چنانکه در سوره نساء آیه
 ۱۳۷ - ۱۳۸ میفر ما ید بشر المنافقین بان
 لهم عند ابا الیما الذین یتخذون الکافرین
 اولیاء من دون المؤمنین اتفقون عند هم
 المنزلة بان العرة لیه جمیعها خداوند سبحان
 به حضرت پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم
 میفر ما ید بمنافقین بشارت بدیه که عذاب
 در دنیا کسی بر ای آنها مهیا است بعد
 منافقین را تشریح و میفر ما ید آنها اشخاصی
 هستند بجای مؤمنین از کفار دوست
 میگیرند آیا از آنها انتظار عزت دارند؟
 در صورتی که عزت تام و تمام مختص
 ذات خداوند است

در سوره آل عمران آیه ۲۷ لا یتخذ المؤمنون
 الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ومن

یفعل ذالک فلیس من الله فی شیئی نزی از
 دوستی با کافران صریح است

در سوره آل عمران آیه ۹۵
 یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا فریقا من الذین
 اوتوا الکتاب یردوکم بعد ایما نکم
 کافرین خطاب بمؤمنین کرده میفر ما ید
 اگر گروهی از اهل کتاب را اطاعت
 نمایند شما را بعد از ایمان بکفر بر می
 گرداند

باز در همین سوره مبارکه آیه
 ۱۴۲ یا ایها الذین آمنوا ان تطیعوا الذین
 کفروا یردوکم علی اعتقادکم فتقبلوا حاسرین
 خطاب بمؤمنین است که میفر ما ید هرگاه
 از کافران اطاعت نمایند شما را بحال
 قبل از ایمان بر میگرددانند و خسران
 بار خواهید آورد

در سوره نساء آیه ۱۳۷ یا ایها الذین
 آمنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من
 دون المؤمنین اقریدون ان تجعلوا لله
 اعیانکم سلطانا هیبنا خداوند تعالی بعد
 از نهی از دوستی مؤمنین با کفار خطاب
 به مؤمنین کرده می فر ما ید آیا میخواهید
 (بواسطه دوستی با کفار) برای خدا

حجة قاطعه بر خود قرار دهید ؟

در سوره آل عمران آیه
یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانة
من دونکم لا یألوکم حبالا وودوا ما عنکم
قد یدب البغضاء من افواههم و ما تخفی
صدورهم اکبر قد بینا لکم الایات ان
کم تعقلون در این آیه خداوند
تعالی مؤمنین را از دوستی مخصوص
و محرمیت با غیر از مؤمنین نهی و برای
ارائه ضرر استظهار بکفار میفرماید
کفار از افساد امور شما کوتاهی
نداشته دوستدار رنج و زحمت شما
هستند از ظواهر شان دشمنی آشکار و
دشمنی باطنی آنها بزرگتر است

در سوره ما ئده آیه ۵۶ یا ایها
الذین آمنوا لا تتخذوا الیهود و النصارى
اولیاء بعضهم اولیاء بعض و من یتوالهم
منکم فانه منهم ان الله لا یهدى القوم
الضالین میفرماید ای مؤمنین بود و
نصاری را برای خود دوست نگیرید
آنها با یکدیگر دوستند (با شما دوستی
نمیکند) هر کس از شما با آنها دوستی
کند همانا از آنها بشمار می آید

در سوره ما ئده آیه ۶۲ یا ایها
الذین آمنوا لاتخذوا الذین اتخذوا دینکم
هز واولعیا من الذین اتواالکتاب من قبلکم
والکفار اولیاء واتقواالله ان کنتم مؤمنین
میفرماید از اهل کتاب که دین شما
را ریشخند و باز بچه گرفته اند و از
کفار دوست نگیرید

در سوره هو آیه ۱۱۵ لاترکوا
الی الذین ظلموا فتمسکم النار و ما لکم من
دون الله اولیاء ثم لاتصرون حق تعالی شانه
مسلمانان را از آنکه میل همراهی به
جانب ظالمین نهی فرموده و عقاب این
رفتار را آتش جهنم قرار داده است
و این قرار داد شما یک ملت مسلمان را
نه فقط به ظالمترین مردم نسبت بملل عالم
بخصوص اسلامیان متمایل میباشد بلکه
ایرانی ها را تابع و مطیع آنها میکنند
در سوره کهف آیه ۲۷ و لاتطع
من اغفلنا قلبه عن ذکرنا و اتبع هواه و کان
امراة فرطا نهی این گروه را که از
اطاعت کسی که از ذکر خدا غافل
و بهوای نفس خود رفتار میکنند (و با
قرآین بی خبری از آیات خدا و بی

اعتنائی با حکام دین مسلمانان را گرفتار
کفار مینماید (ظاهر و هویداست
در سوره هل اتی آیه ۲۳ قاصم
لحکم ربک ولا تطع منهم ائما او کنورا
نی از اطاعت گناه گاران و
کفار مصرح است

در سوره احزاب آیه ۴۷ و لا
تطع الکافرین و المنافقین و دع اذیهم و
قو کل علی الله و کفی بالله و کمالا نهی از اطاعت
کفار و منافقین در این آیه کریمه به
قدری واضح و هویداست که برای
هیچ مسلمان نبی مجال تردید باقی نگذاشته
مخالفت و ضدیت با قرارداد و خود
شمار از ضروریات مذهب کرده است
آقای رئیس الوزراء - در معاملات
اگر بکطرف ضرر میکند اقلابا بد طرف
دیگر فایده بسیار دو کمتر معامله ایستکه
فقط فایده آن منحصر بدلال بوده طرفین
معامله خسارت بکشند تا حال مضار و منافع
این قرارداد در آن نسبت با بر این تحت
نظر داشتیم در اینجا میخوانیم موقه
منافع ایران از نظر دور کرده از
نقطه نظر منافع انگلیس با این قرارداد

شما نظر افکنیم
دولت بریطانیای کبیر تا قبل از
عقد این قرارداد دولت مطبوع محبوب
عادل با انصاف تر بر کسی در ایران
قلم رفته بود و ایرانیهما به دوستی آن
دولت خورسند بوده همواره گله
گذار بهای مظالم روسیه تزاری و مناقشات باهم
کیشان خود در آن دولت میبردند
و در مواردیکه اشکالی برای آنها
پیش میامد از اولیای آن دولت مشورت
دوستانه کرده در موافقیکه کرده
بکار میخورد در حل قضیه را به حکمیت آن
دولت محول مینمودند و برای کشف
معاذن و تاسیسات صنعتی و راه سازی
حشده شان بکمی آنها انگلیس و ما یسل
بودند که منافع مشرع این
تاسیسات بسر ما به داران آن مملکت
عاید شود انگلیس ها هم از این حسن
ظن استفاده کرده منافع و مقاصد خود
را بهتر و آسان تر از سایرین حفظ
کرده و پیش میبردند سیاست بسا کارها
که دولت روس با کشمکش های بسیار
به پیشرفت آن موفق نمیشد انگلیس ها با

همان حسن ظن و ر وابط صمیمانه ایرانی
 ها با کمال سبوت بدون هیچ زحمت و
 رنج به پیشرفت نظایر باسه بهتر از آن
 موفق میگردد بدند و لی بعد از عقد قرار
 داد همان انگلیس مطبوع محبوب عادل
 با انصاف زیرک همان انگلیس خیرخواه
 ایران همان انگلیس طالب استقلال
 ایران برای حفظ مستعمرات آسیائی
 خود با لاخره همان دولت همسایه قدیمی
 و دوست صمیمی در مدت هفت ماه
 باندازه ای جلب تفر و انزجار کرده
 است که دولت خشن بد همسایه بد همه
 چیز تزاری روس با فشار و تضییقات
 صدساله خود بایران اینقدر طرف تفر
 واقع نشده بود بحدی این تفر و انزجار
 ر و باز دیاد است که هیچ بعید نیست
 ایرانی ها برای رهایی از شر انگلیس
 خود را در آغوش بلشویزم بیندازند
 اما ایرانیها باید از يك حيث از
 شما ممنون باشند که بقوسط شما پرده از
 روی کار و نقاب از چهره دوروی
 انگلیس بر داشته شد و ایرانیها دوست
 صد و بیست ساله خود را شناختند

آقای رئیس اولوز را چون می
 خواهم این رساله را در همین جا ختم
 کنیم این است که به شما و هم ییمان های
 شما نصیحت کرده امی گوئیم هنوز آب
 و گل زیادی خرج این قرار داد
 نکرده اید و برای پیش بردن این خیال
 خام خیلی آلوده نشده اید ثبت به
 خودتان و ایرانی ها خسارت بی ربط
 وارد دنیا کرده اصراری مورد نکرده
 اچجاج و عناد بی عمل را کنار بگذارید
 و یقین بد کنید که در دوره ای که ایرانند
 تجزیه همیشه دو اقلهستان خود را از
 قیمومیت قدیمی خلاص میکنند و مصر و
 هند از اقدامات خود در راه آزادی
 تمام و تمام مشغول نتیجه گرفتند در دوره
 ای که ملل صغیر نازد بازادی رسیده حتی
 از منورها و بیوادی ها استقلال پیدا می
 کنند در دوره ای که در يك قسمت بزرگ
 دنیا مردم زیر بار زنجیرهای رتبه می
 و فضایی و مالی هم و طمان و حتی اقوام
 سهاست برادران خود در آنگاه با وجود
 مخالفت عادات و اخلاق و طبیعت بشری
 میخوابند افراد نو ع انسان را از

حیث مقام و حیثیت و داریائی ~~یکسان~~
 نما بند یک چنین قرار داد یکه ایران
 شش هزار ساله - ایران مولد و مدفن
 سیروس و داریوش و اردشیر و شاپور
 و بهرام و نو شیر و آن - ایران قلمرو و
 سلطان محمود غزنوی و عضد و ابدوله
 دیلمی و الب ارسلان و ملک شاه سلجوقی
 ایران مرهی شاه اسمعیل اول و شاه
 عباس کبیر صفوی و نادر شاه افشار
 ایران پرورنده بوزر جمهر و ابو مسلم
 خراسانی و یحیی و خالد و جعفر برمکی
 و خواجه نظام الملک و خواجه نصیر الدین
 طوسی و میرزا تقی خان امیر کبیر
 فراهانی . ایران موطن شیخ طوسی و
 محمد ابن بابویه و عی بن بابویه قشی و
 شیخ کلینی رازی و شیخ بهائی و شیخ
 مرتضی انصاری . ایران محل نشو و
 نمای شیر و زآبادی و یاقوت حموی
 و ابوالفرج اصفهانی و غیاث الدین
 جمشید کاشانی . ایران مسقط الراس
 شیخ الرئیس بزرگ علی سمینا و ظهیر فاریابی
 و محمد زکریای رازی و میرداماد
 ملا صدرائی شیرازی و میرزا ابوالحسن
 جلوه اردستانی . ایران مولد رودکی

و فردوسی و انوری و ناصرخسرو و
 نظامی و خیام و سعدی و حافظ و صائب و
 قائم مقام فراهانی را مستعمره انگلیس
 قرار میدهند . قرار دادی که تمام
 اهل مملکت از آن متنفر و عموم ملل
 عالم از آن منزجر و حتی در انگلستان
 هم جمعیت های متعدده بر ضد آن هستند
 قرار دادی که با مذهب و دین و اخلاق
 و عادات و استقلال داخلی و خارجی
 و همه چیز این مملکت منافی است چنین
 قرار دادی در چنین مملکتی با چنین
 اوضاع و احوالی اجراء شده نمیست

۲۹ حوت ۱۲۹۸



ویکتور دو گونو بسنده بزرك فر نسه راجع
 بکتاب معروف خود میزرا بل مینویسد
 تا از تاثیر قوانین و عادات مجازات و تعذیب
 اجتماعی وجود دارد که... تا...
 تا... و بالاخره تا جهالت و فقر در روی
 زمین موجود است کشتی از این قبیل می
 تواند بی فائدگی باشد



با آن همی همی با آن مرد بزرگ و
 همی بطل الباطل با میز را بل که
 همی با آن میو یلم
 در داد در ۱۲۹۹ عملا و معنا و در ۱۳۰۰ رسماً
 و لفظاً ملق شد ولی تا در جامعه بشری حس
 مر و عدم تجاوز زبان اندازه نرسیده است که
 بوان در خانه را باز و بمان خد گذاشت
 تا همسایه خانه مجاور خود بنظر طمع نگریسته
 و از زغفات و بی اطلاعی صاحبخانه سوء استفاده
 میکنند تا در خانه اشخاصی ممکن است وجود
 یابند که همسایه را سوء استفاده تشویق
 و راه را برایشان او هموار نمایند
 تا در ممالک معرفت و اطلاع عمومی پایه‌ای
 نرسیده است که افراد برای جلوگیری
 سر ر جامعه بکلمه واحده قیام کنند و بالاخر تا
 وطن پرستی در عموم مردم بجدی نیست که بتوانند
 حدود هر کس را با او بشناسانند نوشتجانی از این
 قماش شاید خیلی بی فایده باشد
 تا بستان ۱۳۰۰ ع ۰ م



